







وا فا بالبار مدنا ستاه وزير ويي راز الرافز و البار ديناي مل بازر دار بار روي كابار الراجاد فرايد بالا الناف والرافز الإيافزال المراجع الالايافزان و ال

در غز الاستدام ورا بدارز و در رسانتر این خر در برد در ۱۹۵ کار ۱۹۵ کار ۱۹۵ کار

حال الله الله من الدور (من رابع) وقع النفيد الله
 عال من وقعل من وقعب ألها وجوده الدورة من يشورة الله
 من الله

ه د ادر شن بهای دادر بح. و ای بد و یک به ادر به در در در براند ره بشت در در ۱۰ و ۱۱ در ۱۵ اگر باد علاق امر د

الا البيان التي المستخدم و المستخدم من المراد المستخدم ا

رمان ها هو در استان به الواقع ما تامن الربال. القابر من مريدي ر الجامة في قدر القدر القدر المسافر والعيد المسافر المسافر المسافر المسافر القدر المسافر القدر المسافر المساف

مام فرادی نوعه است بر ساید و فرو و نوی ساق شد خوندان در نوم و فروز بر شد په ساق فرو بره شدی مشتر زد، مارد بروش و شد په ماده در افزود شد و در داد در شد در در در پارسوان سال در داد و در در در در در پارسوان در داد و داد در داد و داد و

استرو پر میا به دی قیا به بسترسانی در هیدا دور در بروی داگر راهرد شامرداست در شرخ در دور پر ید بر ستاستید را ستانیک این اینانی مدر از م بر این نشا از پیدار در ساخیها میاه سر هاشد. در برد نش در ایش از با در دارای عند استیا بندر به افغال ارت میشا روز بدیده ایناناد می داد می چدر تا در افغال و افغال می سا

ور على برقال من المرح ميز القرائل عن الله حال منه القرائل من برقال منها الإنه القرائل المنظر الر إذا الله القرائل الله الله القائل المناقل أن الله الأرائل على من الله الرائل أن القائل في المراثل المنافل الانتهام القرائل المنافل المنافلة

رق بده از صور از انا ماه بنج فند و استان طرق رزادی باز فاید اسم رفزید اسیان خواد متر لاس خوادی این مادن بده امر مواد دی هام از سوای باشت با داشتند استان این در

والمراضية والراب معادد

و المحمد والمحمل مراس المحمد على المحمد

کم رفت با دهار شد بده برد سرا سرا ها منظر من مراوس و خاط مر می بر تردی منظر در دادار ساق مارنداز ادی رکت اساله منظ کر با در برده و دادار منظر دادار ما کار در این برد این می برد این مار در این برد این در این ما کار در این برد این اسال با در دادار ما کار در این برد این اسال با در دادار ما در در این در این در در این اسال برد در این ما در در دادار در این برد در این در در در در این

الذي طرد التما قبط للها المشار الرائدلية. به الذي الذي الرامل الشيط الرائم السعاب ولا في مراه في الرامل الشيط ال

## 22 22 22 22 22

میں چر فند پر کا کر این پر فر ہے خاص جنا کہ کار در ایری بہ بہتریہ بلیر کار پر کا المی پر ان منجلا دید فید

> الاحتام وطهد بدر يكل مه الفيق بد لهر محال مأمان خريران لهامة الرمان

رميز طانه از اسرامي رزائز ادار ادار احد و راها در ادار ادار ادار ادار دارد اميا راها در ادار عارضان اداري ادار دارد ادار دادار ادار ب و باز و باد اطالتر بحافظ به در پر دن پنجه بنید، نا خاند اسمره طلقی بهم در بردر امراک دودن خواصد، ادر پای طا استان بها کشید اما احم مر اصل به ۱۱ مخ داد در ادر امراخ بر شمه پر ساچ طرب

محد مصادم دامو رقباد پیداشت. ریاسی عام مدامه نگار در چید شع شهر شر عام شده بدار استار در بهزار در گار بز س حرم و در طرح ایک شی شاط استار ماد با داد مدام داده در شام شی شاط استار شام با داد شام شام در شام و شام به استار در اساس نامه شام در شام و شام به در در سرای نامه در در داده شام با در در در در در داده شام

ده کارب الرساندوری ۱۰۰۰ بروری ۱۰۰۰ رسید میدرانان بارانان رفق دا شد الله رشهان بط است و تبتيد لا فروه به النهاج اله خود فر المير مشهو بيرا بر روز فر ويون

د البرخان المراق من الاقتراب بين المراق المراق بين المراق المراق

## 400.0

بداد دارد تا برا ترج الديد رقع معتد در سيخ ما تعد الكلد والديد و دور الرج (۱۳۷۶ وقد منا بايمال و رغم عبدالد المرح (۱۳۷۶ وقد منا بايمال و بيان كرد الديد درمه رفق معتدر الاستخدام المنا ورده درمه رفق معتدر الاستخدام المراقل الله خدر الدور الدور الاستخدام المراقل الاستخدام الاستخدام المراقل المراقل المراقل الاستخدام المراقل ا

باد تام رف ه فر تابر بطر تماهد داران و - قام داهم، بد دارش و فر جه فرور باشا فرا ام ما الفيد آثار بر دارد بدا فقو فل در اران فر الله داران فادم فر ما دارد الله م يدن الدار باز در الرواز باز فاقر بر دارد الله م

AND ADDRESS OF THE RESIDENCE OF THE PARTY OF

رائل تر توق تسمى به نسال و الطبه فسمي مراة به كواد ياد في متر ما فسئان به يوا در يمم تريز س بدير اداف اند طاقت الله المسمور والرؤسة بن بديد بنه المام قوا در ياديد متواصيلا كه بنه الكيا الآلة من قد شير وادي ما الله إنه ادار بالله

## وليمت

ه البردية قام أل ما خدار واقتد الأناسي ويمث من ملف الشهر في هنا البدر الذه من حديد وقالها عامل حرك الانتقاف الما المرد أم السالة على فرد إذا أن حافظه إمر والان مرم مل الأم البريق والدار المسال الانتقاف المشور

فهداوة ونوعة بالوارود

لهبد شنو لاياد لعنداني ماز يه التر

رحد الام فعيد بالدمن مادينة عالميه مل م

رد نبرهٔ نے کتاب

الوطاقة بتاج المان والخلود ومواالواحد وهوا. وهوطا

- Charles Secretaria and Alberta

سيدري بندر بالصيارين

اراه دیار کا در این اعتباد کا بنز دیار





# تعربات وضوز وفوا

والاختراق يعلم التواعي السوارات

هوستان در بای کا کار در اور دی، در ای داری: در در در از دره ایران در این این در در در در

ىلىغار ئىزداردىكى ھرسى ئىدىن ئەردىنىڭ قىرا

سرک بازیکری سمی در ادادی. برانان بازیکری شمی در ادادی.

بادو و دونها به دونهای های اصرفاد داش، باد اداما دراش به داد

ن د. وکاری طرف ریا افزیده اور آمراد ایش ریا داری در خواد ریشه افزار می ۱۹۸۶ در ۱۸

ر قبر بمرا". ما مورد میرد می دوند فات به

ور بوری میرد می ویرد فادید. ا

Annual vertical vertical

الينظور ويانية ١٨٠ وطار 1000. الدووان الا الوالد في مم 100 100 ما الدانيات

ا في الشاطرة معي مواهده ما در الما فيور سكر مراجع الأخلال فيم فيواني الأخ عن الأخلاص ر فرد بوده عرب ورمو

The state of the s

به دو دخر میاد دانخ مد دخر ۱۹۵۰ فر تشور چ به دخر داند کاب دخد

به خواصد فو مود المواطن المدادة التهاد و الا فروا من قد الله المزاد و المواضوع المزاد وقد بالمراضوع و المراضع المزاد و المراضع المزاد وقد مراضع المجاد و المراضع أمر المراثة المراضعة وقد في المراضع والمحافظات

Service and the service and th

١

أحدف ووأبيالا فدجوما

المارات الكار ومراك والمراجع

عكماه يرزفين معيدتنا بالبر

4,0 c

کار تیز ما میلا هی در اسپ واتایه واز واتایا ب ازیاد و بیار انتشارها باد

باشقا در هین، به برشنی لیزدهد بز بید هنواهد بزن، ریز زند فرم بستومرام

به در دوه فرد در واز در در در در در از در وه دراه برد دا هند در به بدر برد دار بدرهای برد در

بواهد برغيد بدلته خد بزند بقي بن طوين -

به جد تجدیم بیش و جی با شد ش بازد و جریز نبر هیش بشاه در هم راید می بردند هرین

این در همیرهای والدوستی او رایده از واقد به به به افزار این بدیر او دور افزار دیگاه از واز داشتر به اعد داکلیه این آفزار که داور دانور وازد و افزار این او از

المائلة في بد فعال يتعرد اللهاد ما يا بد وا ب

والمنز الادرائية مؤم الإدباء زمام البالا

on the first state a part of

(5.19) 63 9 36 100 3 3 3 4 5 3 6 2 10 3 6 1 4 3 5 100 3 3 4 6 7 6 2 10 4 6 5 7 6 7 6

و رساخت شدر سدن بدور برساختر او برادر برادر بدور برساخ او برادر برادر

شهر اميرا و قر ه الاي عاد الديد و ترا بن الديد بارد والدي بديرا د ها در و ترا در الديد الديد الديد و الديد الديد و الديد د داد الديد ا

A chipping and property

ن رکتا میاب محرود می مادید رفت برخی روی پر

خوان د باشم د ۱ کار او بدن براند، به شد بازید اد زوار د هرک از داد هری شد ستان های شریطی داد اهاره دم زید هرک منا

هه خود کم این و استان به بیدای فاتر و ا اگر وازیرهٔ المع شورهای بر سر نکرد این با الفیا فاتر زما به در شوار سری از نفر از المبار ا شیخ

الشوا فقية في جريف الشوافية بنورية في المرابع المرابع الشوافية المرابع ا

ا ساسوالیه ندید به بودی درهای در معرب ا ما در ارستورد محبودی به بردی در داد از درخورد محبودی به بردی در داد از درخورد را بازی و شدهای نها رسیانهای دورسی و اشتیان براه ه ایندهای مرح نیز ترجید نیز شدن در شدید پر سایه به اقلیم طرح در خرج فرهٔ طرح در از این این سایم آلاییات در از این باد انتقال اطرافزش بهای این ایندهای فره شدن به این این نیز در این این

ها دوایته را در رسفیانه بیریند مرسر رخوارش کابته را در هالید ایرانه های از کنورسرشیان دانگرید

ه کا دور ده دور دو الراق در داده و دور ده دورات.

رده ها دور دانهای ... د ما دور افر از دورون سریده می مردوران

The state of the s

Merchania Merchania رت شارط ور علو سرو چاد از از 1 هاد احداث باد سرو سرد اد است به 1 مارا :

ر به و ها در الميدين و ها داديد در المراجع في قال به داخل و در الم در المراجع في في الميدي في داخل و در الم حال ما المراجع المراجع في در المراجع به بين منطق المراجع المراجع

اللونغ في أواد استمواق دار اوراد و الإرا و طارع و الرام المتوافق المتقد في مروي و طام حروق في الارتفاق المتقد الم في القد المتوافق والارتفاق والارتفاق المتقد ال

اری دادری استریمی به سینتریم و میل بازیم معاری ترکیلی معاد دادری از مطابع ایران معاد دادری از مطابع ایران ایران دادری ایران ایران دادری دادری معاددی در برای ایران دادری دادری معاددی دادری دادری دادری اهما ها بقر القرائد بنا من من من وي و نميز بر اللم ه مديد الله على خود سنب هذا بر دري روز بلما بر القرائد براسم والا من حرار ولد براي ورد الم فر الا الدرائد با بلاد عمل من براي براي فر بلاد من فرائد الله المن من الانتخاب

د د خود در در در در در در در در ۱ د د خود در در در در در در در در در در

400

و المتحدث الرحم و الرابع الدينة و المتحدث الم

ه چا النبط هر افر قدم الدينسام، وقال واتي خاد الدائد ما و هو التينسام

بات منافق الكهاء من البناء في شهر النام التم التم مر - النام في نظر مو شهر المادة في أمر التان يشر والا في المائل النامة فتر مر المسلمان والقراع في إن إنه المام الذا التام والقراع في كافر بيكور

ظ الراحم مآمرها برا در الدو يورون م الداخ الداخل الداخر الدراطة عرضا الدر خالي الداخر الداخر الداخر الدرجة الدرجة الدرجة الدرجة الداخر الداخر الداخرة الدرجة الداخرة والمدير فكالر الباستين بيرويين

والمحارطية ويجريه والمتوان

موسور و او پردن جمه در معین کار د پید در اماد کا کا در باید در زمان با افتاد این درا

اللها". الله الحدد التجرائع مرا ( المرية عند التام

أ بدخورة بالرحل ولروز سيدي الأخر حمارة فالابتدائر خاص بالر وتعدر مراث

یه وخ الا محید تر هن های جائید منتزی حالیه خراصی آن اثار بنه یو، در امیر جاوعد التا منت در در در

الليل الله، من التركة، وقد من الله، ومن المن المنز التار را به الله الله، في منال الدين الدين المنز

ar.

A STATE OF THE PARTY OF THE PAR

۰. بالنزار ليم بالدورون فيد رحد رحد .

رسی دادو دربان سازیدا در نید این در گار در بر محل در دربان الدخیار یک شار به حدید و درباه استان در شدر بازی به بازه مدل چار و شار این این در شدر بازی به باشد شار خار این این این در شدر بازی به باشد شار خار این این در در شار

جد الهر حام الراحل حرف الدون الله على الر ر الرد من حيار ما الراحل عند لفاع الله يشعر الراحل الفيس المشادان الله الشرار المعرفين الم راحلة و الراحل الراحل عن طرح الأناة بعنب

بهای محرد نید زیادتر بر مصید به ریا میدادید. زید تعرفت ما مراد ترد در افزاد شرک

راهید کیدار ۱۵ در در امر استجار به طور از چار چه ساید از احسار کار به باور رانداد کار

٠ استر شدو کور چو کو کار فر اس از جه ا ا

رد بیر دیا دروند شب درو شر

ه مناحد اور حضور او و حضور بر منام the law of a law to the law and a law a

الأرادكين المراجعة المراجعة المناطقة

۱۹۵۰ و بخارای ادیم از کشک مهران مز فقیری ماد. ۲ فردای ماه فوجهٔ این داد خودهان باشتا "

۱۹۰۹ این او هام اشار در استان بازاب پیش افاع های بنام او پار بر ازاری

الله أية برها و يه وقد فا بد واريق و يا من طعه في فليد و يو طاري از به غلا أنه وها الله الله الله عن الرافز جار البهاء - به المرافز الذي الله البهائي بينا فاي الر - المرافز الله الله اللهائية اللهائية اللهائية اللهائية المرافز اللهائية المرافز اللهائية اللهائية اللهائية المرافز اللهائية المرافز اللهائية المرافز المر

الدي الدو الطرق من النصر بين بين بريل منها بي طرق الدينة على الدين من الدين الطلق بين دو يشق بي الدينة على الدينة أن يولا دو الان الدينة الدينة الدينة وقر الدين الدينة ا

استان فرغرت بنه دهر درد بر د الفودال مدخاص

ا في خا القام التاريخ بريض من اليما ليل و با المعامر بالله على والتشار اللهم والتشا

or a constant here directly in the co-

and a real of the case of

الشدادانية ويعرضهن ودور برابع فتيب

ار حصر وارستی ریز وی وارث از اگر از از داد، منافاهی وی دارش نے بندیتار اد را داد ورد ما شدا داد علی داد است مع دید بندر داد از ارتفاعات

: مراب فاضر لا يش مر فاع ينز داد و بيرة لما مراز فقل بما لمر سرة ٢

د الد يون فيزي المار بيان والبار بعد الدر سياة ه د الله عار من سياس بالبلغة بالدير العار والدي ير اد يمان الي بنا الارسان ما الميد الداني عارفة إليا يمان بيوا الميد

ال خارم لهر بدوا 20 ارتباط الكونوب لار مكتب از قار احدم جاه طاحر 10 احد.

ا وقد برخاصت روز کا جا دور جد کا دائل گاگا روز کا جا بیشتر و باشتر دور کا در خان با به از باد میراد دار اور کا ایک باد داشت باز کا دارد داشتر داشتر این در میراد باد دارد بازی داد داد ایا راه داشتر بردانی دارد این دارد

an include of the Artistan

ليناتل



یا به بدهٔ رسار به و بردر به زمرار علتی الله رفض واقع واقع واقع بهار طریعه رسال فاده الاحد بمو داناته سایه ایال واقع به تقو م فردر رفض

رف التو رفض لفتر من برازل بروز ورخ التر الحرار الدر الدرار الدران الدران الدران (12 التر والدران) الدران الدران الدران رفضا الدران الدران الدران الدران الدران التو رفض الدران الدران الدران والكرار الدران

بالأدر در هم دهد دهد بيت بر سيد و او دي ۱ دادر ۵ بره ۱۹ هداد باد در الار بخو با سودار در و برود در داد در ۱۹ و تاريخ، با عند در

والرافضي فزالاجزيه مناطار ليشا

ما دُمار کار کار از در را نیم با نیمیا در ایمان اختیار کار بزردگان باز در نیماند. داد دان و اگر اگر کار کار کار کار در در

والله منع المود موانت فار الدي حرب وليها - الله جه أو بريلي أو الأوانة بريطة روازل وزير ويتلبت عام الاطوام الذي الراد المحرام من والله علم المهام ما عنو الذي وال مراد الدي ا

الان المنظم الماسور الدائمة الدينة الماس المنظم المنظم

بالمت فيا بالما وبالقراض

رور الرائد المراز المرائد المرازية المرازية المرازية المرازية المرازية المرازية المرازية المرازية المرازية الم

ه غياد ميش اليد العالجية بقيد واران وارد وارد و عن مكان الأدوار ميرموارس ... 4 الأدار الوردار الإستان مي جد مداس ريب اد

الإخاء الإخاء واختر طياننا

# 401,01

ى در رادور دى دار به زين يېلې كې تر دد در دې ويغه دار ورواغ تولې

ان غز طرخ دينام جريدة. عنام مرة مرات . ، خارج الإمراز بنب دائز و فاي

وفالت

رده هارند قر فر در هرمه و و همه هم شده مدر سامه المدر و المار هر در المارد و در وقت و المارد و در المارد و در وقت و المارد و المارد و





طریق در این از این از این در این در این اطریق بر انظامگی داد افزار بر این افزار ایندا دوستا مناطا بادر اصباب ماز ایار افزار بایا دادر انتر در دادم دفتار

ین افغان می در سنتان نظری از تبها در دو افغان با در این الدید در افغان با در این در است در ا

ه ما فقد غليه قا الارتجاع الأس تزو يتشوس

فأهنا فالمسجونية ترضر فراريب

A REAL PARTIES AND A CO. شهر بالمشار فراتو براند بران الاس

A REPORT OF PARTY OF PARTY.

البدون



تادان الوداق علي بالدام كالباط مال

به في با در مرداده وتقرار تك . باد قد او باد نيد دالا با في الاد داخ الد او باد نيد دالا با في الاد

AND ADDRESS OF THE OWNER.

رشانه بدون در المعرفي السيمة (الكافل) في الكار دور بالكاف المدرس (الكاد كور بالكافل) الكار دور بالكافر المدرس (الرابات) الأراج و المدارات المرابعة في المدرس الرابات الأراج و

Chicago an angaga pangga p

موقول الاستدار والإنجاد الرافة الأنب الراقي الر الرافيق الراقعيات دو به فاده در میدوسرد از دوبر مرد داده در در میدوسرد

musul a batter of the

های های و خاط استان طایر زمین های همه های در خان داندیز طایز شمی داندیز ام از خارین اشان شیدند تامید رای با سهر

رار ما آدیز با افتی اسید تصییات به سیز ده به اطار ۲ سفر ۱۶ یکل از دند پیر بر طاود در باد در این عربه کار جد ۲ عمر و طر فتی بدد اشتر در برید در حقد در کار من عن بیر فتی

اب فيا، به زيا الشراع الله، جاري لدين بن له، الارتقاع الدائل مراقة الله، مراكبين الراب (1) (17) و 1 (رابطة الله).

ده ده دادیدون میپرید در پیده در د خانده در در در در در در درد. و دهی در داشتر ما رسید ری نشاد به اشترائز روز خری، در شهریکم رشیانهٔ در ندن که انتها به در رسی در

باشتر خاص فسر الانتاجي فرابر تاب 🖷 . دا حواد الروم وبایل سب فاداً ، بدارو اجاد . داده در بر خان الانا ایر شرو شور شوارای بر مرواض در شر.

رة مَعَ فرقتا ورجنا تشيئ را يَعَرَعَتِهِ السرار مُمَّ البرز وَيُقِهُ فِلْ شِينًا \*.

ار خاص ویهد دیدا. با در بی باز باز باز با بستانید

الجه والمراجعة المواصرة فالماران الراجع والمراجعة المراجعة المراج

population policy (

المرافع و40 فرد در الرسور برواق (10 معلود ما الدور المرافع الموا

بالا الدوار الواحل في الله فيكن كي يكا التوكية الدائمة الأدب الدوار الدوار الأدبر إلى المدار إليام المراز المعاقد الدوار الا الدوار الدوار الاول الالاز الذي الرائمة الدوار الدوار الرائم الدوار الاثن الدوار الدوار

بالاساواء بالأطراع بالوب

ではいる場合ではないだめ ではいないできない。 ではないなかがら

نن تو تعودت نبط بائل بقر م فبود.

اول به اشار تراید در در و بر لمود رف در که داد در این ۱۳۷۵ در در در در در در در در

د فالله على الأواء برين الراسب على.

بن جو قراره جو الشر مشر مر تمور شهر فرخ مرضع براه ترجيه ها ميا خود ارتشان او شاورية الواسط براهر تمينا برطان از مرد قراع مواشت، جو الرجي البعد قراري راو در اور مرضو واشا

قۇقىمىدەلار بولىرىدىن. مەلەر سىدادار دەرمارد

ا الاسترافية من منازلان الارتباط التر الترافية الاشتران الله الترافية الترافية الترافية الترافية الترافية الترافية الترافية الترافية الترافية ا

کار دا در بداوری اوریش است. اگر به رفت بخیر روز مخودی از در جواند برد دست سنتی کار سیده داد سن در سن افاد دا کار روزی کا اینه داد از این دادر در زستج این است. بخیرد دادری ایک و اینشد این کارس در این دادر دادری این

18

د مراحه مرد شم افي در در دي در ادي وما سد در دي دراند اف ادرو فدي درددرد بادر سرو ۱۵ مرد مرافق فردو ردمر بادرا بدر طور در درخوا فردو ردمر در در در عرفها و مر مزایا دره هو مر هر چ در در بسترش از ط هارای

سران الرطان بيزار مي فرني تقدر تي دايات

بين كل فك فيزان عني بناة بذرة في تمواه الرابل في منظم الرابل ميظهر التطباة الرابان في تبدأ ما فكان إلى الرابا الإنجاز الرابان في الأن

200 pt (100 pt )

ود مور الما طو د مقدر في ويا

.

catalana di sensi Parameter and annual عادد فارسي ولالقاة

لا بديد در ۾ ليار سياسي عادية والإشاران والمداخل

Trabal safety drive have many

وه دو شرق بر برو مدتر وفت الدخ الدفاق الميمية منه في الواقع، دريكا من الرسمية الدور مكره درجه الاشراء مداني القرطي دريان در مرق الموراعية من التام الشنة الرسية والتي والتام.

علت فق دیں بادھیں ہے۔ بند بند جد رہے۔ اس وار دی در ادر جا در کا صادر کام کاریک بند ادارہ در کام بادر کام جد کام کار مقب تصری ہے۔ بنا ادر باد کا کام خدا ساز مقبر تردی کاریک رہیں کاریک کا کار

صورت هوداند ما داده دار بهاد دار او ادا فاده در جد از در داد دار بهاد بو هداد بد مداد داردند در برداد باز صدر ها درداد از در داده زید دخت از هار درداد را در دار میبادد بازین ماراز در در در در در در

کے حق وہند کا بھی ہر جو اندر آمین ہے ہے۔ اندر معرب رہے ہائی ترزع کا ہر کے معر رہنے کا انزلٹ بمجالات پر اندر یا تعدید مر

ر تر بیشان کا فاد بات تر نیب باید و تدریخه اد بازار دهارات مدافق تنشا بر شریعی ادبیار فیب بر

والمشدونية وتؤاهرونا

risa bar bab

AUD grant (See )

ن د دواد دون دیار میشورین به

نا میں بھی کاروا را دوروں ہور فور کا مولد کیا کی جدودہ کا کی سے رائد کا مولد کیا کی کی کی انہوں

ا ميد من الجناسدي في شود ويودي اين راسا وليق بن ماراني فروافي

در مدرسون دو هو بند نام میار شدو در دب دارمز در درا در

- mark# 30 ... \$ 4 ... \$ 4.77 \$ 4.774

ر در کا بر مردان بیت برده به پروس در مدا طالبات دهد در که ۱۵ در درد در

والتبلغ بـ تياده منام البها مر قبر بمزار من را أن الله بر خارته بالحرب فا واد وما ما را طلبت بر خاند جر المراز ال كالا ومن خوان المواطر بالا المراز الحرب و الا لفظ يمن في الور الاز الي في الو الماء والله من وال الأوطر أن الا لوب علمة داريط الا يمار سرار

garage.

الان الا تو تنت به درب بو تري بالان الا تو تنت بو مرب بو ترج

الله الحق و فيها للفقاع مؤرس من ينهو إلى مرا اللهاء مع الأراط البنان القالواني القراع الدي مراعظ عدد ما الانت

ط الباد القدر الذي

والحقاضة القوايضية ميثاران يفز ومبد

DESCRIPTION OF STREET

Mr. 25 8 p. 20.

at the same and the same of the

تفالا المرؤ لا يزمي مِدار لا ي في Name of the control of the لاجهاست ويزعين يتباح الميزيزان

日日にはおお いしょうかいかん DESCRIPTION OF THE PARTY OF THE در دهای دو اطالبها در دون فید اختیار در نیز به بدا در دونا طر نسری او فید به دی جهای در شرخ ای اثبات رابطه این دی جهای دیله بر دی در شرخ از از شت شار جاز در جهای دارد و رای اطاقی از از شت شار جاز در خوابد اشار جاز و رای اطاقی کام دار این در این در این از این این اشاره این در این مرح دایشان دادای در این این از این این اشاره این در این مرح دایشان دادای

یا جود دادم و فیدها بود مدتر در متر باشد الاجها در حصی بدر مدیدی در طر بدای اطالات ایجها شاه فی شد بود بای بختر اجد ۱ در موادی ما اید کند و در موادمه مدین بیشا موادی بر اید این صورا شد باید در در دادم.

وه فالماد فر مام ادياد فار باد باد يعوار مع داكا مراد الدي فاد الدينا فار فار در مار

# معزعيز وعودو

ان الذي قو الحبيد الرافع بينان بينان بالمين بالحال بدرخان والحروق الميار قابل سيا بدينا التي بد تنبيا بالقا ألايام الإنجاز الرائد بن تربع والشراب المهاد الإنشانيان ال دعود بر مد هند م وحدد ديو به عليان يرد ها داريد الله به مؤال هي يك براي الي يك المحي مر حدال الله براي بي ما يك الد مرد الله مراكز الله الله بالري في الاعتبال بي الله إلى الا منا القبيلة والدرد الله الاعتبال بي الله إلى الا

دور من فا من فسرون فقه والميا والقرائل - باز الأجارة في غير الانتخا القيل والمبارة خاذ داداد الدارد الأثر أمريد عن الإرامييس

راقرار الدير الداد باشتر والشيئة الشيئر بدير شيخ الكان الاز الدار الدائل إلى الدير مد سير ال الدائل الدار واستقي الدان الشيز القيار الدين الدائل الدائل الدين الدائل الدا

در المراز المراز المشارية على مداني المراز المراز

44,000,000

را در التام في الفاق على الدينيين بد در بدر منهم م. من المحل الدين ، ومن المسئل علنا ماه البناة الذي ول. تشارق عام ما يشكل العبيرة

خواهیدا در بحو شیخ تزدند ندا شید دن . نحد به نیشاند درد اداد شار پخر شدی بخا که در در شاه

را به این این این بها در افتر پر امین در مدخه این باشد به این برای به این این آب برد این مکت به این به در این این این بیش معید داد این این بر در بی این این در سی محید داد این این برای به این این نظر در سی

خاصة والدر رساسة وال الله لا يا كارك من الاطالة الدراء

خىد ۋاتتار كۆلاتىرىد ئاچانلۇلىي ۋەرقار تارىك

باقياً: ابنيا فو تطبع ناق الرب النافيستيان توجيه من هر اسمي المر الربيا بديرية من البرد

بذك وجوال وبالراف التي

که نشر کار هه افسان طالبان در تبدیر زمین . معد بر اش رفشار تصل زمانی هدرار کار در بر او باد در آم دید CELLOR THE STATE OF THE STATE O

فللما بمعط فعال براد والكراهي

لرسل بروي ترفيني وأن الكن الله بد محجود ويزادينه وورد توري

- Land St. 1955 1985 1 (2012) 公司が名 | 田川田 が湯 しかしゃん

such that a special distance

Series are color as a statute.

Many a superstant of will be with this high the first the same

per a proprieta de la propriet

HORSE STATE OF STREET

Manage Management and a finish of the off the and a facilities

بالبارس والإلازا تعادد

10111000000000 And the same of the same of the setting

#### salt or one a section

ليدااو

# المعتدية المعتدية

ردی سید ما در وند کو بنج

رونج به صور الله ۱. تر هنا ر سر ابلها الأ البناء بنارا # #

بر رود خونی شید و توسیعی ۱۹۷۹ رود را پیدید به دوند دوند دوند دوند ۱- دوند در ایران داد

است دیکی کار دارد ایران میده دیات کا بید. دار این ایز بردام به این از این به اینا جدید دار در ایز بیر دارسی، داران از داد داداشته اینا، بشار در بیان

ين خصيد بر قطر نقاد ۽ دنشي مين اور في بيدم في ايت نق

راسيان اول اولي روايا در اهي درست محق رسان عشير هال دراء رهاي درا در الدرب داخا در در در در در در دار دارا داران دران ا

سادس الرساس والرائد المطاور الرسال المرائد المرائد المدراة موراة شار بالرسام الرائد المالات المرائد المال بالرسام المالات

یند به اعداد کارو د داد چه چه وید پیار بید پیره این امادهای باید پر را ترجه در سال در اداد پایداد و ایاده در دادی تر پر دادها

بالموالدور بالمرطوب

الإداما يتكاونها يشرين

الله عام الدائل الإستراد و التوادي (دائل بيد) رام به القام ألم استراد الدائل الدائل البيارة دائل طارا الدارات (دائل علياً الله البياً الإدائل الزيا الذائل البيار الدار

هي اليا فظ مينا ۾ مين غرايت بوران به طوار عبد هر دار ڏاري جي کيه

الله المرابطية الرائد الدو ميان و الميد 3 الرائد المرابطية الرائد والمرابط المرابطة معالمة الرائد الرائد المرابطة المرابط المرابطة

ایدا فیرایی خانه اید با دهنی بازیر عاده د فورای بهریات

رية فتر طيق جورية و عيدهم. معاددة في الأرادة

المشارعة في الاستان المارية

## طواطئ بمياءوه وموادع ستوبعت

تسذى وازين واريته بالبين بنع

40.00 فقتات فرقيته فينان بندر بندر

المراجع فنز الموطور يدودها بالهويل يقزعك ومتزافي والمحدد والماعية

at a bow at a base of the بمثال هافيت فاستخلفهما

بالمناج بايناده بشوزيونش

سر نوجو وزدا سر يتبكر

بالاصطفاد فابتا بازميندي ب مرحوايات فالدينية من الاورين فاصد في بدعوان إيار غارات بيتار مراسات بالاعوان إيار غارات بيتار

Called Branch Co.

مد الارد في البعاد الله الاجتماع في ميتوا فيم ينظ المحاطر الدالا بالذيات من البعاج فيرم. إن شاطة من الفرائل حواص أن الاعتمال

ظ بادیکا و فرخوطور با خالات نصاب صبحت در در

دا غیال فکر فیصو بر تغییریک در و پر برانا باشتر ما دی، هیمان بیمار سیر بورد

14

ا مداد من الرب الداعة براها براها وزيرون الاستوادات الايلانية المنطق الداعة كان العارضة براسروم الايلان والكرار الايلان المناطرة والراكزة بالشائد

خاص بالان في المستوال من المام الدول الدول مناصل الم المناطق المناطقة المن ان دوره هزار و داخل به هدر دو او مثله ما دوسه روشه و الله روشه روشه الدورة مرافقه ماه داخله و به و الاستوارات و مقاله مراه ابنه شهر ها ممثل تعادل الرشيق و الدورة الراه المنظ تم طرفة الارام معرا الدورة الدورة

نصي داديد از مينط فقي و پهرايي بريد. به همار استخراص امين بيان فقم شامر قبي ه ۱۸۰ از دين اثبا د پندر بي

به مید (دختایت سنج در بر بر بردر از از آن ها داهد آناد کشار کا در برد در در در در د

والمعرة فدائد الإلى المراجع والهية والإرهام

#### الإون الشر 1965 كان ما تميم فيون ما كان

ىن دىن دىدر دىدر دىدر دېر دىد.

الله المراجع المراجع

به والبيد ترود واهير د درا بر داد سند را تعيد كه به شاه از دراجه استرات على درب تيم الدراجة داد داد دراج حاله درات بر درباري به الراح الدرات و استرات الماد داد در يكن المادة در جراح خاصه الاراك الدرات المادة الم

ای بنت یا عکر عک حجد رضا تراکا واکم و امار شایع و ام راحا در داری ادراد افز بر مادمیت در امار صور، رما متنا السوا در میں عضم در اداری افزا داد و صور راد دیگر ادراد و سرد، افاد دا در دح داد

- باندهٔ ۱۵ انتشاع (کند مثر اد م غاز سیا طر ۱۵۵۶

## المن القال في خاط بنا العين

ال قال الإستانيات على بعداً التوب يسترجها بعا ما الا البيان بيد وتشار مع البرز والأحجاب دار الا ولا قبل في حود رو دوارد واحل الأطباع علام يتوب الا التوزعت تبلك بالبراء التسمرا هو من السام رجب الله القبل بكناء

داد بنر دا در اسر ادر و اسانه در داد اد در داد اداد در داد

ر المنظم المنظم المنظم المنظم الله المنظم ا

بها تدبیعت السوق این بهدر دادند دیده در که متبتد در ایند الاور دیدید، به رسه ادم دوا بدر دیدا وی، شرما بر دادر موز در حارج بخش در نقاس دادند، شورد در از انتها رساد کشورد، شر

المراحية المار والرفر والوا الرياة المراسم

paragraphic and a paragraphic and the same file and file and an analysis and a same at the same at the

ا فضاد على الاطوار والام الان موجوا في ا

الراه فراه الراه الراه الراه دوري ويراوي ما والمدينة والرام الاراه الراه الرا

رهنا بروره در دریان بر ورای بران ماموارد در رمیمهدن عصور

و التاريخ فالمن فراند الدينة على طور در الارتباد والتاريخ الوليد من منطقة المن الماقة في الكارخ والتاريخ المنطقة الدينة المنظر مناسرة والدينة والارتباد المنطار في المارك والدينة المنظر والدينة

0

بعقب هي و نو تاريز در و تاريخ دوريو

الارتباط: النشأ أي زارية، بع بنزلة، رقا بر شتر الأباء 1 ينفر غر ترتبها

الله كالمياصلين السرتان اليق م الاسماع الماليان التلاط

A PARTY AND DESCRIPTION OF

وخر خار بازینار ارسی رف جا آنگید 4- خود چان

الله فعوله يتوادق به حقه حقا من مراهد وقر فوق فويد المحاصمي والانبطال الراب والمراجع المحاصمي والانبطال الراب

ر ورود. - ماجو دارنا درد ر در درجه

The second section of the second seco

جه شودنیک تر بارید در دی باجه برقی برد ناوه تاری تر در در ناخی بیتر شاور در وسور برخص باک تصاد شداده درد.

رامه السايد التي امار اين المديد البار التينياس رامان الجزاء الإفسادات

رد عند البرة الرواقي بدلتم يتاويدي إلى الم على الا التصدر الرواقي من في السيطي الرواقي التسمير مع طبر الله يما من المثل الله المرافع الله والمرافع المتحديد المرافع المرافع والمرافع الله والمرافع المرافع الرواقية المرافع المراف

جنٹ ویت پٹ کئے دیے کے برہا کر بین اور حکے آب مکاوار خام اور سارت میں ب یہ اسار کار

مر خاندش الاسرد دیم دان پیاران آباد آموند بداری به پیان

از دا الدخام شها بدور می می دور اد شر دو در وانتیار افتار کرونهای او داد استان داده داده چه اصلی وی در تاریخ به این موجود ترقیق بازی وی در بازی در در تاریخ به روزین

والاشتال تنزني الزالا فراهدين

فأمنأ الإر في علامية المراور فرعا:

مؤدنون والبادي

لأفرائد فتنا يتعايلته عن بالمداعة بع

والمنية أن الحق المشارعة والمستان والأخاطة عالمات المادة والرفطة بالتقابطة، ورفق بي) المادة الا المحروب بالديد الميادة

فاختاط عنيز وعلاهيون يطا

化有效性 经收益 医

اللوا بنيا مومون به عدد أريي و. ه بار مختصيا بنا من ويد مور براي بر

کار برای این برای طوب بنایل اشتر باشی را بن باید است بر درای اشتر باشی را بن

ر هناهم فيرس دو دان رای اور دار در در در در دادر عدیدا «مرفار این طی رفزد در و هروی محاوید در نام در دافتاند در داده

をはないない。 はなけるならのはなるない。 のののではなるない。

د الله اوره ۱۰ م المشاطر فر فر الرابو مثر ود عاد فر الساماء عاد الماك الرافطر فعلم الدافر عن فار والوي

الدي او خزو اداره اداره الراجع باز الراجع الديار الخ ادر اداره خرام الا بداره الدارم اداره اللها الديارة الدارم الوقارات القاليات الدارم الدا

به بیرهٔ از فریو و ماتر رزدو صفر، بنت برای با نسر اثب بردو بر تری و نیر دارد و از ری با ما دی کار در از دچین بر بعد بعد بیر بها واحده دور در اهلا پایتان بر رود د افتار کا ب اهار دو به به کامل بر اولید کا پایدان

خز ۱۱۵۰ خيا با در چاپند هې د لا. در د منز د لې.

واقع او اداخود بدا از دادم باشي را بن زاده اهم ايسر در باز داد رك فر دار در عدا دار داد هم اداده در ادري دلي راديد در دادي رديد

مدرسیا شر به کی درده و ۱۵ او ۱۵ او شوط م او دو

21 52 **43** 52

بالقاران في من الرقايان مثل ودعة في استند استواد خوال الطان الدين الدي حيث مثر رو وي الحدوث برقوع الدينة - هم العر جوان بإلا الحراد الدينة مالدات الدينة بالدين عراج ديائي الدواد الكرد بإلواد المطالبات

الدورة في القرارة الروفية في القطوع . الدورة في الدورة في الدورة المستقر المس

on service and the first of the first

مي خير اصفي به پختاند نم واديان با ديد ژاخه به خر اگر در کيد پردا در سي رک اندو کرد در افزاده خد آن د خر پلا ي ردو ترديد کيان پر کند ادار از ادي تردي سين از رادا کليا رکزو

74 th 100 h 100 mm

الل الأخالمية على ترواييه ويجود براييه

خاطر شیخ قرید. هما مخاطر د شود

Company of Joseph Strain Company of the comment of

المه الله التي مثله أنه يؤميه يعيننا كا أي

ماد الزميا الطاعي الرام يسترام وعد ال

باین جده فار شهر به مز میز مدونید ۱ د کار صم در آر میزان مز بشدن میبو

عرف فيزند لالار مرحوز الرود. ما ترد تلود راه تراه حراد التروز الرحة الرود

هنشاش ترجوا بدوح ارتاضيات الا د و دار براد الواتي ع

خراد به مخطیم ما بید تر بادر میرین پر کرد درخان در در افزار برد برد کرد می مید خان باد دار باد شرو میا آرد مد در در

ای هو مثلت مر هن اطواع بردند کرد هو خید رصو خاکی باز جدم در در بادر هرو بدلا کرد هند می عقر اختر احدید تاخیری جوزن دیگر باشریه کر چند براند از باعد خاک از باکر در در خاصا به خود احدید می تر تران آی از تران کا همید ترک برای شده

### حد برور ۱ بهادات مود رها شد عال برا الدر باندر فستر فارا فر فعر

فا شاہ بات ہندیاں کے بڑیا کے دریا پہلو ط کے افرادہ کر دس البار شرق سطر ہے ہیں

عند عثربیدا الاصد رامون به و بندو نیز آمری مراشد و مرافعهر بنتی با رکند (مورد روی) بیمهٔ فرقا برد رستونا نیآ باید رشته بسور کرند به رف

## AND REAL PROPERTY.

هادار در طرفو در دم پنول پر بهه هاده منف سرفوه او رادور ادخور معمد منخذ مدسد در در در

رها عربية فيذ، ولك ما ي ولا مسوليد العاد الدماعة والراع عام ويد رم ولا أدن عاد المناع مراوع بها :

امات ما محرور برس ها برختار برختار درختار د

وه الرجا الراسي طرار التراسية، ريميم وله المرافق بعد في التيار المرافق أمراز النائم العدد الإعلام الرجال بمرافقة ولم الراجات عام أن الأرافق الكولام المرافقة والأرافي ورحان الكافة

بەلچەرلىق قىلار قىلىدى يىلىپى يەلەرلىق ئىلىپى يىلىپى يىلى

\*\*

....

soften and an expension

مراجعة عدد الله الله على يوسورية التراق المتاريخ اللهاري السيارة بينة المتاركة .

so subtraction in a second or This said the state of the said

Section 23 to

۱۱ مید سید ایسانسوز برد پیدافعینیت و هو دی در تندافورند د

الله الشخير و الواقرة عن الواطل الواقران بيدر فع الوا":

ها: هن احدي الاراكار فيز طال برايا ي عند بالفر 4 مز أن بأن بالأ من الريابي والمدياح الريابي بورايز: بمثل القرائر بالريابي إن فيز من مناسبة بالمرافق با

ایر دست دار کار نواید دکر پر بندر دن و بر ده ۱۰ در برد دارد دشت خوشری

چاد د در ده کا ایک در در برده و ایم خادر داد دادی سیایات

ا مياسية ليطانون مه معرفرون وراسه ليغرف مه معرفران معه مهورونان المعرفز ورغر والمداورة والراء المعرفز من والمداورة والراء المياسية المالية المداورة والدار المياسية المالية المالية المداورة والمدار

فمخططه ويدارى بيرضي

الراكليية فالإبدوريوس عد بالعد الرياحة عدد الرياحة عدا عر

الاغية نسية الزنة الشربيد بالويذات والشواهاب

ارزینهٔ فاشن هی در خوابیده هر رزید خرج ها مید به خوابید ها رزید به شد باید و فره بیدان از پر نقد یکی به شد باید و هی جدان باید می مدیر بر با به خوابید ماز اید خرب ایران مدیر بر به شده ایران شد فراید کرد ایران فرد فرد به شده ایران شد بر مدیر بیدان هی خوابید به شده ایران شد بر مدیر بیدان می خوابید به شده ایران می خوابید میزاند می شود.

استر حداد الله بقد بوريز د و البدت حداثاً بنيد بني مريز د الله بوروزي مثباً بقد ما و حد يو طور برد برد تر مر تب بد الله المائم في دي حي حي الراحة على قريبه النياجة معنا الراحة الا بالمحد إلى في عد بعد الراحة عد الا بالمحدة إلى في عد بدير والراحة عد الراحة المحدد المائم المحدد المائم المحدد المائم الما

بالعيق الوافية بديار بالريادي ويوري. بالإيراد ال

ه این این. ۱۲ مداری در در دوری ۱۲ مداری در در دوری وعظام فاحتر تباعد لرادها منو

شعد في وازم ترميد ر

البنا في ما فعيد رفا تشدّ الميزانية فيد تار رياد ب البناء الذي يار كنا في

ال من الاطار الدين الدي

یا او کا مشر او اوای در ۱۰۰۰ به ادار از باد اما رسید در در مین ادار از برسید در ادامه در بین دیرا در مرد اما اما در او به سر ایم بدر دادا مرد بین از این بر ساز بر بین اما از اسامه این بر ساز بین بر ساز از اسامه این بر ساز این بر ساز این ا

- 74

کر استور تارا حادثر است. ایازه بشتی اید. ث کت افتد الحال خاصر والمرافق والرواء الشيط الارز الحاد ميذ بدني تعييد الارد الرواء رفط الارد بر بدانا في المحقوم ما تكلم والراضوة الإسلام بدنيانا الحاد بعد كما كمورات الدرائية والدارة والارد

رف الأقراد تنتوج الإفاد الرياد ويشيك مينا. الديد أوراد الله المهادات بشراعي والواجر فراده بهارة

## my miles and

مد به رقل برقل آن آن کا گرار کر نمی خراد د برچند رفد بادر بزر باد کا داده ۱۱ مرجند دادی مجرم

من الفاحم عنظ برابر الرغوطات علا التاهاف دو القرائد و العبد

رقبة فاللم الرابر الرامية بورا ماير؟ المية بعراحا الكورية ها في الإسماع على التي بعرب ريو الرامة ها أن مقال عا

۱۱ میکنید ایجاده در بازیاری و هتر دی ر استان در د لارد فاد فی تعید به مشرد با الافق ها تریز در المیدی دو ادار الشوانی مدون به در آنی ا المید شخص میدان این را انتقال آنی بسر تصدید مشترد اطاق میدان ها ها برا اوال ادر در است فر حال با مادید برای می است از در است به افزود و در و این ارسان رفت با این است در در حالت ما و افزار می اداری در ا

ره سالا دیا در عدوره وید و وردز رق وی افزار در ما در دید بدارید است وی دره که دو دیار واقع روست راز دهم شود مای داد اردز این مارد دست به یک در عده هم قرار داردر ما!

واللغ موار اللهاشور في السبت بيدو 1946م المثل قائل ما والراقع المثارير 1946م المثل قائل ما والراقع الله الله اللهائد اللهائد

-0.0

# مختلا عقرين راو مداد دوميد

غدتوا والدائي ومزوط الداوي

Park and and and district when

FURNISHED STREET

المرافقة الما إلى المرافق الحرب من الله عاد الما الما الما المرافقة الحرب من الله عاد الما الما الما المرافقة المرافقة

کے 20 سات بڑی خیز نا خید نے خراج ہے۔ امیر دکت جی کی ڈیٹر جید ہے کے خد بات دکت ڈیٹر کے تاج ہوت ہے کی درائے آخر کے در منظم کرند کے دو مراد سے کا درائے



د کارو مقدو الرجو بر احد هر جدالشورد از بند در حد ماز اثار در در انب یک برق افزارگ داد: نشا خانشون شرورای انز یک اصلات بدا در داد کار در در در دادگا

يز نگ لاه غار ولي ولا ساي بر بيدال مر لا فرمز له يواد براه از امر مي بورمان د

الوق الدنو دراز تمل مرافع جود بود عد راسارة تدرك راشز في نظ استردد في الذير بها احدد به بدي مراد و الاحد الراق في اللو في الذي رفع كالأ مسي لنو

ات المبلد فلا في فاح في في ميد شك والمبد في الاي را في طوة ولا الاي العربي في الاي الأسر السك قد المي في في المبدئ الاي يدر الميادة والان في عاد المبدئ في المبدئ على الكل المبدئ المبدئ المدار في علاق المبدئ الكل والمدر المبدأ المدر والدي تلاح فيا على الاي ترا الأمر في المارة

مل آدار فیم از بقیا شدهٔ شمیری و بسیم آباز که خراه کا شها در برای باقیه ۱ برای برا آگر آز آباز در منز کر این کار دامل مراهب با با داد عرف این باز برای می می در در در در فیمی زید آز آدار فیما برای بستم مرسد من واو آن چاد ولما فی طفو کا فیل فیری پی از اجینا میل به فیم برا فیما و بینا او بی وی به اجیا مر افزار بر امیام بر فائز فیل مید امیر فیل افزار کی در او این سروان، خمان پیداز برای مر فیل بیما بر بی مر خام فیل و فراری

رة مع طبقات المقادين مواكو ولد: استجر مقوم الكال كالمار عنواي راؤا في حالته التراثر الرواز ما يام عاصر

راستر شير خان شيخ بنتر المديد شروع، بن يوي ادا شيد سيال تي دور الدين بن ادا است. ما اداد بنا شرع شدن شرح من اي دري و م ادام ما در شدر سيد دري.

### 121 1967 3169

نشاخ خام قبار برده و بار عنود بر ادر اید بستم ایشانده ایر شهاد بر قبید برده ۱۱۵ شار شیر الدن و برده و برد

سا البوار دو شهر و خیر شیارد برار در هم از داد کر در دی

عده خواجه هردين و دواوان تر المسئل له الها استقراط شع المدني قرب إلياني الي وسئلا و شعر طر إداده الراطونية إذا تر الها تر الياني

رایشا رو داد دوره در ایازی دار است. سسان با نقابای

> Estado Contrator Estado estado

ر فارس در المراس المراس بين المراس ا

الله الرائل بي خاص الى القرائل التراث برائز و المحلة و حاول . الالك القرائل مع فين الالله بقيات و ال الألك و الوائد الله و العالم الله . الألك و الوائد و الله .

شا به مدل الاستامة فادل ما ريوانيا لا مدل مدامار الرياض الرائل معرف القامانيا بإخراطا بالاستراطا

## Name a State of the

بالباء فالشرق فيستيداني بالرجاء

ARTONOMISM STATE materials said the law only its Bundadaga Salah Bala A SIGN OF MICH. BUILDING STAN

## المبتاطن والإداليطيا بلبان

سندسده ويبرد باستدين براقو UNITED STREET, SHOW SHOW HAVE NA طر الأن في ولا ده لفلي إذ برّ فلك ، وعند ساده خد دست بدادات با باداد

قويند تراسيد بقويان بلده ي 🛊 ياد

. ده در سرمین در دود برد در در

مادي ارد زيدر جرمر نيست باريد موداد ها الادريد و حرم نيست باريد ثب تا الراق البله در الراق فيمنا تهر تر ترخع به وضايد الان جهاجين به يكل بنها، وقر بالعرب عام وضايد في تيان الانتزاع الانتزاع الانتزاع الانتزاع الانتزاع الانتزاع الانتزاع المنتسبة المنتسبة المنتسبة المنتسبة المنتسبة المنتسبة بالنام المنتسبة بالمنتسبة بالمنتسبة بالمنتسبة بالمنتسبة بالمنتسبة بالمنتسبة بالمنتسبة بالمنت

بیا عدایت کے مزیع پر بہا دائد کا دوران جہارہ مطالبہ پر ادارات کا پاکیاں ہیں محامظہ پر ایادید مزید پر داراندید آخے کر از مطالب دید کی در دائل کیا، پر دائر عام مداد کرنے در در دید چو

ر به الاورس به بدن بأن فر الديم بيد خدم بحادة دود به الدائم دري بدري برا حدم الدارد عال الدي برائر المدال الدير بالانتراك الوارسيار إلى

فة فيلة من ما لمحر ألويك به إذا في مم مرم فأو هر ولا من في عد يشمير مرجد الا فعال ورما عمر، فقو فر ألو عها

برهم حاصين كالمحر فموليات

ئىۋىدەئاتىدەن مەنىڭ ئورىي ھائوشۇن

را دا در ش از در است بخید باید رخ) از شار شار از استان باید دا شرک دار

و مان در نام فر داد اد

ان چا سیده و سرد مرا را سرد و مرا افزو و دیر اثار دی جا طاعت وارد غیا در ناز در نم طار درخ داند در

ید رز دادش و مطری با طرح اطراف اطالت و بدر بادش ادرید، کمیدارد حیلا و شاید ردر دا میم در ادران به در دران و دید

143,411,613

البلاسية المرة الشاريات والإرداد والمعادر العام الان الرائد الحرارات ال ب. ۾ دم

باز کنو حل و کینا شایل و یک پیار دمی من) حرحاً: ایاد کنار اتفادیات انداز کی موجد و ما) پ حداقام خر کار دند، یادی

ەپ خاھم خراخىدىنى بەند بەندە خارقىق ئىندار پورد قارىي ساھە ئىلىد غاندار قارى

الله فرميد موني الدار في الفروسير. الله الا

دي∽ قب اداري

خار توسیری به شد بسیری برر فاصور پی ارین بدن ش

بر و دخودی و عم موجی پیدی عنوب ایک نمخ بزائم ما امادی در امر چنی از بخه در امر رای در دنیا برز عبوار دست

خدا در این اقام ۱۵ میرانیز بهرای صید به اشار برساختره دا طریق مراضیات

مریب it ma

Principal Contractival

930,000

ب مادان فار دی طالع میباشن افاد دا مرجادین کار بای دیکا ا ماد دا

...

مدوافر فاجديها فيدار تهانها

هند ربده طبر طبق متهدر ایده هم شدید. خد برمد هم تخیر از نام های هی آن اندادی. بد حاصر د مراد این شدید بازی بیده شده د بد مراد مراد این شدید بازی ما شده رستی وزید

ولأفار الأوار الإمار في الراب

الله خاند بر عدم نيد باديني براهيد بنا دادرا الله الله مراشداي براك في أر داد الاداد به بالرائزة دار غراسر يشتي شريع دادرات ال

2.

ان کا کا کر افزائل کو کو دولتا ۔ ان بادہ بات نیا کیار م سیر ما سیر سر انڈ انڈ دو و کا کر سے اندائل کیار کی انڈ انڈ دو و کا کر سے انداز کا دولتا کیار کیا ان انڈینڈ ما و فالت جو في الرحمية

ورد بلق ورد مه مصر شرا بر بردان ها مر

المدد مرضيد الشام فلم الناس 7985 R to 1888

the same of the same of the same

بالموارض وبراوشاء بندار

الشاع القرار الكوار مناطر الأجوار

ار بعد رقم در المهاجم في النوارية الداخر الديد بقراع عبر الزوار السبابة في ا بالداخر الديد برازية

اب خارج و در او و المراوس و در در و ر داد در اید اسراه و داره و همه روای

در ۱۵ فیک و نیو در این به دی تر فر د شد. رواد تک شو سر نادید رسد کرد د شد رواد تک تر به در به خراو فات را د د شد را برخه ۱ تحد بد در به خراو د تک فرد با رداخر کار به در شد که بدا د تک فرد با م دید به شهری فرد روازد تک فرد این مید سید از در ندوده

ما در استان به الرابع من بردود ما در استان به الما در فرج من المدار الموادر مرید مر ادا انتخابا رایدا اور این رای اداری ایران بنداز افتادی این آند داری ادراد اگرین درمد افتار بنداز افتار ایران افتار

ید زرد نیم باشد داشید بر در فرز این در برد امر افزاد رکزد از افزاد امراد رود رفز این منتقی برد این از این امراد رسان بد با امد فران از این امید بنید امر با امد شار این این امراد ا

د و درج دیاری خرندر داشد. میشقی در از دود در درجه

برشد ارض برقو نرماه و برش:

ه است. ترخم پستورس میرد اما اما سیار برداشه و خماس سرد طرقه و ضور کارس میا خور دید اما د اساد سید امواد از باز اطار و در سیمه پیمور بردند اور الاوفاقي المسيد المائي الم المستجدين والم المستجديد والميثر المراجعة المواقعة أو الأفاقة المؤلف المستجديد في المؤلف المحدد المراجعة المؤلفة المستجدين ا

بد بافید انتق کر اوا به برو برط او بعد طورات محمد براکند بر کر در بدا حشرت اورون د را در عنو اد بهر بنیا باسیمات

دارز شار الشهر الله و باد دانمید میدانمیون الله و باد دانمید

ئەرىتەرىيىت يەزىدىدەن. قارقىن بارىد

ه در امری اوره صن در در ده در تعییه اردیه افرا ور شهر د

فالمورية فالتالية فالتالية

في برطور الرافية". فقا وا في في بالرافي بين فيني في 100 بدائن، وفي بالما في منافع

اقر 1900 باز الاید رفی با آماد برا حظمی انجام شرح بازی بازی بر از بازی بند می اند ها شر

•

من الداخرة بالترى فسياد من المنافقة بينا في منا منواح مدول من الأسول الدينا في الوار والم اللب بين التي يناو القوار الدينا في الم الم معافرة القام مدول في فرقا النب الذا أمر ومراكب الإناا

جد خاطعي 9 يموا شدراد پدرا هد تيون ما اميد مل من انجا هيداد ايموان رئيس د هي در ها ينڌ يه فرستو الاعيد

د به حر در دصد چانگرهه ر د خارک کرد در او در در داد داد در

با طارختمارا داود جن او جن بین بین بین ر امار امار خیبار رضا تا بینا در خی خان پین امار داده به اعتراضا زمین اداره این مار اماره افتارات اور طار افتار بیان امار در اورد اماره افتارات اور طار افتار بیان امار در اورد

يد نمي عز مر درد شمور ديد سه سه مد. ده يشريد سه:



ACRES LA

وفية بالارتان وتبح وأعداسك

ر المحال الذي التي الدون . ينه الإساع ( ينغ الدون بد السال الذي الرابع الدون بدأ الدائل في إلا الأمرار الدائلة ( الدون الرابع الرابع)

براز آن به به تانید او شوار الشون به همیان هی مهم خ شرطم فلستند به تعدید اون اسمیت اید: نگ این الاسم به به ایدا بهای برداشان می اسمیت اید: برد اگا الایک از این اسمیک با ایک اینکار از انتخار باش اید الان بر این اسمیک

، کیوند های دیدانی در شوخ و افزار از کرنامانا داد های از ایر بادار کا این هایشا شو کاری داد، بادا از خار شرید

ربه ما جو استان مرجع به جو فرخ وصو بن دیان در فر روسوها بنات مو فاتر مقرد دیگرد بر بازی به طرد اطاع مشار مد هردی فرخ رفتی ارفتار داد و فاتر طار طارد

اليووززون بين باز و يندلن طرهم ر الرواق هنداد

## 38,640

۱۰ د بناد النظام بر بد عجد بر دور دور اثر الله القورة از از دو هادو بها منذ از در دو

ادا ادار شدار شدار بدار کار رس ادران بر از استال شدار شیاشتری بردار پین شاهی محادر استان شداد از ا

وقا الله في المرازع المنظام مداسبتها . يتوانك الكام الهار جوانيا الله

والمقاد المدرخ فرشي مزوا لملؤس

24/44

۵۱ به افران از افر ۱۵۰ بر پولیه و افتان اید پر و مع الله پرون های ۱۵۰ بر اید برای د ۲۰ هار و دار ادری از ۱۵ برای برای در برون

دی که استان کی در استان به المحمود و معادی از در استان از در استان به المحمود و معادی از در استان از در استان المحمود استان المحمود ا

1961

و خدا ۱۵ فخو شا وقد فر الساوال فر فه ارسا غراج

جد لاحالا دوره حا در اسم الاسم بهم به از درامه راد الله در به از اراد در روز راد او براد از ادامة از اسم عبار راد

راهنو شخر و دره وی راهنای در نثر زیره به در این از این از این در در و نقل در در این و این از این در وسو تنقل را بر در این و این از دادن در وسو تنقل در در

در ایا در ایا در او سازهایی در ایا در ایا در این در این ایا در در این در در این در ای

 بدون که از اینو دای افتار شیر بر نومه اور است. او در تهار به دار زماد در افتارت داد یا در شاوید دار این این جها بنامی دادان داور دادن

نها های ادام در خرودید بدنان با است. در این باده مصور راهاد کار و خان داد. از بخار در ادامه در حالیا، در طور حاد داد. از های داد. در در خرود و باد، درخرد باد بردام درخرد داد. درخرد درخان درخرد درخان کار داد درخرد از این درخرد درخرد درخود درخود درخود درخود درخود درخود داد.

الا فيدير فيريس جدر إلى روان

فرقائر فاغتم فالرعان ورعرهم

الترفوج فبالمدينة بالمعاومة ما ياميا المدينة برابار مرفقة برفيز مرفور

بدادر الدول (دولان) الوادر المراجع الدول الدول الدول في سيال الادر الدول ال

البيد والله الدكية مراب إلان الإطليم كية الأوطاب بدائر الداراني مكيد والإلجاد الاطراع مراجعة

و بر اشار منوان الزميز زدانات الأنتظار الهد الزائد الزان برده بالنا الرائمية بازيم الشار ليما بر استر عز

رها او انهام بازید شفره پیدا در استی در ۱۰ افرم دید ایراد ادار بریان در استان مهانگان استان در در در این بردن

کانی اللب طولا بر این دیمو کانسخ پر عی بازد که مهر خوادی بر اللب در در در ا

.

ARA MARIA SANCES

الزاوا وزرج بيج فيا رادكت هره

به الوائد و حصرت به دروان به الاستخدار الدروان الدرون

FARFAREISE A LURA NOT AN ACTOR OF STREET

رواند باشوار برار مسر فرین فرارز این شدند بین فرارها برای ۲ ما د شد

- propagation and action



# the profit had tome (

حال بقو در الله عليه المرواز بوط در الابيال في التقار الآرا در الوراد الدينة الابساع ، أحوار الله العار در الانت ما الدينة

يتاك على التواد الله تنوق عربها غوا

افرد هنز بر طب جاریاتی هر دی از دی اد دی باقت تصل اروم رادی باهیاد رمیا طب بسید بدر استی طب برد و دی ویدر بیدا

ين مير نارة ۾ جو رمينر دران ليا ده هاد ميا رميا درا داد دون

الارافيال طابق المرد الدون الديني الوث لا الاراق فان فلو تعواد ماذات الارات الدين الدون

- ----

AND RESERVED.

ادات مادهند بعطود در استان راستان ار اللو

ر در ودخه در کار ده بادرش کمرانید عوده تود در در او در بسر دادیگر در شر رفس رد در دی روز هم ردسی از ط به در در در خاش رده دادر اید کارند در در

بنا مراسر شهد مرد کی فراندر شور از در ر در ایم ایک راه فرا ر فرز مش ۱۰۰ کار از ایمه نظر از مخرا ۱۰۰ زدار با برد و و و در از استان درون با با داد برای شور کار داد شد با در از

447.00

The state of the s

which he stands the other من بدور فالمنظم في المناور بالدور المراجع

COLUMN CONTRACTOR DE LA COLUMN COLUMN CONTRACTOR DE LA COLUMN COLU

في الرعم فيد بالأربة ويال برق ال

ر المرافق الم

د خادر او او او او داده مدر و مغید د او د د او را مدرد مو باشد دار پرساندند

ه اوله دول پاید و به دو په دو. دفتر با در مارد دارد در در در داده در دفتر در داده در در در در در داده در در د

الراحة المورادية في الراحة (1947) بالداخور الراحة الراحة والراح إلى والراحة الأراجة الراحة المائمة عبد الما والمور الاعتراضية عاراتها إلى الراحة

. . .

## لایزده و خدر دی مدرم فیت بی فیدند: به بدار شدر ندر مدردی و

مونه او بخار او او داخته کلا و ایجاد درانه به عواد کو اهل خوادی از برایان بازی ها انتهای نکل خوادی به موادیوند بازی ها انتهای بالا خوادی به موادیوند

رهو در شير لا در در ده ده دادرا. داد ماله د مواد معادد د د د عا

یعلم طارع فیز علاہ خاکا بر نم طرہ عاد احد فات کا در عاد جادہ ا

راول شيد ها او مقيا ي البيام بدا واردي يم تهي اي قار و عباد ۱ في راستين المام اد از او الشار الداردي اي بدائيس راد باز دا مقيم قرار الداردي الداردي الراسانيات الراسانيات الداردي الميار الدارات الدارات الدارات الدارات الدارات الدارات

at about published or for the

دود و دون باز بغیر مادنیخ بازی فقر به بدر دو فقر در در در فتر دار در در در استان دو استان دار

رای داد در زیره کرنی شر نید اله ایر دری و در درستره کردی فتر در بعد ۱۳۹۷ با نفر بر فتر بر سایه کرند درست شرح به مضرب مسید، فتو رستر در ادامه

سیام بیدار بات ساز کید اد داده را در میراز خاصه ای بقار اسلام اداره در در داده شار اد داد

را دخه الحکورات فر اسران الکام الله وقومات لیک واقع به الکام در استان الکیاب

رفقات موجود التوضيعين فأخشع والاماح أدب القامي فامترق مؤراه مرافستان

State Only State On the State of State



...





ناه الاسبدار استراش هر تزهید مود باین سیا غام فرم و در روی د لار شور شاه سیاری پای

Parametral balance

343,3571

الله المبادل مدين فاراء الي زيغ ازيو في الإنتاب راه البات راه مثبات المعرب

ا الدر الدر الدر الدرائية الد

التنظيم فاخر شمايد الموضوع براديدي. المشتاء الأراض والمرادية براديد والدرد الراديات الارادي الدرادية بالدرادية المتاريخ المامة المام درواليال في الراديدية في المامية المرادية المامية المامي بال ومدان براد و مراحظ افتر در هيا شا بال افتر صفيي ۱۲ امراط افر الراحظ ۱ در در در تصريف در اساسان ۱۳ ما الدراد

24,274

باللاغ في فان بياد

رفاز و فتر ای را در و عد دخ و عرب از ایم و فقد در دستان راسانا و آرائز مید به اید کارد اوردن به در دو به رفاد در فو

۰ برخانان پر پر چو کلام پی بر فرود کرد فاده ای و در پر پر داد در

به الحالة الإدارية والحراق التراق والمراق المنافق المدارة المحالة والحراق المراق المر

ا درون هاریدی وکندهد د دستورد درود داده کاراد درود

14.6

ماید عدد مدین فراد اولی و این است. مادی در افراد خان ۱۰ کار در وایا به داد در دورو دو ه

خده ادوان او بها رافاد خافراه ایکنادالدوالدین و با پور از افزاد ادامه درام مراد بداری پارای خافران بادامه درام باز و دیمه برای

الو يه قائل الدكتر إلى القبيل في بالكل في ال الدرج فاق في تعلق بهذا الدرج فاق تديير ال - يه أنه خاراً من من ثابو هذا قال سبب ا أن إدا أنت الاجتراع في الفتر فالدرج التعلق والذراك في الذرة عرارة بي تركز في الش

والرائدة أن كرد من الرائم لا الرائم المرائم 4 المادات الرائم الا المرائم المر

هر افرایش های ۱۷ سخ هایی ۱۷ سخ هایگر به اینکامات کار بدور مین اثنی ایندر در روز برای با از دادم

# والعلام المندوعة لوالشر والتارهاني الموادعة

۱ - فروقب در ایستا، فار این بروی بر داری برود نکار اگر چان دار داره برای این درور بدار این دار دارد بر امیمور در استارین دروری

The state of the s

نته هید در بازی دادر راهی شاوار تغییر دیدر دوردن ۱۱ این از دردن ۱۱ شاوی در در در

الله المراجعة الرام واحترار المداور البيرانية الأراجية التي المستريقي ورام لواحد المداورة المراجعة والمستريقي ورام لواحد المراجعة القرار المراجعة المستريقي والمستريق المراجعة المراجعة القرار المراجعة المراجعة والمستريق والمراجعة المراجعة والمستريق والمراجعة والمستريقة والمستريقة والم

ا رقی تقدید رئید بدنیا نظر به سوارس و جه در خیانهای سد در اینکه نظر کارسی ها طبق قرار اگر و رحید که ایا تحقید هدر جوان اقلب جهای که اقلی نز را نظیب هدر جوان نظر احد اطار نظرسی بایار بیدا کیر رکتاز نگ نظر آخر این از این نظر بردر از نقشت شداد این نظر بر نواز را نقشت

# مدفان وخنيا والإيقادات

را بنام على طرار مشاري مع والان طراق في الد الانتخاب الانتخاب والانتخاب وال

الاحماق الإساليلة ( 100 ماز ندار تو عيسا 100 م ومطاعمة

ارواندگر میبادید. بدور بعد و بسیر وی شام همیه جاسی جار پریدر و میبادید با این اما شامی و تراوشی باشد دید با از و مراوش

ال ما تبوع التي الدريد كان بعد الدرائع الدريد الدريش الدريش كان ا

200

# Libbo by Dr. John St. Jan 2 (to b

شد فاقر دام خوازار در بدو ایوبرز بازی به افزار انقاب فرداز مید ساز بای و این پش بایاد طهر افزامیداد از انداز در تر ادبانز به داد داد این در در انتقال در ادار

۱۰۰۰ اور بامنز به عارض در خراج بعر بدر هار سباب کا از شارخ از این در باه دارای کلید (

جود کا محر در اصور می باد در اور در ا خرافتان خراج به اصل دری در اور ۱ در افغان داد افزاد این در اور در

ر فرد گان خاصیت موجد واقعان وار فرد به خاد در فراد او موزد بر سامق مرد درف که داد و درفار افزاد کرد سامق مرد درف

د فالرحان الاراغان الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات الرغانات

اللهاب التاليم والواقعة في ماريان بيشام الإيرانيات التاليم القريبة في المرادية المر

ا آخر آخره الآخر الروزور سيسم و بدون الا آخر آخره الا روزور سيسه المحرية الا تنواط الروزور والمدرة الدين اليوامي و المدالة الروزوران الا المدرة الدين المدرة الواحرة المدالة المدرة الم

.

در بادر دار در باز در در در دود که به در دود!" در در در دود در دود در در دار در در در در در در دود در دود در در در در در در در دارد در دارد در دارد در دارد در دارد د

د بن تنهار تنه آد بن تنهار طرحا عرف بن در تنهار درات درای به طرح در رازش از دراع داخل شراح در درای

الله بحواطر او البدائلية الأوال الراب الرابط بالقراء برنطرة الكام الليو بالدائلم الداء الله بالماد بالماد الماد

## وبيوز بدرام

ا از از از از از زیاده به سرم به پیواه این پیشان باز بازد از سازی طاح ۱۹۵۸ به در ر پیشان از از بازد از سازی ماهید ۱۹۵۸ به در ر در از در در از در از در در مهردند ۲۰ به هو پیشان در داری شهره ۱۹۵۸ بر شاری

populario de contrational gorgo de contrational de proprio de contrational de contrational de contrational matrixes de contrational de contrat ۰۰ وفات از ۱۵ و او ای شده نکا در شو رایکا در به نامه دردنه داهیم اماه والان داک و کې

والله مي والحيم مراي سور قابر هي الفدن. را معام في والمجافل الدياس أو اللها".

2507

الانتخاص والماني بناه كنان تنادان المان الانتخاص الماني بناء الماني الماني الماني

خارس داد متر خدید در مرس و از پلاپ انجید تیلجیزی داده در مورش برگل باز شرد فاترا روادر ماز تولیسی بدر خوس

200 (Sept. 1997) 10 (Sept. 199

شرعنا سرجلوط القديد فلميزون الا الرحاد الحراث يوالديد للديد. وا

Contract Contract Contract

ه که دوری در مرسید است در بازی در در در در دار همی در در شرخی در در طروی د در از در دارد و در دارد داد در سالت در سمیت

نی پوختواک رخه بیمای فاطع زادرد کر ما خرما برای راید بیمای فات ره پا بیماره در اصطلاب کارد در داد ایند در د

هر او در برخو دی امر در درط ها ژان این هو بیت ایا در اداشید در این برخور برخ داداردی و در در خاد داد در این برخور ها در خواه در در در در در در دادارد هاری در این در در دادارد فردی در است در در در دادارد این شرید ها در داداد داداد فیشن می شارگری

از بطب ها در حد راحد فدینی مرکاد از بر طبق باردو دینی مادیدم حد دامر را ها: داری باه سامران معرفیز اینم بگوها از این در متعد بر ص معرفیز رویا از ار حاد بنیا مراد شاک

مور تورید کار ده دیا مراه داد د داده دور پیدادراتی که به کار داد به در دیا میدادر که ۱۸ دور ک

الارائي ارسر المرافق المعادل الادن التور المستحددات الارائي المدادلة المستحددات دان بن مدهندها در نکور نیبای بیرد. کنو اینق در از دان در شده راشین از شک ۲۵ ز بارد در بس

المرتم وقير ونيد وهم الزوائق

بة فيم بر متر مراديا براي تبت بلادي ب علد البلاقة دراه والبرد من يتم يبيد بن به علا قالمي باشت بناغ بيا به براي وي

شاوالكراك بالماصريون

An a strict of a policy of the property of the

a ampression

۱۳۰۰ او التطاق الماليات الله عالم والار والار الرائمة

طافاة الانتراء وبالتهاود والا

ها به طابق مالین از بها بنادی متر بر بر غواهم عنادی نر باوردی رفاد داشد بر فرق رفاع جدادی میکند به ایک

بالدفين بمرحد بند درايو ... بالمورودين كورسترين للارك بدلادهاريات

بالله والقال مناطق في الخرج الإصداع المراطق الرجودة المحكونية مناطق والمدال المراطقة المدالة بالراحة والمدار من به جامل الطبيان الراحة في ما الله عاديات الاقتراط المدار

مد دوشید ها دوها مرجد و بدخو و جا نمومار عبدار چاه فاقان و و برای برخان حال حال دورانده ما دوران و فراناق داده با دوران برد دوران

الرسود الرسود وفيظ يجبي بالتربيد با راهواني ومستحدة الاستانات

بر بها و حال باش به و اختصاب موبور ط الله به 1 كا در خصاص و برباز از الشاهد الداكم الميد الله براطان براسيان الآن طالبار داری مر 3 بناه ر بطری برغر به دی هم همود ر فرو الدی، رفته الا سره این اید الدی و بای اط فرو همیت روین بروز داشته رواد بیشتر الدی الدی ارسیش رفته الدین اطراح الدین از اگر دی آگر دی آگر بیاه از از رای رای ای این و بحو آلی بیان رسید رده بر الدر این روید از اسید رسید در ساعت

بر بار چر در بردار در و مواهد به ر بهاسد و مداره اسر باز کام برای به خار هم سایل و برد. د در انظار در بها

دید نے عد ہے۔ ایندہ اور دار اور دار اور

ر برونی از را نیازی به راهنو پر طبق اور در ۱۸۱۰ روز و ایسا

ست ۽ ترمين ادائر ۾ در تيري طاري ها" فرار آخر سي قبل درديد طاري وارت بالاش روارات کار بده در اور طار

حد فی ادر دولد از دول از دول وزیر: ماه امار دید شده اید در است در بدو از مومز مده دادان در بدها بردا در زمید می داد هم خرد به این مشتر امار حد اشاه باهیای در است دو باز شده داد مشار شاکرد در از دول دیر دو باز شده داد مشار شاکرد در از دول دیر

بودا ۱۰ بر حدر قرد دا کا مسیدی بازی اخرای فراز بالا پیش ملک بر دی بر دی بازی فراز بالا پیش مرکز داد کا بیدا دی می مرد مدر بادر این اور در روزد می مرد ماد داد داد در داد داد داد داد داد داد

معن متبعد مشار باشار التراقيل التراقيل بين التراقي ما الراقي بينا فرينتر ماي شار الا ما به الراقيل بالترام في الراقيلات بعاد القائلات الترام الترام الراقيلات الترام الترا

ه حد العقد مربط من التراق المواقفة والديد التي العراجة المنظمة التراثق المواقع التي يه وقع المدادية المنظمة في أدرت التراث المواقعة في الاستان المنظمة الديدة المعلم المنظمة التراثة التي المنظمة التياثة المنظمة

ا اليكان خاص خاص في بيان هذا براهم وله حق بالراحات والموضوع في الأ یا غراج در استخبار پیدر بنام به استر به دین بر در و نک هنرا دیگر بیشته درواز شرق بیکوس کرید. چند در ده دول هسته ای او دسته برد شام دارند. یده های هری بازد هار

فالأعر فتتنخ ولزغم رضري

75) 100 - 10

الله ومن المنز والله اللواطنة بين المدن الواقع مينة ويد

ماه کار قبا خربا و رقب در کار با دید د کا راحه من واده کار مایک که صبا در در در خاب راده علی تاثیر است به اعتبار را العرم تبدا

شند الرهادر الامار بر اليديد بنها ها الارتدار الي دي الراب بنال الرابر الراز الدار يورارد الاراباطا فاجرار المارانية

-,475,90

دل دو داد سیا". . باز کار را ده دری دار داد است. بازی

الله الواقعة من الله يستريد بير عد والشواة معادمها دام تشارة المراجع

واعتماط المجائزي ملائز بمرايير والاحاط المدارية

### 200.000

شغرة ميران داد دادي الله بالأخر البران إلارا الإنا الله الباراني مازان مازيين بالأخل الون

۱۰۰۰ در چهر د اهید ادرز شیدی آن با به در شار به خراف و آورد در دو فر دسید در

ر هم بخاط قر و این در مو فر نسید م

لليا فاريان ۾ صدر جين لاهي ادر مينو ۾ جيندي جينمار ر

20010000

...



# ] دوستروده و راه دنده

به فر محود الوطايان الفيل فرعام فيز روايان (فالياد كابائر الاير) عدد مهرد

مغ الله مو المجاور في الماليات والمها مؤران والله عباد موارد الماليات والموارد الماليات والله وتعدد الماليات

للرائق المصوفي الخالفة البعة والمينخ الديان

الزود الراقي و في الداء الروني و هي. ۱۳۱۸ ميريون الافراد برورون و فيف

The section in the se

الانتخار في المارية المراوية والمراوية الانتخار في المراوية المراوية والمراوية

har

ران در دران". اللاخيان رازيز بران شروع الانتان واللا الافران الله المالات الانتان الانتان الانتان ال

برد خورهای در خدم افراد بازنایشا در پسر مدمور در خرما بازان او در از ادامه هرد مارود کار مداولات در کار

قيمات الشور و ميو راهي وها در سير الدريد . الا حرار الرام الوريد ويه مقاد يود كل راه وي دير دارة الوريد من 10 ملا في كان ويه ديد رائد الوريد من 10 ملا في كان ويه ديد رائد

هند رفام خاه رفاد من سير دارد فند الدين عال هم يقالي بيان فر في دار بر يفار بر توار عندلا بندي شاهر دارد خويلا بيان الي

10000000

Fire Country and Transporters

Fire Color Color

". بتر مرطن 3 زبانر برو". بلا پرخر ریاض ماجد هزار بیر؟

ناد فشو را بنی دید روای». داد دودای بنیا ۱ دار در نیز بر دوید زن به فو در دارد در در در سبی زیر ای داد ده داد داد اند

و محمد و در الند ۱۳۰۱ کر طرق الا در شد دری در محر در ۱۳۰۱ کر فرد (۱۳۰۱ کرد) در در طرک

ا الامار الرباق فيلناها موجود والودرائة الماريدات المادر المادرات المادرات

work for the street of the str

....

اليريان الكامار و الفراق الدور منهم ونشد و سنة بالمار المراز فراس الاراقية اليام بدن و بدن بالا فعار طواني الدور الإراقية اليام بالدور الدور الدور

هر این خون کند از هم وادیا و بدها کند : اند کنیا دی دست بر آنها " در پینا دیا" امرانی ادام میداد کند داد ادمانا و بادی: رئیس

بود. برمرمو الدومري ويبيوس بالدواب د دوي باشاني:

> بدوان طوایم حاربط سود امان الدوکور داده فاص نمخ ادید او کرمید (۱۳۸۳ براوس

التي المجاهد من المراجعة المجاهد المراجعة المرا

مون الله الله و المال المراق الله و المال المراق ا

بدر البدنسيان ها تو پيار بيي بر سري بي ديما ها، او ليد ادان سر عراسه بر در اور ای در ادر ادر در در اور درا

ناب الراب الاستان المال الماريات الباد الراب الاستان المرابد إن مرابط

به در دور ده دره ددور دود. در در در دور دود"

الا البادلة في موجود به المجاول في الفيد الماء المجاولة من المداولة المراجعة الا أنسط المداول (ما المجاول المراجعة المراجعة المداول في المراجعة المجاولة الم

رخصی المراز به ۱۹۳۰ به ایراز فارس ادر به المراز به اطلاع برخصی در از به عالیت ایران در فراند از برخمار با در از برد ادران در فراند از برخمار با در از برد

ور صوص و ورغیا و در در در در دمواه و افتار در اشار و مساور در ا

زنار بر نمز سر وی کینه بازی ریبر این از کند پر رفاع برای در آروهای در در شاه در در در

دومي هنومون هو باسب به بين مرانه و احده ادواه اطار من إذا دائيد از

2.000(2.000000000000

الوارد و الله المارد الله الارك المارد الما

ما احد در درخون دیدر تا طور پیدر ما حد در درخون دیدر تا طور پیدر می درخون کا با کا در تا در تا در تا در در درخون درخون درخون کا درخون درخون درخون کا درخون

وهوالاستجوال

نو خاد که درم تراکز ". پر خوبتا برم بادورت به بین وعود داد.

A section of the sect

The transfer and the first of t

الله عبد الاز مر مراه الله مر الله بي المراب المراهد في تها بالله ما الدر فر جاي ومرسم ها ذا هر أنه المراب الله الله الأولام الرابية فتح في الله الله المهام المناسس المواجع إن المرابع المرافقة من ترابع القرام النامي بالمواسعي اللها المرافقة إذا في المرابع القرام النامي بالمواسعي اللها

ا الجه والرفادي الانتخار الارشيم بهرار من لم الميسان بالقار بلام والديثير من هم الدوان والعاد الافراد الردو

ه کندر دورد است. ه ایدر در طرز طایع دارد در سرید ه ایداد در طرز طایع در سرید نامط مرا، فقر فر زد مو واز واز میا ر و فرد بر فاردز شار ردا شد مرد بشر ر را شر فید بدا نو رد تا او ها د برد رد در را شر فید بدا نو رد تا او ها د برد درد در قارد را ند و درد درد درد درد درد درد درد

التيم من الله عال الركاية به يعط اليو القبار من الركاية - بالا الا معلا 1 مثر بنا ميكان من 1 يكر بدي. 2 المن أها متران على مركاني أم يعت تسوما في

یان در اور شمود روسه شروا خان خار آن در بای زیر زمرت فصره در در اور در ماه مصد در منا الماه در در در ادامه داده داده

توریدا تنمی شیرا تاملاً در خبر تافردیدن فاجه و تنم باز با شا

۵۰ د په در دو روس دا خطر طرو در د مند اد غز د نوا

فالتالية شياة مار ملاح تردح

A CHARLES OF THE PARTY OF THE

# ماز چار پر شورا، واژ دید. داور خه مان در در

الاختلاقية به خديد بندي الاختراب. ومراضع براغيا عاد الدي الاسترابس بر بن وها // ها ادارو رام منتان سروايان

ار عقود رای بر هاد. امر مار دند است ر سر بر تبیتان

باد به در دید فرخها یم بازی را دی باد باد کادیم شمیار بشد هر بیار را باد کادیم شمیار بشد هر بیار را

کیکسوری سریور در شده در در مگر دی زودی به وارکارهه تعدید نیخ

در الميرة المرابطة الميروز التي الله التيان المرابطة ال

ی در استان در استان می در در این در در این در در این در در این در در این در در این در

نته در وپرهميل ميفت تا اندراوس وو. و مخ د اور فار ۱۹ داد زا اي بتافير زار ۱۲ در مطاويس مين در اسي برکر ر ۱۲

بند فلمبر را محرور بدر برامز اسب فام عدد خالج رافع استوال رفت بلا مطال آل فرار مدن خالج على المقال المرار وي رفر الواقعيز بالدخو بالأراقية على مرار برافي براد رافع لها سرواسية الرافع الاسترار من الرافع بنا برافعة".

بار بطر پختر و برغو ر بخامر ر خاند این دادر شد نشاه تفر، در این اتنین در نمبر ازدن دخ و تفرق بنتز ن طبیعی، عادان ر تدر نمیا،

وارومال دور الحراجة بالوجاب

ينة في ذات جوا ذرا ودر ماي فيه فار م شود في العد بالموطق منحل في ذات أدنا مر أدر بارة فاد فافي المبدّ في زان أناجها القام بر استوباس، بالرس

د ارده استان و خربه ۱۳۰۰ در درد و درد د او در استان ۱۲ سال ۱۸ سال استان استان د افزاد را ماز ۱۵ (۱۸ شاند در سال در

مد صحافر شوائل ۾ رياد تان شويد.

فالدوبة والمرافية بالإصارات

۱۵ بوطب ۱۵ مادوان اندر لو باه دو برسان حافوه در

ۇستىلىدىلى ئىدۇلىرىلىك ئىشتېرلىقامە ئاستېۋلىك مىدون يىلىم ھى

ليشرز تها وبارها ديقه ٢٥٥ در شع فش الأدار الله

ه در در میکا کرد بر باید پدید بدی الله مد میکا در فود ایش الله هم کا به باید این این به و میکا که این کلی در این باید این دار بدی در کور با که در این کا در این کا

د پن دا کورنا که دا کردا دو کنا: مدینترم طعم ا کاؤند باترواست

> ه غز نشر المتر ۱۳۹۰. ۵ اور شفید و اور ۱۳۰۰، ۱۵

Although T (Although the Lamps of Machille For the College of the Property States of Although the College of the College of the College Although the College of the Coll

- may

ن انتزازان بدخا:

No been to

34,54,55

ىرىرى بىرى بىدى بىدىرى شەرپى ئىل ئىلا".

هير بي. باي و فيان هي ها ها دو ونه دُ عبر عبي مِدَادَ من طرد ، دارانخ فه!!

بازي او الايون الدين الله الباد او الله الدين. مع با الدين في الدينية المالة والله من كان الدينية ومن أرام والدين والمنظر والايه الله المراكبة

د خور و هن ده ده ده ده ده ده هيور هن ۱۳۰۰ رئيزيم ر در ده ده

### 366

ما قرارته ترغير تنفي در قتيم قالية قالية ي الهند 60 قالي ترقيقي برناني در الارتفاع له در تأكير والدري و الرياس بالقدام المناب المداد المداد المالي في فا تاكير الله عن بالأسلام المالية الراد يقدونه إلى فا تعلي من والاي در الوراد الراد والمالية در مان يراد المالية من المنابعة من و المالية و المالية المنابعة في الانتفاء عالمة والمالية و

در به و به المرافق ال

#### ...

# Sangtings tipes of paragraphic states of the same of t

مو او قد الروشن دهيا فرايد شراطه دو قد بغيرها باقي رياد در قليم و ها الراح المراجد الراح و القايمة مدير يعني بالراحة فلو شراحة الراحة بار شرار الرجازة بال

بخره خان خراق پلاو بر نامیا تشدیدیی. را تنظیر اثر غیرم داده تلها بازی زنتر بر بهای خاناده د کننده

## Name 44

الله فلا برام لا ضروب نا، مرواه الم

هود فالغ وفيتداخل منز بر فير، يعدُ يعد

عليه الاعتراب مرزاء تريز يوغشرو من وهو وأقرض

بقران فریش به برخ هدر طاع تریخ قر کرد م این میدادی به سیل کام سیل کلا ویل دیدند وی درده چیز به برخ ویدند این پیدا میل محار بشدند باید درد کرد کرد و دیدار ویدن وید در داد به این باید در این کرد این در داد در داد این در داد این این باید در این می درد در داد این داد

PHO PARTY IN

نی زندار دو. مار باد مار مود بر رید. ارباد: تا باد مرد زرای فرمانی بر درد رشد

نافار ما مراز پر کار فیمیتر بر انتها رکتر در رکتاریس م کارها ا کار رما داخل م فیمیاری

ينكر المحاطرين الفسر ينهز التي به عراء الرافل المهراب الأرفياء الأف إنهاد الورف. بمعادد الرافع الماكان

نبعة في في الواقع:" وما متر شل من الأفسارة 4 ينطق عامل المربع إذا تركو والكياء التهار:

به بروپاستون د داد او د از منا د اید با ناد در ر نم.

الأمامية المؤيد الربيانة السائلة بالمؤالة مؤوات

2110 CONTRACTOR OF THE PARTY OF

ر من مورد المارد المار

برعشر منزطئ عزضي ولاها

التشاطية الإنطاق الدياسييل التهاجمية القريضيات

بدست و سب خور در رو م صدی بنا در هند بنا در اساس می در در از راید فرص فیر تمرا در داد و خرا در حود خوا ی در بر می فیر اما در داد می در شد از در بیشا و ساد بر اما در داد می در شد از در بیشا و نیز اشترا".

فلد بهر خام تبدأ بكار فيه أبدأ عرباني الكتور

ر برخوانه معاشق فرون مواهد در المراجع المراجع

د دم هم می در ۱۳۰۰ در ۱۳۰۰ ۱۳ در هم هم ۱۳۰۱ در ۱۳۰۰ ۱۳ در هم هم در شر طبق ۱۳۰۲ ۱۳۰۰ م

ود فلا میڈ اور طبقات وجہ عیہ دور عر باتا اختراہ وقد فلڈ افراد نے سا رہیں رفتار باتا فاتا انہار ہائی۔

يطوندو لي حقاق التردار تبيل سار اوري. د ما داد

همېزېدان د دېدو خوالان پر ويو دې. نغا نيو، ۱ ټر نيميه څاه نمې افر، يوداوي براي دا ۾ هيد آخر تي اديشند تر غيرب ۾ اد د په هاري او د کان جيه جا دان تي قرم اور تر د د د

را او او در شده است الاستراع الرابع الماري المرابع الماري المرابع الماري المرابع الماري المرابع الماري المرابع المراب

Marian Incade Action

- Alleria

بالتجويف فبمؤاشر يتهاري

اللا تفوا از مو فارس و الدر الان او الا الدائر الله و الدر إشراع المرا الدائر وما الم الدائر الدائر الله وسود اليالي الدر الطائر الدائر الدائر الدائر الا

مرجم رغم سری قانی طائد در قر بخر صورت فود در در میر در در بروستر

the state of the s

O po

مران بران جدارهی است بر جو بناد بر می فورمه و برا استان مران داد د مه امال مران در در استان مران در در مر احدام اللها الله نماه بالمدالة وقد الد نعم فراه الدعاة الدر الدور ما الا عمر ال الله حرفيز ها الإ تعمل الوطاع الله نعمه - دار كاد الله الرس الربر إليا الا كلياد

ندور ادونيد زندر بادر واطر اد جای بادون در توریز در در در

Parket a better care to

ر آدوم در شو به برداد ایا کارد د د با خیاج شارش اییت و شد بازی زیا

- 10 min 10 min

A COLUMN CONTRACTOR

ده درمان ادو باستان الاستان و را باز در درمان ماره با المقال مقال مراوع آوردا الزار بود به المقال الماكات و الوالدية الزار بود 2 الدائم و 100 درائع باز و الب

- p- y p- -

ران باشدا الدوليد والمحادث المحادث ال

باد بد فقاء ه در القدو بدهره. باز د داد رام طاور ادر جد ۱۲ الزار.

د شروعه در در منه شو و مراود در مد و مراود در مد المراود و شده در الدر مراود شده در در در در در در مراود اما دام در در در ادام در در در ا ہما ہے فائے فیٹ بیٹ بار کالے بالات بیٹ مدر پر ترفت الا بار خار بے فار فائل پر الاتال

راد بعد در مواهد او بند بعد هدر او بند حداد الله بعد المدارية ، فا مداره الله الله الله مدار العداد ، فاد از از افر دار بدار الله الله الله د بالعداد الدارة الله الله الله ، ما دار دار بازار الله الذار ال

اليا بدور مروسي و معرفون و مي بيديد الله الله الله و و الله في عبد عال الدواء الله عددي فولوا :

طالو باید هایاد تر او بنید بدر در ادا پای وید. باز طالع او تا باز ادا ادام اطالع بید او ایر خاد در خرج اداره بر نام دید با بازی عد هم به نه های راه ادار خرج رفت دید. مال ا

الاستواد ويم رسم ما جهان ريد معنى واقع سه والمرشى ويمه الاستهان الامريخي مورده مهمة درياة ساعدي عند راقب رافعة يمارز من مؤاخر والاراق والدي عمر در الامريز مند راسا كان مشهور العاد را الا

ا لرسماناتر الرشيد بالوام استوجار الا ارساد دادا حياء زياد بر جاء بين عم ادر ي مجم عيد در اور خاطعه خاد په چه باد خام الجده بي تر مند مسالد واگر خانه مخم د خدا در چه الارداد استان جيمي پر اسايد باد الايک باد ارز طوي بردادان

# كالاحدار ومطور يرسد والو

شدم رفيد آدائي ودمائي آبيد رکايدي آب داران رائي ها مداد افكار دران دارد در دران

# د والقور ترطيرة ليدا.

هند چخا در الفعل وژان این باید کم از براشدید این الاید واد که کمل بدنیا شدههای از برایید بازار بید افاق هار افاق در باش اشار دستند ریشا ریش بازار دی حی افروم در اما بایدی

مي النوم فرط أرضاء - المعالمات الأولاد المدينة والمدينة المدينة

----

AND DESCRIPTION OF THE PARTY OF

نوعيا شوير واددع

التشريع تبتيه بزعودون

ا خزه به مو مه الشار بها در نمره لغروا في الر فاعود الاستراقل في ماهان و عالي من يدو الكر مو طوا سام الهاد الراحد بإنه الماط كليم هن منارد فالا فقا الراح الدارد يدون الراحد الدر العام مراحد مادارة و الراحد بدار كاف الراحد من المراحد الم

ید کرد کی در ما کسی در کم کرد پردار کام خوا از افز راده در داخل از داد کناند رستها این کا عار استفراد رادار ما با در در کامی در استفراد رادار ما با دار در کامی

جه بور در رو تمر در بین د متد برد در در دادراه به د ندید در درد بنغ کار دو، نیز با افر فقر به در دید

راح الأمل اللتي يشتر من سم را سهم. يمثل نبلاً كاره أن أنه ليما رفة الأرب رفتا نكر كار م را أمور بر أثابة في فراو رفي حد إلون

## لخيزهم

الاخ الدينق فالله والأخر بالدينة الدينة فالاب المطلب. بالدائم ما بالكرامية فالأ

ارداز عمرامید". وعداده از داخوان در خدادمه دم ر م

ر نیب طار در دماند! با کاد مادی میوسم را می

نیز قدید در سیوان مهر شود به افته کیرو رکاد رفتهٔ در دانید بور دانس فود محمد داند داند داند.

ه از ادر جرید فادر رسم این در ساختمار در دین باز با سرزی با ماعدر این دارد

والدين بر ديان و فروطوا. و فرمها فروغ به حدم و فرع ده

ه خي براهاده ۱۳ کريميد طرح وافردي ده ده ۱۳ خي برخوده ۱۳ کريميد کي داخر ده در در در در در در در

۱۵ فار غیره باقی بر فقل فاک دی ۱۵ ۱۵ ساز کام آمد زیر ۱۵۰۰ بریا پیستان باکر شرید یاش در قبل اطار زیر ۱۵۰۰ ۱۵ فار غیره باقی در فقل دی ۱۵۰۰

ر میں معددی ہے۔ ۱۳ کار کمید دائی ہو انکار اندی ۱۳۰۰ ۱۳ یکار کا نام انداز کار انداز کار انداز دائی داد ره خر فن بقره الارجبانين ديد به مند ويا در فاود راز دن رف حيا تقايما ين يه دو ويب در بيته خراف منده عرف بك اليراكيز الديد، وابند ناما لدي طرد بدا؟ در داد فاد الدينة؟

## يطارك والمتارات والمراجه وتته

The section of parts of the par

وم يعتر هر يدو مدسلة مر لا بن أو دې يمر: مالات ما د ها فقيد

# and other state of

المعاولي سار سير مدون

بعد دور محروضها ۱۰ در در خاندگا باشد دانشا بازد دار درد

۱۰. بدر در دان در باشم به انتقد رشا در اینورد خر افزاند

۰ د الله النامل في بنتر الله المباشل الناس بالمباش التي حاد الله المراضي التاميه (درانات الله الماسة ال

سياد در لا در آمان بها اور شهرب رفط نفت اور در دور

های دادریگا و پیداییات باوا دودیم. را شهر دارند به آفریکا دادر در در در در پیراز دادی دادند ارسا

#### ..





ید معرفی فاق باشد و مرد استان داران دولاد در حالا الدیان به دور در چه داشد داران داشدی دار در حالا الدیان و شهر در اسم طاحتی دارا در الدیان خاص الدیان الدیان در از دو اداران در از ادر داشد الدیان الدیان داران در از دو اداران در از ادر داشد الدیان الدیان در از دو اداران در از در داشت در داران الدیان در از در شدن در ادران در شاهد داران شد و داران الدیان داران الدیان در داران داران در شاهد داران

ها، و عام نصد الدهنود رستا. ما در الدون

والقابطية والمراجعة والمر

حصه ري او حدم درسر دارهد اهي). بازار دود افغاز وقعال هيئز او استم الدوا دارستان. لهذه راده مو سوار استان

البنا



## أوجت بخدر لياو عل بالبائي با جياب

المائية البيالية الرائد المائية والر

ان هذا فوانشاه و التوافظ الفياد عايم ياديون المسينة

الله الله المتناد المتناز بوادا الرئاس المارا وي الله الراميات التنادي الله المتنازية الراميان الراميان الراميان الته التنادي المتنازية الارتباريات المارات الله

-----

والاختان الدوار المنادالهال بالمبتل بإدراره

مياسق للآن اب ومؤدر دورسور هو

and the second s

بنا آدارا بولد بر امتر حتیا از بنا آدارا بولد بر امتر حتیا از دان بولد استند امراد فرامر راشتین راشتین از

امر اللم البينان بدرانان مام وهم رامون ال امر اللم البينان بدرانان ملامزة أن برمر باول امر والشاعة الشاع اللب اللب المن الرواد سام امار الرائز أو اللب

۱۰۰ د صود اجا پیدهند دید همد، رود از افراد (دخانز در او مدن و بند د در دو واریق از نفر در

۲۰ والا و نشاله ما السوم ما العرب المانيا وعيد أو حاكمة (

۱۹ مانوز ۱۰ راهم او خرد بای رد نوید و نوید

CV-C-18801-175

الاخوران رافق ليز مرار مرادانر المرفقة عاد موا

100 (\$4.5)

income party presents NAMES AND ASSOCIATIONS

چه بدور در هو هوي باد دره هو مو دره کنو در در چه هو در در براه ها مار درچه د در درچه مرد

ودون به شاطره هوا المرب به الله روازه الاستعار الفراء منا البارات المرازد الرائم الإسارة المقرار الله المرازد الله الرائم الاستعار الله المرازد

دی بهدیدهٔ مهناسد رهایه فها طبر برد این بشیدهٔ شیخ (افرانی آن بنز حراصر الله

OF A STATE OF A STATE

March Carlotte

## الترود الثولها الأ

انو سانه هم نصر حدد ادام در سان سان دود کال بربید در آی مند تردید که سان د ادرد در خاد باش باش مذاه برده ها در شد شده نمی باز که مد سان برد، باز به دری ا

عد جو شرع نظاری پر پاوائزل رویم پیر خان بخد از کر کا کر است کلینی در این کا فرج فرکت بر کر کا بست کا بیشار این داخل

وأسوفه بزياو جردتم والمواث

Talenta market and the first of the first of

الدور القرار في طور مور نظر بير الد الا حداد موران مرافرون البار بير الدواع الدور الدواع الا در دور الدواع ا

English State of the Control of the

The same of the sa

دراه الدان د میباشدها. خطال فران ساز الدام به ایان بیز نمو

برای می به راقع میلی تا برای از دیدشید به ایران از تر بید دار در ستا ساید

د من طلا مراحي، بعدر رضا أدير هب في كنان ليه في فاقل زود رأو ها في في مراحي في المناسخة ؟ الاستران مرا مدير في در الي في فاقل والحراق المناسخة في في قد في في في المناسخة والمناسخة عن المناسخة في المناسخة عن المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة على المناسخة المناسخ

## \*\*\*\*\*\*\*\*

الراجدين بيرفها فالجند ليبر

م قه و لادفقت و ارتفاء و ارفقب م هره ر غب درید بشینان و فق الایاد در در

الرائية المساحدة بالمساولة المساولة ال

يدا والآنا فارادر في الآنا يقرار و خار م دور إذا دائل الارباد التقار

بادیان دادی از اظامیان استریان به طر مع سواسم با کام را دادیان ۱۳ یک از ادران ادادید اداد

اد فينين فيزو رفقة براه فيب الافيه يتونان برايرين إ تا والترافي فيز أرائي راجية في فر الزائر الافيا

المراجع مواصر اللها البادعون الا الرادعوم الله البر الرادع ملك الله الك

30.00.00.00.0

والأربية فالمجاري فيد بشد بهارة

stronger construction about THE RESIDENCE PROPERTY.

خاددا رسيرو كالمشركة بشروع

## عاز دم حوسل نز چند

بالزائر المطرة بعار الرسان والده عليا شياد والزائر السوار الباثة بيدا والزائل إلوانهم ومن طاعمة ومنع الرسان الما عدواتك الزائر أو يوم لما مواثر الالتا

400

رفط مورسال علية لوق وفا يقتد موسا لله الواقعي وفاء لله يقو على وقلواء ولو ميل ما التاج الماد وقتاع فدي عالا قال وقال الذر مهدات الواق المها عالى وقت الواق الدر الأنافية و الم

د خراطه و هو النامية على الأراق في ا الله الدارة المالة بالمارة الله المالة الراقعية إلى المالة المالة المالة المالة المالة المالة المالة المالة ال

- hard days

الزموشوه مان م الزموشوه دائر باز تبر مروم خدما المزهد بران در دران

المهدة من المزياد فيز الله يتزار اوار بهراً جانب طرحه من الدارية الما ترايد بارا من عارضه الزاها الاكتران الداروز باكترانيان

> امية من ماركية بية بادو يقوي وي فيامة ماركية بيرفارس منا مميّ فيما ويواري معد مرير

25122 822

ALCOHOLDS A attheway None at the

الله ه الاحتراق بنها بل الله ول. الهنوا الملهاء والإلا الله بوقد والله. بداء الأورة وقر في الإ

> aga aga an an an an an

الاتيان الاتيان (10 مدمور) داران

ره بند ۱۹۵ نوبر میدم بر راین از در در سرمزد ۱۹۵ ب درنز کشتر کی. کراه در فرد بر درد کارد درد می د

دره در طور او بول اینچ التونولون سی می خرات ۱۰ در جو بدر ارد اینک این طرق را داد اینک ۱۱ در طور ۱۱ در اینک سی در داد ۱۱ در دار ۱۱ سالت بدر اراض سی در

ها ها ۱۵ ادا فی کا نصاب عدد و برایدی در و حد حدا که ۱۵ داریدا با که بازی و در او انتخاب داری کسم از دربیر تبدار در در بازی در افراد از در تبدار شدخ

را و 60 قارا را در هم المراشخ و الما فالمراضخ المراضخ المراضخ

والمراوان المال الاي

(4) خام آثار آثار برس من هند استبدا اما شد با فاح من الرس استبدا بعدا بد بحد الحد الباري الشائد المشائد المستبدا با بيشا الرسم الحالة بيسا السائد الميثان إلى الشائد الميثان الرسم الحالة الميثان الميثان الميثان أن الميثان الرسم الميثان المتحدد الميثان الميثان

که فشر و در وال پر هند. خدمته نیز اصد فیش ره در هن بر فق منده داده در این با

## ..

م القيامة الأطار فأنها في التاريخية التي التي التي التي التياريخ معارفة إلى

لهدد فقو

# - F

کتابی الساق کا الباده خواد پر در در با برای امام افتیاد بیانی ماهند راهندان او بختر بتو برد چه او افزاده کا انتر امیده هرمی بردند رایان این بدا

ا من القوارية على قول المدين ما يريدوا مياي يول. المناطقة المدين المارية المارية المارية المارية المارية المارية

ولا علا أموند فيوري عن عاويلا تشهيد والي بها قبل التي تعالى سيني و العالم.

ودنم طويرين

نياطر الإراهم

mark a drawn of

ر این آخر امر دونوند و نای شده . او هاد ما م خود در دو مید داد دارید و ه

دی فرد آخران در آنو احترافزد ادران در هید مدر به فرد شه

ونز ایر سفره دند که خور بیرا دی بر خور وفت جر خور را از نگا گفت سندم واقی بعدی شه آیاد افزار می خدرید دی خاست ای بود شرخت مر خوره طرفزاید که رواز را از را از دید ایرب فدا در کند خراه ششور زیرد در می می

The second state of the se

فرېرو لغيون. دا دا در ندو فرم چا سميتارستان

مرد در فارا به پیم ایاسی در بیش بیاز بر در در فارا به پیم ایاسی در بیش بیش بردر در در

ناماراد بامره الای این دو النام شدر برید ی تا بالگ خانداد الدو در شکر دیدن براشتر سیف این د

خود بالای دادید در آمای شدی شهرا در است متاز خب در بر برخوا دی گرا از این در از راز دادی متازات بود شد. بر بازندی بود شهر سا امای در امای داشتن خب ادید شر نید ش در امای در امای داشتن بر در امای در امای در دادید با امای در مایشتا به در امای شدی در امای امای دادید در مایشتا به دادید در مایشتا شدی در ا

No by the states

ما يون الدواع على المورق أو الكان الدي

\_\_\_

عبد مثر الديد الشواريد العابية فيما و مبيعة بير العام والموارز فتم لك ديد العام واليكور وابتدا يديو الماعة ولما شر حقید بند. در خشاهام از خوار استان بدن برد برد برد به به به به در خوا و در خشاها بر خشاه رود اشا سرما اینا علاج میدار شد

به مخار مه فار دی و سی مید ها. شا دو پیره دی در فتره مای مرادی بید: در شواندا"

وقد جها فرد حشراط مای رسا فرق شا در در هما

ښخوبر ټخه و کاني دا: ديت بنره ر استر در ښول څه نهاينه و لا پې از داني چانتر چې ره در هم څا پښار

ه دور صورت ازده دو و ماه ر مور زمر و بار دور دور ازده و و هر مورد رد به وگروار هارسان. ۱۲۰۱ و وارد دورد

روز و بحرز قام قدر هام دوستها اورز و هراها ما دور مول فا اگر مای آب کمور خار دوره در ۱۲۰ پیدارد

سل القول معاونه این شنو از شند براه د ندی جدا از نامید با احد مشاو در دام این ماید از بارد برای واشار این

به محمود در از دو، دران کار انقراع آب ره داد در طر ناخ ۱۹۶۱ ناط ادبین جنگ برای صد در در نید

خى ئاۋردىر تارىخى دىن رىدارات بە سەنت خرانتار دىرانىراتارىن باردىدارىكى سارخولىكىر رىداراتارىكى سارخولىكىر

ا در اقبی ۱۹۵۱ مشتو در طالب رفتنی و در ا کرای داشت دار ادار دشت و در ای و شد به نامتی شاب دار اشد دارا در ۱۹۵۵ برسوزات معمد شده دارد

هور البارده م يقت الله بر في الراقو في أوران التم يتحر في الله الالتحر في عرف المرا د البيد الله إلى الرحال مات بها البينية . أو النبيب الرحاد ما ياد أواد القياد بنامام حل الرحاد الرجال إ منها الدارك البياء . وقال الدارك الرحاد المات المات المات المات المات المات

شر ۹ بندل مل ما ترسم فرما در همه براز ویژ باشتر مر درد درده رفته رفا فتر بدنج فرسو رشد فت کارتر نقل در فتر هم ر

الاقة الازمار أداية بالراسو عراب الادرائية

هر واحد را تجریع قد و روی پر بر غیر در این دید کرده ای بر دی پاید برد در داد دید دید این دید بردید در در داد دید دید دید در دید در در دید در دید در دید در با از دیگری شده در دادی فرد در در

به ایندهٔ و در هی ۱۹۹۸ باشد. تورد در ۱۸۰۰ بهای هی ۱۹۹۸ امب ۱۹۵۶ فیخ فی اقتر اداشتناز فی نصب اد. بحد باز عال ارتبازیان به برست بی فارس اساس بخش پس صهر رفوز نام و راند، ند به خشن مرش این فوز بدرد اداد فارات شور

ان ما طاع انتقل خلاص باخر و الوحد به بود بنجار ساز مرحا منصل على سر التي الدوسة في مرايد الله الارتام على الانتقاد بند قد الارتام في الخير في الارتام بالا الارتام بالا الارتام بنيد الارتام الارتام التي الارتام الا

رها فهر 15 بر نام فيد نظار ولا بالإ نبيار هاد. بنا خر رفز الاتر في لا البناء عن

د من طاح رکارت الله القدامية و طابعه راديور بشير الله يعتب مناه من التي مدخل فارد الله فالد الله حق الله في عام مدخل منحو جيانه منظم الله الله الله الله الله الله يهد يد الرائد به التي نشر دان أب عال الله عاد الاراثة ويشر دان الرائد الله الله

هند ملا محصية من الانجاء في يتح التي الد يتميز ١٠٠٥م و أنتي شامل من والري الانت تدم المحمد والتي المحامل الأرام الياسمان و مقال من المدين و ما و المدين المدال المعالم المعالم المعالم المعالم المعالم المعالم المعالم المعالم المعالم ا المدين المعالم المواقع المعالم المعالم و المعالم المع

ماه از خارشید اگر و شار این ۱۰۰۰ و خوا این برید و ها ماهند از ها و مر و مای مید مید رساسی ماهند از مار و مای این از مید این مید بر برای و رسال و شاه مای تا و مرد و تاریخ

رب التراجع في طاعيان بداده ما لي م الدرامة بدور مراجع العد المساولة في الدرامة فالمرارض والمدرمة في التراكم في المراجع في المراكم في المساعرة إلى الله الم في المراجع المراكمة في المساعرة إلى الله الم

فرور بطرات بالطور طاميار ركار بار سالا ماي به اودا مدر دار بسار جو مؤدر المد دا داده فاد

یل برا پرداشت را کا با باک میسانی عبودت ساختری عاشی کا در امار افزاد بید را در مداملهٔ استان از امار داشت در این

.

نها دورمریمون ش خاند درمریمون ش

خان فر آن نمو زارقا پر الب راب بر بند اور باد را باد الزار بند رابد الزار بند راتم است اله ۱۳۱۵ غزر از نرم در ازدن وزارد

هر دند و براوزا: وفر های رکیب دن خشاهر بنایا و ات

رم طور بر نهاید کا است کر بهام کست این ۵ کا فرانکها کر تریا چار بامم کا کشت آم کنید در کسید بارز ۵ کا کا کر بام کا کا کا بارد ۵ کا کم کا در کتاب کسیدا

A second second

سترودهان وبالأ La su harra de la resiliori

The Mary Carlot Carlot Carlot Carlot

to act to be duty then when

and decided the more الدراة الاختيال مراتب يسترارشيا

۱۱ مدنی کرب ایداره این خوز ۱۳۰۰ برر ۱۲۰۰ ر فوشیرس کا مشکلان

ا في قو الدائرة أن عيم، ولا غو ويود رئينة وقد الله بالداخر القور، عيم ولايت وي عد ولا الله الالتار القور، عيم ولايت وي عد

ورعار الرجهان

خود و المراجع ا من المراجع الم

المراجعة ال

باليد فيد المؤول العديد و مسامر في محود لله كاليد برقيط براي . لك بالمؤولة الإدار على براها المؤولة و صد الدر المؤولة الدار على براها المؤولة و صد

الا فيد حيد الرياضية وي ما يدو بدو يدوي معارض حيدي معارض ويور والروي بدوي معارض في معارض معارض ويور والي عادي والمراجع والقرب معارض ويالي ما شاكا حيد الكار المعارضة والمراجع الماكان حيد الكارس

Application of the state of the

مسير تتابير وردي. 2 فراد مندان بيرادي ها مار در مواد الزير 4 فاد 10 با نز ها فاد ماراتا بر اوباد لماراز

ه ۱۸ کار ب او باها که طید دادی و . اغ العادر عزیداد بازد ای هم در هم در در در در اینا بیا بیا در در

جاواني

ک بیر کشتا وی دارد خواد کارک در درد درد در درد کار درد د

من اجرائز في بخو بديندر بدير الدرائدي مثل الشرع الديائز الدرائع الرئيس درائع الدرائع مثل الشرك الدرائع الرئيس درائع الرئيس الشرع بدرائم الهالات المثان المثان الرئيس المثان الشرك من بدرائم الهالات المثان المثان الدرائع المثان المثان الدرائع المثان المثان المثان المثان المثان المثان

الا فينا شيخ كارت الرساطية إلى 100 (100 فير). (100 ركز كارت من رساطة به أورادي في الوطاع كاربر الإد الا مناصرة الرفاضية والرباة المراجع الإد

ه خدد مدی درجه امتدین برتر پشتید در تشویق در ایجه افز دید ۱۰۰ ۱۰ هنا دری افز به فزد را نیسه افضار شنخ فزد را می افزادی ۱۰۰

of significance and who had make to

## والماوي

الای در برای برای بر شهر میتران باز ای شور این ایم باز مادر پر حب بود. این مقرر این در در در مادر پر حب بود.

در مقول مودرات کی مکن در پراوسا خدامه باز اینام بر راض رواد باشد است در قدام دانم بازم در اینام در راش بازی بازی دارم به از اینام بازی بازی بازی بازی از اینام راهی راشی بازی بازی سال در اینام بازی بازی از اینام راهی راشی بازی بازی سال در اینام شداد

منا رف کار میڈمان ہیں اور کار در اور اور در فرزی حالی مدر بیل دادر میزی، میرورد دیکا میراد اور کار در فری دار بنتا پینڈ کاری م فال دائم خالج فرار دی و

هي دهن برخم چې ده بد هوي دو په او منده کسرونې در ليږ موقول هو او ماداد په شي دا باد په مودې در دا څو شي دا باد په مودې د در دا څو

بالمزاني فبدائية بالأناوال المردعة

مدامت عقو استاری میزی برای برای دند. معادر داخله استاری میشود با ا مایا بخر من اید از بعد، و دارها با به وقد م این تشایط به بندو داد با مر باشد بند مازمر دادان بازر طاطر در طوراند از با بندای اما

رات منا ما القرام المنا من مراهيم الآن الـ رنا طر الله من الله في مراهم إلا القرام الـ يدكل بقدر المنا المنازل ما يكون من الراقع المنازل الله المراكز في المنازل عنها الحي التي الله ينفؤ في عند الراحمة والميان عنها الحي التي

بدر نقد صراح طراعه در فا برائز تم بر قبد طاولات برفاعه کام بدر درابرد بر قبد بقارت او ارداد او قبد بالرب دانیا هر الاحداد ادام فارداد با استفاده با دانیا با توند با بعر در برداش را سعار استاد

بانجية كالشير بزاة بهدينين على تراد ترنا وارتقر و 10 شور and the dark have taken as well

AND LIKE STREET, AS NOT A SECURITY

درية مشهرر شيرتيامز ومب

...

التيماء وبالتوافيق والحديث ويدم خط البرق وينه. الدم الدخة وقال إن يك الد التديد التي التركيد

۱ بنتو عثر میش بعد در وبندار عثران . مب الرفر قر إنتا ایند بندار از اید هیدانش. د خرد ازی در چراهی:

الله الممت في طبي بط عمر يقو فتح الحرام بالمرز الرابط عبد عثر ساخيط

هيد خرط بين بدين جين و ليد نسب ه نظر فراه بر شرخير خدر الامير ، از مد ويم ما رائير د بر گر کرد را فسان ويسن

يطه هيئي بناديه وتومؤ بن بنوم و طال دي. ويده هندي ها دريا هر يطم هاي بير بودن دريان

ار تشکر نے سید کہ داخرہ ایک اللہ انتہام شدار پر ان داخر پینٹر السمی باتی برائد کے بار کی اس مال انظر از انتخاب کی انتقال میں اور اللہ انتہام اس انتہام اللہا انتہام انتقال میں بین انتہام انتہ

AND DESCRIPTION OF STREET

make a state of a second as a

كالمروعةولفد يختوان ويتويد

NA A REPORT

salanda wassasis

Education and the second

Caracasta laggerates

A SECTION AND SECTION ASSESSED.

20 mg - (m) 5 m) 1 m (day 1 day 10 m day

から 一個 はるからからみ

واستالك شوار والسائطولية

ری د انتیار بیان شدن کید با داده است. مداخت پیاد در در بید داده این بدود

ئودلىرى بالكى بىلىدى ب

بنا ، بهانت باش مر متر تماد به البناني به مرخ برخم بده مه با بنو طورد براند راسته، اعم د بينا مرادش الا متولادي، به و داد بند بها مرة طرخ (الردار الردار الردام مرحز

ه مشربودوش سراشو

لاير فيمرز تواسية بيدعية فيبيسن \$90 6\$25 \$ \$900 July A re-10

A STANDARD STREET, M.

گلگ در در باز و در دود در کنده پنده یا در کند کشره در فتر افراید و دو کنده که در در کرچ فرز دور بنگه را داشته به صب را در در

عار تر بيس من از تر عب هن مسافي عوية تر الإساء".

المسوطات درنیاز پیری نیرو در دوله الاس سر ه از داشت درنی درس المدر دوله درسان در داشتن درشا او در باشتر داشتن المثل المدر باشتر الدی رانشار الدید شدر از ۱۳۷۰ زیران اشتر الای الایه دارا از باز شدر باشتار از این اسان الای در

مه فرمها في هذا المثلوّ في اللهم والحديث، وإذا الذ

یافقار بیدانجاز شاه در خان فاتم یافقی بیدا به این به این در فاتم واصلات با تراباد اطاره شیقی به این به فاتار بیانان استان در افتار در افتار آنان پخت میدادی،

ا منا مع الرداد بير ۱۳۵ هنه از هادين ايم ۱۳۰ لو چريي مد ۱۳۰ پروژي بداري دادم ۱۳۱ هنو ۱۳۱ در ۱۳۰ پروژا داموريد در ۱۳۵ ردين د زيداد نياز در ماريد د در داد

ريزي در شايو الله دا الدون الدون الم المقارون المهاد الدي رادر اللها في يدو على المهاد الدي الدون

جي، ايار جا اڳر جو انبياد مين فصوم توڳو ٿر سا بب هن دهنوند

## to White he first him had

و خود من منو داخر کدری موجها در چه خود خد خوب فاد خو طرفتان بی و ولین دارد حال تحر در خارات نیدار بی فردن دلیا حال در با معر نیز نید من سرد فروس بازدی در رید عال در داد

الله المحافظ ا المحافظ الم

شدار شدها با خبرتها جاوه مرفز مادرد براو بردید عامری ریزه برد با خبرار زیر داد کرد باکا نام!

ومار بر الدو المار الديل ويه الله بريا الراحم به الاجراز الدي در بداب الراح عار دما 6 ميت ارداد فاره و الاجراز الدياد الاز در الراحم الاجراز الماردي ديد الدياد حادار شرير ما اللوارة إلى إلى الدومات الماردي

## ...

د ما دی اراه ی به ۱۰۰ عد همایش و را مد اگر دید ۱۰۰ دراهای معارض داده دادی و هماه ۱۰۰ د در هم ریاس خد دراند داران در

دا دار جدا دارد بازدی میپودید کتاب در در در در و باشی پدر جدار پاشد ب در از پاشد در پدیر در آزاد به از پاشدید پای دارد کتاب به در افزار بدار محتر بدر بازد دار گردید دار عراق فاسود ایران یا در سو شداندی

## لبدو

# ) mary east [

ميات پشياندار هم پاوليم دارې پر روپاريان. د څو ي مرم در اوم ده دالات پار پاولير د د امان د کار اهوپ در طر ي يار د بال

دُرُ دُدُ دُدُ دُرُدِي عَلَمْ وَاسْتَسِمَ رِوْسَ رَضِ بِالْعَلِيْ مِنْدِالِرِدُ

باد اراقع کنو انتین دیمیم وین بر دری ۵- شهرتر این می ادرا دینا"

الاطفق خُلاد بدرج تباشش فتين زميد . بة يتنيذ و فرام فريا !!

فاعداد هوندان

اده در از خور در هر هنوس ۲۰۰ مهیدور در در در در هر هنوس ۲۰۰ مهیدور روار ومرادوم اطريق مسريب شورة داروار دراد دراد دراد دراد

رمیاندیر استرخم بنسرتب خورد اندرازد راداد انجم برادر درنکا نصر خد بخرق برادرد دربر فیرد اعدادا بلا بردر بروی و پنایتا

شد بنو ده فرهٔ در جو دی نیز رشده باز د شرفته بختم من فرز همین دید در در در آن باز د شرخ مند میدار اسم فیز را دا سر فضره اثارد خراه بند رد اند د فشد

## ....

د ما مدار خرار دن جبان بر از دن ایانا دربا دربا انبا شند از میدیداد

ميدي ۱۳۰۰ بيو ر مدينو د امار در از امر مرام ۱۳۰۰ بيد در از در امار در امر در در در امار داد امر در

نیان به ۱۹۰۰ آنه از امولای البر زند این ۱۹۰۰ در است نظا در ماده الباد زادی کام ریاد در شد فی در است در اماره در در در در در داد در است در اماره در در در در در داد کام الباد در نى ھەلكىن يۈنەنىڭى ئەتورىدىن. مۇ ئىلىن ئىدىنى ھەلەرىدىن باھار

رستان کش افضاد الانتخاص ما بنا بنا به الانتخاص می افزاد می میانه در شمی میز فرع طرا اور در شنوی میدارات الدیار الدیارات می در بها اگراه طیب میدارات ادارات الدیار ماها دیل الدین میدار در شور شار اطراع از الدیارات با داخل میشود الدین شود.

بقران میان افاره دادن رسان فا درسم نظر بداران همید فرسید به دادار درس اینش در دادن از آدار در دادن درست برا بدادن من افزار دادار دادار دادن درست برا بدادن بدادن از درسان اینا و اگر درات را دادن دادن بدادن از درسان اینا و اگر درات را دادن بدادن درست اینا در درسان با درسان برا درسان برا

مر فالنبة برار سي ليوخرونم دجيور م

بية ترخد المسال به الأرض عرب اليم بلاز ها ترخيا را الله الدينية برائ الشمي براؤ الشمي يهذا بنز بقد الله القادر الشهر مزية بها الإلاز الإراق السنا

الله الله في المدور على بداء فريان الا التوظيظ السائد معا عمر السائد المال المال المنظم النموم مبار توجيد مال سائد في ماد كال بالمال المال عديد

وافاق الزين تفاد از فيند التي ولا هو فياد والراح از فام الراد في ناد المياد البيادا

ه در دونه این عصر دراو طور . دور دو های دونه این عصر دراو طور . دور دو

به بحد یا قردار خان بنگر هر در پایی اگر به فردود به افزاند بدن میجود بن بورژ بدن به افزاند به داخر براز به نبار برای در بور نفر از این نشر

۱۹۱۵ فامر به خویش دارای مد اور شد. ۱۸ شد می در ایند آن از فامر آن در ایند نی نمه اداره به کاری فی سند بای در درای ۱ با به اما ایر این در در در شک بدر در این رفته آن کند کار رفته در داده برشد و رفت رائد دو حراق بای رائد داده دو دوند داده داده خواج که فرود و دوند باید به خراج خواه مای فرد فرد دوند برا در فایست به عاور باید فرد

به دار اداران استام خدا در انو با بعدا در ده در فراد ۱۹۱۶ به خر المها در آن بند

باست در کار کار دایند طریق بعض هم بندن دا د استران در الرب بنا کار حیران سام فارم، زام امران در طام باز ها رفت داشته با باشد، ش

ارفیار کار پار دارها با اعداد شده داد. استدان زماند به نواد با جاد شره عبا

نسای مر فراز بر به حل عمر الناب او د. وا ر برزار برده هاد د افراز الربا الرب غزار بر برز بر داشا البار براد این طور با بیتراندن آوریا

کے برطانتہ ہوا۔ بن طرہ بنرائین اب فائی تھ مرتز ہے جاتا ا

آریان فرکن کر طبیعه الدین به این در در به بازی طرح در این به مرکزی این منطقه از است بازی طرح در این به در خواه را در در این در استان در

ده ه از بریو پیزو بر ایل ده رمية في الدائد م فيد الله الأطار الد half of white out desired by a

شادان ولارتباداء

فارعبد زنزديه وجزود

التي المراقع في المرا

The second section of the second section

A DESCRIPTION OF STREET

## ورايرها وبيامها

در در مدنو کرد داد از بدر بدن او است. در در در در در در سرا در در کدر بادر باز

عاد بيد ليرن مينا. حاد هوا ي سبب اليم ه در لكن بر ميد طار ميا برا درا در و عرب داد طاعر زود ميا رافزي و راط اوغ دار بر مده مزار درد کارغ بر امرات ۲ مر ( الا

は、 のでは、 のでは、

عبد میں الرق الد درجان الدوروروں ۱۰۰۰ الد خاران الرقال ۱۰۰۰ الرقال و خالته اللہ ۱۰۰۰ الرقال الدور الدوران الدوران الدوران الدوران الرقال الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الرقال ، و الدائد الدوران الدوران الدوران والا في المنز اللهار والمن والمن والمنا

فالمنام ولفائر لأدبوه تيز فرباد فارد



والتزونات

ودور نے فائل کیا میں نے وقع ہیں۔

And the property of the decision with

ی بر ادریافت هند باشد در طر پادر در خور باز داد در هار اسید میز هوشد در

حر الاطاع معراج چېد د براسي فاريم پر ادو د بار څام طراحيد الباطاعات د الباد ته

رت کا افزار دی درا دادر را درد دوم در درد به دادر ها درد دادر درد دادر بند در درد و درد دادر دست اداد را در

صدور موجود رفين برخو بر شراع استأمز شماح اخ روبراي بود. ودعو حل علا مدونان طرد لا غراج سويد راد مدها بار نافي ما رسوان

لة يا مستون ولد عبد الله بالأنظر ما ربائل في ولي و يتر إذ الله و يتر يا براه

. .

おりない かんだい かんかん LANGUAGE WEST HIS نستین از استی از می داده باشته پرخواری باجر و بخیر برور باشته وه بدون شک<sup>ین</sup> مسئلا فای سازهای زمینیز ایران احدی فرا می خیرانیا ضرفهای

ل حود الله والمرب المراد الله . الها بينة برايد الحراج الالم الكار الكاري عدالتي

عد شي جار جيسر اسطا بر کرو پيار اکثر آخر شان د کيا بر دم چيد آخر جايدا پيار بر جار اور اگر کار اکثر در ايدر بازديل بر خانهان آخر با خرد

چیدر بین او چید که هید دست با شاید در راید شبه این به بیان شدی استان و طر و از استان این به اینه کیدا در ۱۹۹۹ در از استان این به اینه شاید در ۱۹۹۹ در این به این این به استان این در در این در

الساد شبه فيلاميه لا يون بريل في يوان

شي. پدائز ۾ برياس، ڏديڊ بياسي برانا

المرحور بالانتوس المراج الفردين إو او بو بايو عرفم وهد بالاساس الإدارة والإي او

من مساور در المات من المنتقد من الوالي المات المات من المات المات المنتقد من الوالي المات ا

ALTO COMPANY OF THE PARTY OF TH

الميا الميا أمر الميا المي الميا الميا أمر الميا الميا الميا أمر الميا أمر الميا ال

بالأم جراب والكافل

And the same of the property of

روال و المرساط بينها بقل تبدير فالمرافق . فقل و مداد الداد الداد و ما تبدير الدائم الدائم . و الله و فا الواد مواد و الرفاق بالدان بالدائم . و الله و فا الواد الدائم . فا الدائم . فا الواد و الدائم . المرافق الدائم . فا الدائم . فا الدائم . والدائم . والمرافق القال و القلس والدائم . والدائم . والدائم . والدائم . والدائم .

ومؤلد مير ديستا واتع الواقع) من هندس من المان حال جنة في طوعي مراتب هي

دة چه خزار ناوس <sub>ا</sub>عتبار چم

ه مرحود در طرعه میشان می وید. به خام می دهای می در مید

Probability & a 1920 a San Land

والإسراقي والمشياس والوائنية عداده

الله والعيدة بها وقتل قد الشاع اليواد الله الشواد في السيد. و الله الله المعلم عن القام والقام التي المحاد الله الرا وقد الله القدامة التي الشاها

ور شده بر آلا پخا وقع بنائد لا مقز بر حداد حد الا گال ۱۸۰۵ مردد ؟

2010/67#32/e-17e

ه برود پیشن. ۱۳ مید میل می در ۱۳۵۰ بروید امریاست پات بیش باششین در افتر اکبار اسال این ۱۳ مید داداد در میشود این میشود با

ن در نور خور خور باشتهای در این در در این در در این در در این در

9

بالنفل الدينج يعاولها من الادي

با گرفها راهندي

ار غر اداما ( عَالَ عَالَ اللهِ ( اللهِ عَلَيْ ) عَالَى اللهِ اللهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَالَى اللهِ عَلَيْهِ ع الله عَلَيْهِ اللهِ عَلَيْهِ اللهِ عَلَيْهِ إِنْ اللهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ ع

وا القدامة بالمؤرد في بالدولية الروازية ال والمرح الدولة في فلاني التقيير الكلا المروازية البراغة الأرافات والراغة الرائد والأرافات المروازية الملاحة الأرافات إلى الدولة المراثة المروازية

يتذمخ وفجر مسجور ويري

عة الازبال الذي بناية، وا ونواز الدر. با أيا رامل الكيام و الاز المال المال ال

. رفتین در اق ب نیتا طر رفتی در وادی. به خرار او است در ایاد انتقاع بستان به بود

ن خ بر او استاً براواد ان با عند با استاد باید. د های دستا

ک وفران شمی روحوصی پرده و کرد وی کرد و او می پرده در در دو کرد

ا المنا بالأخرار الرياضات به والمعرفين بالرابي الأنافية عد الما الما الما الما الما

والأوالة المترابع المؤال مراوية والمهاؤس

عبد طبز شد جوی مردستیر ر

ATT THE REAL PROPERTY.

down a sure of wine such the G

فدالا فاحلا ليدانني مقادية بنياس

ب در درده و شد کرد وارد وشد، در

A LOUGH IN BOOK BOOK IN فراخا فريرواها فالموطال بريزاف AND RESIDENCE AND MATERIAL

الاما الام والنب البائي الانبية والع والد

## car a destruction de las ar

وحداد لاره الأراخ لار رائب ا الهواري Mark that is the state of the constitution of the

ار میں مدی فیزی وابیت از استار وادوار دیا ہا یکی آا افزود از اس ارجی فا او امام انتوازیات والما اللہ علمان موال الا اسالیات اسالیات

ر فور مر بنتر وادره و فاه نوف بد بارا صوبه. در مدر در ادار درستان در در در ادار شده

ja tilve til ju

شيان غيرد رؤ ه کيو باز ناراک رد ان شد. پر ه دني مر رد اوک

رية برخ وطنا خوط مام 1 كمار خراج مع درجوع عداله درجو مدن مواقت داخا شرعه في مود قرز مرية مريه بينانية عرضه مونكر مود قرز مرية في ما يوزينان الأفراد كالا جام مرتابية رومنا فيرا"

د البقد في هن ۱۹۰۳ ۱ رغيز رداخ رفاريق دواخر راذ كر وياب فهن الدريقون رفار ويادتون ادر وارف تار راد الدر رفار يقون رفار روادتون ادر وارف تار دادار

ه ما دو قاید ایدومایی ۱۰۰۰ بدویی ۱۰۰۰ ۱۰ بهدار کیدر شاید بر شارک ای استان ۱۲ داده ایدار شاید و شارک ایدار داد

فالمتاري والمحترمونون و ترمر الله كالمايلة فساعرات

the all or \$ 40 off a feel off a -

فالدامات فالراب المرادي وروري

نو القروان فقود الكوائر في الرائز المناطأة. - عدارة المادي الاز الكوارسان الكوارسان المناط

بها هر بعد از سم فيبلز بر طل به يكل رقبل وبرخ بالاندام كار فيدو مر فيد ميد ربية از ما مادس هار قبل بها الاندو بر الروانشيان وارات خاد والراز كار في الا بر الروانشيان وارات خاد والراز في الا

علی کرد کرد کر اور کار کرد کار کار کار واچی دیدی جدا که اوران از پر این کرد کرد کرد که کاره کرد کردن دید در دو دولانی دید کی بود، دادان اختال می دید در دوران

ی پونه افغانی نخل می اینه بر مای بخر نشخ بر بیش بو برگ تیت هنا با نسخ های بر ماه افد با کن انتخان این می بردی فرها ک پشا پنیز بین بر عائد به قد فو برا کژا

اه ارسان بر شد آر اند ر سوسر طور او فر دار سنا در انجه دا دید مقامتی ۱۳ ارسو این در بازداد ۱۳ در در این طر از در در داده این این در دارد در از در دو دارد ۱۳ در دید ر ازداد ۱۳ در داده این داده

۱۳۰۱ یک طبق نیز برداندن کارا الاردار نیز مخطعه در ۱۳۰۰ یموسی بدانه هم و تریز برای کار بردار در کاراند کا ۲۰ مورد نیز باشد باید بنوان شای شاهٔ قرارا !! خار ترمهٔ صریفتر نظر شای ایا داد بر هند

العربية في متراحة ليوبيطها ليرباني فالتناط بأخر بند المديا منح لني بناز برخاني من خار بيان إنتام فيدوي

نان التوليد الميشان أن البلاد المان المراجعة الميشان. من ما خراق في ما قيد في القراعية والميشان و ماذ بر يقو الله إن شراد الها في هاو في يقر خال المراجعة الموافقة

بقحم طاع الزبانيان والرطوب السياد بناف البنام القام الراع الدين الايما الثر بالم الأسل التربطيان ما والد

الوروم فار برقم و اس والاستان القر المحاصل في فار فاقا الورث بالاحتجاز الورد فاج أدمر دائر فاخ ارقاع جانات بيدن فار در راد فاخ بالاحتراب فاحد فار فاح

خال بر هيرا متجر مخاص بازي رهاي هيز. پو مقرد رحكرا يارد رهايد به پرشر شارغ هي

الوصار الحاديد

هر موني لايد رفار شوند بر ما شاهار هنران \*\*\*\*



دان الداخل في حاصر ميد قط على المرافق المنافق المنافق

هیدی رسولمرم درد در شدن هاه دینا بد بری در در در داد در در

باطر الرخود الراهنو فان خواجه طبية بمباد عراضا سال الإخراجية المبارية في قد الماد طريدون الراهاء وبقاد إلى ال



وبرازين وازين المراسن شوان بهيان جهاز برائر الوارتيليدين ولدن هنت of the sale in the sale of the district

مداد صروها بخراجاتي باجري

والراهم مصد ساوي ال الله فيها بر عباري و الأمال وغير از أما إن تربع الشوا".

والدراع مدن 2 الحباء معاع شعل مل كراو الدول. أن أحد الحا

April 1999 W. Barrier and American

دو ما و خلیج عبر تر ماست . با کا کینا ز مر و افز کاروار ۱۵۰۰ کا باز نید اسک دو راد . . . و در برش اگار و کار کرخ ۱۸۰۰ گار و درما کاند ، برماز از ۱۸۰۱

اله (الكرو طهوف الله الطرائعة والدورة بديا ما المبالكة - القرارة المرائعة Christian de la constitución de

حالا حالا الواقع بيان و در الفراد بيان به البياحة به اي الواد بار بالرافع بالمواد بيان اي الا ا بواد مثار الها الله بنز از الراكة بالاي ما الك. ما إذا تكار الراف مياه .

مکت چید و تا را می دور ۱۹۰۰ که ادامی یاد بین دارد از دو در انچ سرد ۱۹۰۰ سایسی اساسه داده

کاب ویز دو فق. افغان شریعان در شهر احق به

طرح الاستواق في طلبي الدان وطرب الدوائق التب ( ۱۳۱۶ ) من فيان الدول ( ۱۳۱۶ ) كند فيضو من مارات من رائيل التب رائيل مال ( ۱۳۱۶ ) كند فيضو من ميس ال آخذ الشاهي ( ۱۳ كند ينز م) مناه الدان من طار في رائيل مال و فقد من ماراتشون الدوريان الله المالة

ها جودهای میداده برای برای روز چها برای ماری، ریخ فعیل مدر برای از اداری را اسامه در برای

who was district to \$1 and

غزه در خاد ر آی بیت در بندوسر را کم فاسری در از ده فاسری کار فارین به او

فالجمارات بسادين ووي

A COLUMN TO THE REAL PROPERTY.

و نورو در بناو و الشارة دو الله الا رب

## الترانيات مؤراته بشروانها

100 mm of the man and a 100 mm of the 100 mm

جوش کار بند فعید سال باشق بر فیش در مار

ما تعلق المطالي مثال بن من الفاطلي البناة في الر 27 رسوط بناء الما حدد الحق الم الرساق الثان أن الدائل في الداملين حكم المن

د د مرز در راب طربانی راب

wy y july in wig y jame u

در میں اور میں اور افقاع نے متر انصب میں ۱۰ ـ ۱۰۰ و ۱۱ فقد کے لے سائے را بردائل کے دمیان نے انداز دائر میں اور میں لے مار آئے کے دان الامل ا اس میں آئے اندیل ایس کا ایک کا مائیز سال بات

د. مروجو ومعاومته عديمتوم

ى، يېزانېزوران شايرستو باورد. زون اورنز دنځ از سرار شخ ۱۹۲۰ د

در وروزه منظ (دعه وزاران عالم. در وروزه منظ (دعه وزاران عالم.

و مار از او ها را دار ده در ارسانه مرد و مار از او ها را دار ادار ده

ون اور بر او جو بن خواج متر تعدید دورد. به اند باشد بر ساید امر از مترد او آن مترا

ل الشيطة في سنود الرائز عليه الرائز منها الا تترادي في مرازز مني حرجه و استراق طائد

ستر پاید دشن افرانده پدر طبا الا او مید رود ۱۹۰۶ د طر مار از از داده که باشد و سع می از استان استان د از از داد که در ادام جاشد مید می طر می ساز شاختها المامی از از از مار از از از مید از می در از داده از و رود از داد در از داد رود از این در ایشان

رندند او مدادمه در مبرای همچه ۱۹۵۰ اینب ۱۹۵۳ رهند افتاد ۱۹۰۸ بیش از از بیا رزیم سال مداخر ایک بیش فراو و داد

روز فحط می رمز بای در شای با دراد ادا مغ از ریا در را در طالری شایر بای رامید موا در در رادان مو مغرای به در در درد ریم از در داد در در در سامت انجار

بديدهون مسيريونلسان

د داد کا پی سیاف در د حرحہ پر فکار بے شہر فکا

ادی مالو در بعید کیا در دو مطوعی شخصه در برده کا یک را در سخ میارمد شود با در باد می ورد

وعده الاطارو وعب سوم و 🖚 باز ک قادم الایوار و عدیا بو و د ها ریاب فزار ک بیران طائر مر

1 St and Comp. (1) St and Comp. (2) St a

نون و بدر دارات باز کرد. زان مرده میشانور رمیزمی

عزاد کیا رغر به صبح بالیانه واتن و بر حاوید که کا بالی فید که در مناطق فاوم و به او فید هورسا بنا

الد مغزت سيد هو ب امر لي عبر از لي عتدا أ- غاق أم لي مر بل عتدا باعث مراق امر لي ا وعد وي مر لي عاريث

رور در و مراید ود غراید

ف ديده بنڌ، برمور هي. .

ر در اندوز ایر برا روی به میر ر امر

د ما المراق با با المراق با ما المراق

بالرجانات الإسراجية

د چینه ده مصریحمود بری ریش و برد ریفاد آمر داند در اثریت شاید به مدد د آمر بفور: ماموش ادار خر و در میاند در در این وار .

دود اید و عد شکو با بنیغ از دونید در حاد هری طاع این بر عبل بعد با شدید در حاد هری طاع این بر عبل بعد با در است.

المحدد المدامة بالطباعة عن الاعداد المداد الرائع من الرائع المائلة عن

راه د او در این انتخاب امار نیزن در زمو یای داده داد

اقان اطرائدهای باسطه این و ویدانهای در افزاید که این در مصره اللب بیان در در در با در خوری از در در این را دادی این در در در در در الله الله این می این این در در ا در داده الله خوری طرائع فرزید و در در نام است را آن در استه بنخ تورید و در داد

راها المساوي عل سنه مع مواطر الله كانت كان علام مراسط بنا من ارد با طوار مواه (الطاع الديا مراسم الفنود لم الاراسة القوم الم ما در عليا والفنود بالا اللوم الم ما در الله (الدراسة و الفنود بالا

باز خارجه الله المواهدي و ها لها باز خط قد ما الله يطر عربي با عربي

44

فعا توارستان الاشامار مسا.

وبريس ويتجيب بالمارين

بادر دون بادر دون

#454 A 40 years

این فی کی متنا پینیا رفاقات باور یا پین ادر بیم چین آن 9 آو آداد نقال حسر به فهره فسایل. میل رابع فیزی

ادره از ای سا ۱۳۰۵ و دو میش و خرد ر ازه رز ای شا و طاعمی زید ۱۱ مرخو ادر افت، رز فار شاخ و خشروره ای عرب زید ۱۳۰ مرخور شد و نیز، میافعی اطالع مرخی و زی مرخور مدید دار ادرایش اطالع مرخی و زی

carrection of Julie 6

الله والله قالين ما الله بو معرف بربط ليب الأمر فيد ماك والله الا الله والذكار والله ميناً اللها، إلا مينا أي الإنهام الله بالرامز والدار الا بالرائز في اللهاء

د دا تا چې و بود ندې. ۱۸ ازده داغه آنو خله يو زدل سيار نيز 98 AC

کار خور از راد این بر ای خد. امرید کیم در خدانی همواد ام

موسهم و خدان الطرح المارية الم التي يراكين المارية المارية إلى كليد الإسلام و ماركس و يعد الله التاريخ المارية المارية

نت بيند بيده فر فتر قدم بهر مانه بشرين فقم في فعيل في الدن الله الله الله .

دے بنتے تات کہ منا سے انکار کی اندیان کا ان شاہد انظامات

in,

التا وليامية فيالة التبية الا

رين في ليز ولهن از في الدين استناجر الدين في يعرب بقل، يطود عن سائلها الدين اسراد والله والتاب دار فر لريم

ليم شمون نيو واردي. الرجار از شار جامي ايد داشا کا انداز دارد دارد کار دادارد ارد.

بلغاؤ فترافيسي قد احك فيطاؤ مع لوجيد ، عكامتكاؤ لي بنيد وراي ولي قلة ،

والا فيحد مشارخ لي بالد في جديق هذا مداؤ الان.

عناد بنه بن م امن و أو ورا غياد

## في برحد ها کا بارده چيزان فر شد پخ زاند ها ده پرد ريزيزد ده څخک کا ماه مد

ليه در لي لكيا إنها 10 دانا حكتم الحمل بر بدانا مكنا أو القر عالم برافاتها 10 خانا الر مر مشار والناق، فرجانا و

وي پيديده به در اين متر جارية بره درمنز پر ميچ مجله از ره

الاز عار مناسق رجاز مراشق من مياد عاد عاد بها أن الديمة الألغاء

مدوني. هي مريزور عني بل بلايد دي. مداد د دا دا ديا دياد دي. دي.

الروانية المراجع المر

لوید فریش و همیه این ۱۹۳۳ بختر الدر ۱۹۰۱ تا که خدر بهای الاین دار فراند ۱۳ وی بازی میده دنیا ۱۹۳ باز متی الای دنی ۱۹ وی از شد این داشته ۱۹۱۳ مر شود آن میس هر و پرهر بولها در است ده و موقا و خطب . این افضل می خارد پنده در موقا و خطب . دار دارسای مید کنده ادارسای می دارسای .

در دو دو دون به مدون در دو دون در بازی دون به مدون

ی خو خو دی داد بالا بیشا . بی جدی در خیره خار دری دا بر اخیا بر حب بیترس ر د بر فق هرچه در در دری داد در در در در در در در در

الله في ما يجازي في المعادلية من السيد بني فلا غر في مر طرق ما يشري بنيده في الاكار برو بناء مر شيد بمن بالمنافضة في البيش الأن تقويد والمنافضة بنيا بالمنافضة بناء جارة الحياد بالراح ما من من شاعد

ده الحقود برای ما هید. این مرابط الاین از از برای ما در ما شود انش مرابط الاین از از برای براز از از امار اسالا از بند، برای می برای از از از باز الاین از اسالا از این از این از این از این این از این از این از این از این این از این این از این الاین از این الاین از این الاین این الاین ا

ر بنده مد. این افز و خدیده بر مطایر مد خاند اد با بند باد مر داخه جاه مدا بر می فای زیر عد بادر دارشدار از نمه دد مر را دار میل ک پرو بر کرم پیور خونی شداد ۱۹۹۰ بادا و هون بیرو اهو هی طبق ۱۹۹۲ وی چرک اول به بلور شد، اساس کار برو شاد ا

در بازد بهز در بغیر بند. به ۱۱ می اند که از به فقی خوند اندین اندین از بر رو مین در به بندن که در نیخ شد. از در رو مین د

را بدور دو از کار خان از دو روز دور دو بدور دو از کار خان ادار دوبار دوبار بدور دو دور دو دو دو دوا در ادار دو ار

يون يودونها برخانيه بالله يا موابر دل دار بالطير عاله أن برجاد بالدر بالدراء بديان ياز باركانية فهؤها.

روساوچ سروان رستانتن ۲۰۰۰ زار هرافتری افارستارین ۱۹ هراد

دیور و میترمنورهندی ما بری پیرهای بشتم هند وزیر شرو

حاسا

لرد فلاً في طلب والسنة 1910 ما المارية على والدينة 1910 من المارية في المارية في المارية في المارية ا

يو ر بدهري م استانم و مريشتان. در ما: الرامية بادامات منا مساعظات

نیاد افتان شاول باز ساوان قیم افزانیت. آرائزی بادافتا دیدرد افتار استاد در بازات سید برای درد.

حرار مو روم ما خراها ده محر جندن والد شور من ۱۶ برد والد الروم علا ريث ساز ريشا دار اداره و رفد ها روا الدارل ها رزيد در داره و خوا و 100 برده و روا و روا

الافظامة ربيا فاطلب second

ره بره مطاعد رايز برايز جداده ک

و زیم مهایی توجه رات تیمایی و استایی ها

شانزه از مار ۱۱۱ (۱۱۰ در واغایت

الله وها بنار الله من الاحدود وبيان فقا احدود بينا ر طب الو عليا أنا ثير الأو. راة المردود او الر سند راهان 1 ريباد ريد الا الله سية المعارف إلى الدراسة

شان بادام او او ادار و دیده ارداد. شان دار آن اشان از ادامه به اید

ر ها بختار از طب از مکا پستان رکاب در چه رک در او دار داد کا پستان رکاب در در رید مغ احد: اذ

چناز دل بار در ارایس جا رمدی شهر در بازید (۱۹۱۵) قال حاد به البطائرة في بمحول برخان بين الله مرافق المشتري بطله ما مين ؟ ألا مثر بريزيين مداد الراضان المتال والما قال أل حران المحر مدين هر حاد الله المثال برخان بر أن حران المحر في المن المدين الارام المبلغ من أنه ليك حسول بطب المبلغ المدين (1978) فيك ها إنه عال مسائل بطبة المبلغ الما كان المجارات المدين المسائل بطبة المبلغ الما كان المجارات المدين المسائل بطبة المبلغ المبارات المدين المسائل المبلغ المبارات المبار

والما والمعتزز يعرفنج إلا إنوا لام المؤاث

عن الدينات من التي التي المالية والتي ويد التي 1 التي السنية بياء عمر مجها للله الرباق في التي التي و ها الله.

وہ تمید بنام شور شخص اور شاری اور دیا۔ معامد

> ە، ئۇنچەر ئال 🗷 ئۇنىۋە 🗷 ئا ئۇغارنىڭ ئىلى رىيى رىگىلە

> > ستبند

الريا الشاريدي به روي بعد يو بعد ير عد دائم و ۱۰ يول کي گاري داشمې ديد ۱۳ يوک و ده ديدې د سوت يا د کې ۱۳ داردې براهمول و درې دساي ۱۳۰۱ د دانځکې يې دورد هيد ترکير و دار د کار د د رو باد خونتم د د

خان براد او آن در فرد امان و ادری کار منز روانار بداره مانونه ماز نکار

ر من موسط و مراود من ما من من على ومن الشاه في الراقع ومن الرواقع من الرواقع في شده ومن الراقع عام الأول من الأول من المواقع من المواقع الراقع الراقع الراقع الراقع الراقع الراقع الراقع ال

يما چنڌ شيخ بر بر ڪي. فيله 16 وناٿ در جند وڪافيم تر ان ڪوڪوي

يەنەھۇنىياتىيە راقيە تىزىز ئىڭ دىدىيۇنىپ

هد طری و طی-۱۹۹۰ ری ۱۹۹۰ ک با را فتر میلی کا دینا را خی فتر کا آباد را دیر را فیاف در عاقب در کیار کار کارد

ر دور و رویده در دورد در دورد در دورد ده و دی دارد در برده ها در دند دره بدو دورد بدر دارد دره

As property of

را دونا الرافع (۱۳۰۰ بر کیل اختر پر ۱۳۶۸ (۱۳۹۶) ادخار برخار ین برد طروق مولید بخد طاهر سند. مد منا را مولید او که بلک کار باد ما در به ایند بست بیش این ایند باد ما ویژ رونه و در این و مولید مالید بیش شده است. بدر می میشد شدن به داد در میشد را سید در در می ایند.

شربه الشارات والمرافقة الشار الشارات المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة ا

خال او کی تر از اصل اللها با الله با ا با الله با الله الله با الله ب

زائب رافق آرمشیا رائزی نے فاتوہ اگر بران چاراہ مرم مال از مری مشمر ارمیسر،

وار دوار چار دی. در دور داره های مان دار دی. بیستان درستان

الراغزة الديور بينا د طر<del>ة الد القر</del>

يتطاونا لتأثر بالرفارة تزراه ده

athena make beautiful

بتريزه روان

10110-0110-01

Residential of

A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH

خالة من قال من فقد وقال مامن إنه قالت 18 - 5

can also can propriet a de-

معافد فاستمالتك بالداد

ر بندر نید کا بازیر میدر کا در ایدها و بازیت رماع بازیر با در میر در مشاه

به طور ودعوهد برسیانوید و بر روستر رسو باده تریدار از

، تراکی رافته از که ایا تایا وای د و تی در دنت رانتی رافته رافته

، وارت داد. د داد ه های در سال ایسان ایجاد دیداد.

## بقرضين يخود

روندو تر در در خود کود ۱۹۰۰ مه. ۱۱ تا خار بند بخدی تر کرد کار در در ر های خود بخوند بر شهد و بطر طویق رفته کان به از سام دار آنها حیدا جر برند افزیها است. ناخ

الثالثة الما التولي سيامج زيا والي عيد بتر الرائعة، طر إنا ما الرساد بينوات والتا

الموقع أو حم قدر استدائلة و الدام عليه الدامة الدام فيه معاطر و فعاطر لتني يوو ومنه الدامة الرائم فيه تشر والما يوي عط والمشار إلمان و

### APPLICATION

ناته آدیکین ایل پیسط حالت به برخ مالت پیش متن افغارت رفته آدیکین اصطرف بید با آدیکین اوقیل بید بر بیاست به نام بهای

ها، بعد این ها بر هنو به دینو در باشد بر استام نیز در فای به عذب و هنی

ا مساح بي در مي به مرسي مي هدهه الانتهار تيه بابش

الله الإليان والمراكزية القار والمراكز المراكزية

الي وأو تنادر في و الزالا

مخرع به و بره هر دومت و مناهور ما ده و مناه الا مسامته و فرد کار مقر کار در حال در جری به فتر باز الرسان میشود میشد کرد رساند از دخ مرد و در در کار داد فتر

و دا شار باید لا امیان که در نومار شار. نامهٔ فلا کسیان کار بازی

مدفع الترثية والرجائية إيواجي بر والمتاريق ما فالمسيارية الوائل

اد خراد در دار دار دارد دارد. ۱۱ خراد در دارد دارد دارد دارد

لو فيغ في شاة قتين؟

الي زيندا له، نج لرياد را بر فيها وطاه دانهم. د رساله فادي

الله في برايد التراز عوالات بادي دوا به تشيد تواصير بنتر مويوس بربر ك مراجه تواصيد كا الدويات بريد بر

د قریده پیداخی دانند کنند نظر مختیا داند با دانند کا در اید در در د

ب کشتر انجاز ماز دو دری ای درید روز دار رای فاق

رود عن الان المام ليرونو بعطونتي و لا

فالأخاص للمفتضي بالارتتع

مبتان لينا م ترقيد ترقي في اللغواب

ښته ر نړې د ر نړه ر خې هاې بروا عوامت. ت. کا اگراز تاخ فاني

نان ماه بند بند ترید و از از این در سادر پی بریا تریاد از این باد اسام طار بر از ایند برید در از ایند مدیناه فاتا بیا تریاد را ادامه بد در از ایند مدیناه فاتا بیا تریاد را ادار تریاد

بدر روبع قبر درد دارد سند دون شی پیدائر مرد زیدات است. پاده در صور صد در در من ۱۲۰۰ صوره، پیشا براز جنف را شی عدد به اماد دری در پیدائر به در باز بند

يائي به هويز شاه ترييم و سيتدر د ري در يد در به در در دا دريده ا

جات جو شرائع الفرائلات والتناب والذن والأواد ولان والي حاد الراد

المراد ا

ت وينا نيد څاه ټن ، تلاز بدي م هي وغ ر ښه دار است ه سام در او

فه پیپر ستمر نید. فه نکرس روی در بدی چ سرخت بدی خصص که در در در در در

common

الان المراجع المراجع الان المراجع الم

تر رائد ارینا در ۱۹۲۹ ریز ۱۹۸۰ ریز غیر دانی:

امرید است ۱۹۹۳ بی ۱۹۰۰ بی ۱۹۰۰ بی بر ۱۹۵۰ در ۱۹۰۰ کتابه در از بده داد افزیر بخی ن بد در قله در ام در ادر درده در قد و خد در در ادر قله در ام در ادر درده در قد و خد در

وارتن بروارستر مرافق شده بطرت بعض وهراد والاناكار فقر

وقود که کار کردن. داخت در مرحده کارسی: دامه داد

لتوساهيه فتيين دهيادت

-100135100

بمدعدتر فوجعين ومؤربيدي

continued any though a succession the reservoir service of the real a was and so to said to be in-

وهي تعذر بود برعيان فالدراس.

ولاطري فريء برغضرة مالا بالراء ال والله والمراجعة ومواجعة والمارات

فيويسوط بنة طرطانو الوادينر

شده خدم میر و عارضاه اینانه و طار و از شهره فاه ماز ارسا بر سراری نورسهٔ سوراه یت و از روا شاه در مار ایناند.

### a remail de la calación

رشور خاند بریزی یا بر دوست یک از کا در خانه ۱۹۹۸ زرد داشتید بر درست کا در خانه ۱۹۹۸ زرد داشتید بر درست

راه بند از مع طار الداند بر بازی در برخی ده داند بازی د میا آزیدی، طار پیدینی از را از حدادان م دارد بداخین بازیش، عد همین دارس، ۲۰۰۰ جا دیگ، در از دارسی به میا در شمسی،

هز و اگا راهای آثار در قتی، بریک زیمهٔ آثا شد. ۱ می آخ در آخ باتب مزادر انسیان بد. آمی آنا قشیم آئی، هنگار زیرهٔ نبدای بر حتی، درمیار بزایردان پای کی، هنگا در نام سبرهٔ علی ادامان ایران به بایدا.

ر الدين بدرانها الرئيس الدران من مشيرات الميان عبر 100 - 200 مناذ مينا فيمو شين من الشراعية في طر طبري

ادان ميا منوشي ادر تشاعيا او الله ي ر در الرائي بعد فرمه أي شكار ديمرا اديمرا قيه شرد 1917

دن والواراخ المراجعة الم

and the second s

والراقي والمجام برهم الارتزائ تبدر رابر اي مؤاد فتاله مغ براقي دست.

نيون. ما دينا دميا بر دين يم دو بدنا بر ندن در آد زند در انو 10

ئىچىۋا ئاروق قارىدىيىلىنىڭ بى شاد باد ئىكرىز ئۇرىرى ئىنۇ بى ئادۇرىي

AND LOUGH A

والمراجع والمراكب والمراجع المراجع

مان و خراجها الدوران و الدوران به من و راد. ام با بر النام ، دا م الدوران به الشالي المنظ الله بالا تشوال هذا به المام الدوران عالم الدوران عال الله المنا فر ما الدوران المام ، در الو داد المؤار

AB ئىلىنىدا دۇرانىدىن ئىز

فلان خالق دود ڪالينڌ بريس پنڌ

ئي ڪانو ڪرهي ايل جد پڪولوں ۽ ڪي۔ ڏوڙ بعد محوي جد ڪان جاڙي پاڻ جوري : ڪرانال ادر ٿيد در سمب بال

ا شا کار چا پر شرا سے بردا کی کانو کیاں ہے - چاکی کا تاتج کیاد اور بیت بنو روز روز ر از الات کان ارداز کا کانو

الله موانيط من قرم فقت مندن بين ويبراي به أدر القرار بال والزيار ويضا دين الإراد عام الرائع فيها فعران الارتفاع ويدون عداس والقرار الرائع في الوائد الله و 1970 وير بالرائع في الرائع الرائع September 2

عقاط في سيون فلا أن في ويان و ويان ore on the same on the Asia resident

رفضترق في نفوج فستان 1915 رفضاري في الشيخ الماروع في الواجه في 19 رفضائي 1916 وقر الميز في مورد القدامة 1916 وفي 1916 والمالات التي الماروع في الواجه 1918 و 1916 و الماروع المنافقة إذا قد الميز أني تسمع الأسائل وقر بالرافزة.

على پيشا ماز ۾ فينيا، تيڏ ميڙ ۾ الي. د ملاء در 10 جيءَ تا کار تينا، گراد ميڙ ۾ آباد ۾ ريناد شيق

10,000.0

ادردار مولي هسر ۱۹۸۰ به ۱۳۵۰ که خوز پیر افاق مین کاامدار که خاطر ر ش خاناف به ارفار امی مقدر به در نش

على ومناهر في المقدرة الله سيل ليز باليو والسيد الترافظ إلا الله إلى التقدمة ومنا الإلما على والله في القد الله في سياح الماللة البرائل في الرسد في القد الإلماء (المالة 100 رسم 100) على الله الله الله الإلماء (المالة 100 رسم 100)

40,000

ار ۾ خفيد ۾ خياج فارم عنم رقبي: ١٠١٠ . د رو اڳڻاريءَ الامالي روانا ۾ فار ادار

مرور وعراقا ليرس فالرقم فالقاف

off the control of the control of

وقن وواد بدراء والرابات

such a deben such a de Vide de Co ختاج بإراضيانية ووفاتها

material designation of ما فدلا فدلا في

# بالموارمة والمادية

ر فاي حدر از وي دول ترسد ۱۹۷۰ ۱۳۳۰ بر دول دول دول ترسد ۱۹۷۰

رار پستار پرمتر را رسی فاران در در اداره اسا این در کفتا چی داشته او اساس اسان پرمتر در در داد میشد بر داکلو داخرته (۱۳۸۲ بیشان پرمتر در جامه بر در اداره بیشان خراد برا روزی، در ادار بیشان دار استان

والمروسة فراء ويسوط بمرافرة

Age o

Appropriate Control of the Control o

او باو باز را ادو به العدد (شاعر مرید بر معد تو میز برای توبه بادها عالم معابر متای

خود انها ۲۰۱۱ بر فرد نمازان و سو ایر اسا صفرتی و صدیان شدگی ۲۰۱۱ بر ۲۰۱۰ شدن از طرحه ۲۰۱۱ بر ۲۰۱۱ بر ۱۳۵۱ بر در شکه ۲۰۱۱ ۲۰ بر ۲۰۱۱ پرکشس ۲۰۱۱ بر کرد ساز در ایران تاتیف و چه بر شاند در شد و سرز در ایرانیان نی براه ها در قرب پند وی. بایسی خواب شاخته در باز انداز انداز انداز در هم مشاخوار زود در ایست (۱۹۰۰ در متح

باین فقید در از برای فرد دیدا کی در با که داشت داشتان خاند از که دار در فاق ادار سیا میدا در دارد در در فاق ادار در در رای داشتان فقید فا

د بردر سرد بر ای فرید داد سر صدید. ایر فاتر که در طور طی فیری این ۱۹۰۰ نک به دید فیرند کرد مید فیرد به داد

الاليداد بالواد فاط ياز والويداد والاستيار طهد فارا بينا برارد فليدم از سرد در از تراد بردار رائز الارادة الك

بروفار الزاری والومتا الذ بالها خاصات و در بر براز امر ار دودادی دادها استان و داراد اما

## ر د المحوالي الاتوالات الان المالا الد المحالات الانتاث

بھر جر بچ کیکو کی کیند محص میا م بی جر کی فیا ماد ما در معمد محص

په در موم خص ۱۹۹۳ به دید که دارد در د مدن در در مر مادمید و عب شام در ۱۹۰۰

از این هم خاصید این عد حتیج این ۱۹۱۰ در د بعد اینکندها دریا اصید این ۱۹۲۰ ۱- بعد دار طرز همان

ر بعد در طرز همج پوند

الآن تغذا في الدخار المدينة بالقوام المدارا مثل الدراعة المدارات في المدار الداماتية في المداري والمدارات المدارات المدارات المدارات المدارات والي القوام الرائزة

ر پر مان مر تورد. الا توزه نیز امار وی داد برای پداردهٔ درود در ایر بش را اد داد دراید داد امارد در در اسام در شدر ناماد در ایر چران ایاده قا شدر شده در ایر چران ایاده قا ما در آدرا پردار الادر از درخ می خزارد بازید پادیز خاند الادر در از درخ الادار آدرا بازید پادیز خاند در دادر در ارسم الاران در آدرا الادار اینان ریدا

をよっているのでは、 でしてなるではないというできたが からからのははないないのできたが をはなるははないないのできまた。

هم و بخورد خارهها و قشر، خار آن، ان با مون ها، ها ان ان ان ا با مون هی درا هاها در انتها نشته بدر ان با برانم افاد، وار شیاشان

ب دور کت افاقه دور شدیدگان این کا کردان کا ساز میداد ۱۹۹۵ باز ۱۹۹۵ پاده باشد ده میکنام دادان شدید داداند دادان میکنام دادان دادان دادان داداند

بالله مؤند تي ميم امر (۱۹۵۰ غ. ۱۹۹۰ م.) د بر سنې ولايون تي است (۱۹۹۰ غ. ۱۹۸۱ م.) چ ن زايمې (۱۹۸۱ م افلل پ

فتا رساسيد طورة فسيهر بزعد

راندیاد شمخ در آن فروا او اقتی در انتقارات در ر ما او این اینا افزود از ۱۹۳۰ که این او (۱۹۳۰-۱۹۲۰ که این حدید از حرید ماد همیشد.

به خراف استراح و المحافظ من به جها به مناطق المستراح الم

هد پرویه صبد رخاه به اگر مرکد اد اگر و داخله اصراحه باجود به در برخ در در دا در به رفد اد مرکز دراد ته احد در ایران داخل کرد در درایا بدید داخل ها در داخل به برخ باد ایران در داخل داخل ها

یون شار اول مقا طرح هم داشا در بین به میروان شد المیران شاند رفتان کا می استران می ادار در اول سر جازی را کا میران را این اطلاع در نماز می امان در بین از آنید باک چه پیمند شد بود خود دارد بر خود زنداد روزن در پزیر روی می فرد اند رختی صوحه اد از در برای رد من مسالم آو در پها رده اصف م سازم فرین من تمریز فردی وارده در منافر به افزار از بری چیندر در بری (در میانه بدا دا مد مد، ای

والتزيم فيدعها والردائع والامة

نا بنز فتره مثل برحر دامدیاز نیشو لے مار و فعوات

نو موا از پر بخو جدوب خیرانداده بغران میرو با مدان به فید بیشت الله پید بخوب مدار بر از این بواقد این بر اها این شور و بد بیده که بوری مدار از پ بدر النور به بیده که بوری مدار از پ

الول مو الرابع الدارين الرابل الولاية مارات التاريخ من التاريخ الولاية الولاية الولاية الولاية وقال مو الالتاريخ التاريخ الولاية الموارية

## بذنيا

Annual formation and agent

a stablemen as stablement at 60%

AND RESIDENCE STATES

فاشتاها بالتاغيجي موجار

الياديات مشارعين الشارائي مراموه رمشا ما د ها د مداد كال كالمود الأسارة #

اغ راها، فازيب بداري، ها در ۾ جو دا اور پرداره ټه

74.6

والمراجع المراجع المرا

خار الفرطور مرسم بر تيبا بدرينور بك حام فارده لدين بيدنا في ير غير فيا بي حام دو دم رازن بذاة شدرينا نظا بيد

من ملک عامد به حراران دیر رود به تاریخ خدم در خار بده های دیر بیرود در در دیر نیست خراهی اداران رود را دید نام از بیان های دیر خراهی ادامات در دیره میان مالا زیار در های دیر دید دار در دیره میان اگر زانید در دی مدی دیر دارد در دیرا دیداد از دارد این این در دی مدی دیرا در دارد ماها دارد این دارد این در دیرا لروزان (۱۰۰۰-۱۳۰۰ رشیخ فراشنه (بر ۱۳۱۰ ریم (۱۰۱۰ - ۱۰۰ رشان پر فارد زیر: ۱۳۹۱ بیراشه (پ ۱۱ ر فار فار دام د

رسخ ويمو شيط الأساء من مراوع من الراب مراوية ما الجامع

نا، خان: رفع بدرا د و کی هر دین، افار بر از رخت: مدا کا بنا میدان بنا، باد باد ما درا، ۴

ار چی او خود میکند دید داد در دید ۳۰۰ در حال بیان کار به کند این ایک جوار ۲۰۰۰ در داد در در داد ۲۰۰۰ ۱۰۰۰ در داد میکند.

و بر بقرار می را شدید در خود را به ادا که برواز از بر داشد کرد برای به این برای در شد کرد برای در شدید به در بازی در شدید به در بازی در شدید به در بازی در شدید به در در شدید به د

خود الداد بله بالداد الدو الاستان الداد پري چه دست بدار اورا در توه را در داد روا در خدا و روا در درا در دره در تول دشتا در بردن قداو دره دره دره در دره در دره دره در بند

بردين ويدم وجد از آر گاه بيند مدهوري از خدار ملازمن رشيا در او شي رف از اش رمي از ملازمن رهاي بقواب فيكه رهارد الله الله ميد

## a to conditional

البندائية فارياط فالمبد طرح مع رافقين ينها ترفش بشرح طا وطاعات آتيا يائي ورايرانية والألا

## فززت ببادرت

الذي قرم هم خوطياتي أم ميد وخطعيد الدير بالقدر بدري بدر ها تدرّ بوب عدوساني يدي عودي لر باي قدد هر ها در بيد عدد حيث يدي عودي بالديار والمائل ميد رعد خار الاي ير ، درياد ها هادي با

در بخوشوش و در ماهادی در در در در در دو در

الونة فيدي ويو الحجارين بار ويو المها لينها (1997) مر فيوالله بر الله الزائدية اللها بدر الإنجاد التجارية وكر الخاري أر أسعاد التال الدر الإنجاد التجارية وكر الخاري أر أسعاد

> ۱. تازيز تجزه ريبة برخاد ( از از آر خا جها مرتم مردود

رسيد رسل د و شر بيد طوما از آن فات يبد د و ما رف حيد الاثار طوالار بيد رفاد رفاد رفاد حود الاثار طوالار بيد

رفات زید بید تا ۱۹ ستیر برخد باد اطرایی با وم باید با داده آن اسجاد طاره اد ادری با ایم برود دوه صدا دار

اینان افتاره میشد اشیاد باشتیاری به خاند دیا های به قار خانور آمیزی، قاد دی فاتی براد کار می شدیدی مشروعی ایند مراوطان فاتیه شدید فاتی هم فاتی

طر و طار الا استواه التاريخ بالا طبير و الرود سواله در الريش الرود العالم وزار بند التو ۱۹۳۸ و گول معراج از ريش الدي باكار بناك است رايش رايش الريش بر سال از خاد استان الدار ا رام ما القمل في هرم الشكل الله (الدران). من المائد الدائم الرائع مورا الدائم الدران) من مناشقة بالدائم السيدا م طور كاران خارد مر غور در فادرد رضاة علي

May Apple (Mark

ا الا الم مثل عليا الا مل بعد حدود تدوي بيوريو. بالكان راحية الا الشاري من رجم الكراد الله يدور ا المار الراحة الا المراز الا تعالى مؤثر المهارية المواجد المرازع القائد بالراحة الالزائد مراجعة المارات مثل المرازعة العرازة القائدة الدائم الله التراجعة

ایال حالا با او پار الا میتر در به به به در خبر در صب و اراد دید به بکر پره راد اول ایس از خبر در سب حل ایراد ادارد از ایکان خبر از مین میتر در خبر در ش

ارب آب ۱۳۱۱ و ساؤر زفق دید ۱۳۰۰ بھو پر جن شده دید ۱۳۰۰ و طرح طرح دید با دید ۱۳۰۰ و کا محمد بر الارش یہ باشد اگا استقراد شد و طاحہ بازداد در داد کر بات بات آب آب اور فیم الل

خوفا دهير ديو ار فيروز م

بهاران والمتراهد والمق

را الله الراحة التي يود الأدارة التواجعة المناس الراجع الله المناس الأدار المادة المناس الله الأدارات المناس المناس المناس الاستراكات الاستراكات الاستراكات

ا دونا شاور در ۱۹۰۰ بازد در در در ایامها معلم در اشاه که ۱۹۰۱ ، میانا در فرد (زمویر شاه م

Aphi

3,000 to 1,000 to 1

The first of the first one can the

را در داند دید در انها در داردی. دند (دارد

ا جهان خودنی ۱۹۸۰ ویکا فیلا، پنجانز اید مطالع افتی اندایز بهان از از برای پیداید اگر اشتاختر افتی خبر این باید افاده بر افعاد

۔ دونز ریدائل شام برعان او براندیا ایرونڈ نے تندریا ہاتھ

ريز ها چې ښې په چه دان چې دار دې لار د د ه هما د . د سي بالشاهية بيد باليوان سه بديا في يكن بدر الديان الديا

هایید بر شد. آخیره ایراناز در است. در برای خراباد ای هاید بداشد در مهام ش برد شور زمرافت دید «باشتند در موازید باشر هادف

بر در این بیش در مداند در این بیش در هداشت در این بیش در هیش در بدری رست میدن است. در داد هیش بیش این ا

ریا هرور به ۱۳۰ ۱۰ شخر زمین می بوارد ریاد در شاه در هماره ۱۳۰۰ در شک شک

بر دورو و موجه دیک بند مد دین ۱۷ دولود مادی

برعد فبالوج بيزمها بس

An also in the Case Special Service (\$10) \$1.50

والماء للامراد

رمید معید هر بدرا ه ها به استا تور رمتید درای ها در جدا دو طوره مطاوعت تور می خرا بدن ها مسئل اول میدر هاید رز است ها آن دادیده از اینهای مطابق در افزار را ها آن این ها، دیگر ها جدا دارید های در افزار شمر میز رواز از این در شار داد

الجنا طبق لب ۳۰۰ باشان في جيل دين در فيز زير رفتاب الاد الدي عابدان بابطا الردايات ب

in.

ه بند دل مرد د من بيل بنز مين. اير او ابنيه ايم هينه يع. باير د: الحرف ادار ادار هينه يع. باير د:

ية فخر تيند ر لرغة مر مد: -

ترا بازاد ر مت ۱۳۰۰ ر در نوات خرار در در هرد جانور ازدر از بن بھي ۾ مشيع ستي بڻ جي پيد عار تي غر انديس ۾ ۾ پيم ماهند جي ۾ جي در پيد کر ها مشار کا آن جي کا مدينان ۾ ج

کافیت برخی براید، بربرای نقد بر حدادهٔ افغ و شاعد میادی باغزمینه

الا بالاربة بإلى القبطنيق

ک پیغ کری سرپ جنتوان در ستم در نامی در فرد در کری باشد

. الله المانية بإيباد للمينا مرازة بطب

بعد ينظ مثال فيد الوقي ها المدين، و اليويش المنت بإنه عقالي لتنظ المستقد من القرائل حق المنيذ 19-19 من الشرق بين المستقد من فيطاؤلي المادة والتيان بالمثالات القدامالية من المتعارف المتعارف المتعارفة المتعارفة المتعارفة القدامالية من المتعارفة ال

## بالرخار بجاس

م حالج في ها هد نتو جيئا سب بيد خال به خود التي ادفاع بيباد حدا ند ها شب بحادي به حداس بياد معر بالارداق غر الارد وصداكم عرضه شدة بحرار خي

تربا فتوني بير شارب دا تشدنا

والمدور وعراجه

ndi Je an 1999 di educa di se la "lesi

والبرقونية لاشتان بالأرابات ميرادي

ن خر دارد اگریز کار دی در اینداد و شب امر دارد اگریز کار دی در اینداد و شب

البه است ۱۹۷۹ بستو ۱۹۰۰ برطواند و روندن ۱۵ زاهم برهایی و دورت اشدا طرق دیدان که ۱۳۳۱ برقری ایرفزی، داد استی شداد استی داختی امران خط ب

فالعد كار ترجل بلادر عيد برجان

هند برخه ها در مي به شيد مي مثا ويين. از خواره نتيت ويرد او هسته اير دن شرد شي ان ۱۰ الاحتداد در از فاي در تيم عند وير ادر.

بيقين وعلامون مقيد وعثا

نان این دیا داد در هم اسب سندان. بخوار عبد داری

البنا الد ١٩٠٥ على حادثات في الإيد على حادثاً المراحق مواصف بر عنها ، موسع بر التلامش الم قاد يد

14004-0

U (4) (1) (4)

دورون روين حريدان درجونيش مزد تريد

## برواظني هاف

من برا ها فران مند من برد بند برا برد مند برای در آن مند از در این داد در این در برای در این در برای در این در در در در این داد.

#### تعيار

به هڙاڻ فلسي ۾ رقيد ڪئي لي. فارد ڪي مِنڪاڻ اد فار ميندارڙي هِڙا، فارد

CITITION NAME.

### التراول المينا منز معها

Japanes

200 - 100 - 100 PM -

SECTION OF CONTRACT

المرحادة فالأرسي المرازع والمرافق والرابية المرسال العالم المرازع المرازع

and of the state of the state of the late. ة السنديد بعايث شاير في **و** برنس

توسعي، ضيف السبت، بلواة الكار بعاماً خياءً معاور برود يعال واللمين فيراة استعد بريناً، الكام مع القارب الا صاح المجور

ما صيد در افر مشه فالبد دارد او الرواد من المدت عند طرح فرم الدارد و المواد القرار المطهور وإن المهم إلى الاراد المراد المواد المراد المعامل الم الهي بدر الراد عن المدن وغيراتهم وقت الحاد الما المهاد المراد المراد الما المساهدة عند المراد الما المراد المواد ال

## لارودون

از در مدار بهاه ها باهد از بر در عداد باز و افد مرتاع از ایتراد ازود عد ب دا هماند عداد و ه مدخور عرب

### good !

الرية المذاه المحافظة المنظرة والمنظرة والمنطاط المنطاط المنط الم

44

فل بديدة نبق في ودائمي بالتقام از

د رائم راغید دو بوط نیا براتیا ر . . بازدمید فرار دو ۱۹۸۱ د ور در

عي مکا کاي به پهريال اينا بر اطبط روي سول بي کاي بيان را حر ماد که اهار پر يعني در بادي رويد فرسط پر خوب رفتاب بر ادا نفت اسان از ديم روي اصاله مجاد جاد بر کاي

ند استان مرابع امتدامه عقد برای هایان در زیر رمزشه فتاید مترا از آند رمای وارد ما شاید بر رماید افزاد شیدا می بدر در ادعیان امراه بعد در شید دا

Promis der Sitt den sen en e

## 1014

نید پیده و پیرا دامند پین" به جران صحوبهای و خیر در شر، جاند پستی دادر نید، داد دادر حصر در فیر در امر خادر ام اصاب در کیار نی شر تدرید باید با است عود دادر می شر تدرید به باید مورد در در در خارید ره چون کی درای احت دیده هو حوالی ها در چون کید روی درای است می جودی است. نظر می دید در اطاقی از در شد، درست دیده در شد هو تر در دادو در هود با سند آیشی می دافق به در شد این درست و ساوند داد در است داخله دیده شد درسته ای درست و درد. مدر به داخله درست ها در درد دی این درست و درد.

#### 0-

رية الثواه بالعثم فأن تعريفها الأخز بالزار مفاعل مرفول إوارضة الكان الإماد في

رهاي و مياريد را دنه ديال در. را ادفاي بيان جدواديو دي

2..





ال برسادر شيد فا الزيارة في و

انه والرشانية الانزليلية برشان

ها رو موادد ها دری باه دی بر در رای میدمی اس

افرارف. افرارفوس د مدرسو د م

الوب يزالي فشاوي ۱۳۰۰ بهر قبله التهاو و مثلب ۱۹۰۳ به ۱۳۰۰ برائد ي شعيراتم التابه وي ۱۳۰۰ برقيز تش، برائدة براهاني براخان بوليانية ۱

ورون عاده والرشارية خرطينورس د كانية برطي دا كاكتواركيات ال دروني ك

و مقو عبيان فتي مراكب بناب كا مدارات الأدرون العالب المعادمة ال

اوردوال التابيع الله بوطيعة العلاقي بالتامة في 10 %

ین بادر فرود رسیدی از حاید کند و تحد از سخت این می است از می است

ه درسل می بردی در اثنیان راه بردی در سمی بردی ها بیشتر در این در است. میشد می از در است.

وف فيه الإدار مع الرومي الله عط فيه يد الرحمية الإدارات عراف

۱۱۰ کا آن داند ) به فرید خراج سیوان التداک مقبل ماز افته یک داخل دار زید باید راهید افته بازی مدین

راه در خوب فویسه ۱۹۱۱ مید به به: حال الحالی عاد و می کند را در در سویه عال راهار ۱۵ حالام در اور در خاط، میز اگر سند. راه شاه داد مادد میز در در در در در در در

رای در این شها در پیدها شاور کارس را امر داخل از کار داده داعد ریت رستانی شاهد در برد داخل بردی ریت پر ساخت. داخلا در داخل باز این داخل با تصور عص

ا فراز الدين الديد برايته ١ - فرانست ميخدر لازدق ۱۵ ل ادر د

(0.00)

آن و خارق ولی وجا النبی وفرق بر فقی بود. • غروز الذیوسیا اطار ایرنیز فرهای مرابط معیون از موضوع الله ایرخ از ایرنیز وب معیون از موضوع الله ایرنیز و برا موان نیست. شده مای داشته از ایرنی بر ساع الدوالا

۱۰ درو پرمو در غیر در کنا در است بردید باک بناج داد در ایر این شید در ساف ساد در در بردی ز خا ایردن در در ایرانها

ه دینا او شنو د ام دم و رود دوشاه از مع در فقید داد اینا داشتر در دورستان رساد در در

دا جام کامل و جرم سند در ساد در جر را شما او در در مرم سید در ۱۹۰۰ و وارد دا آرم او در در مرمه از کار در کار پر ما مید کار شر در به رمید خرا هایهای

ىد ئادىن رەيىدەردۇنىد بدىدۇن جوارىر ئىيىندۇر Sind of the colour of FIRST LITTER PLANT TO WIND VISITION AND

Santa Extra Section

commentary each

# التهار بعدر سوالينا

ده واړه ده واړه

4

ادرها ویار ها از مسر مورز بیش طور پر درهه ۱۳۷۲ با داد خان بین و استار اورد خان بهم شدا در بین خان بیش در بیان خان استار بای در در برای در شرق بر افاقق، در بیشان برد در در در داد های ۲۰۰

فات ما يدان به خواه و الدارية الدخل والد الدخل مر الدائية في خواه من الدائية الدخل الدائية الدخل الدائية في الدائمة الدائمة الكتب الرحاضية إلى الدائمة الدائم

ده بره و موفورو آن و در ابتد ۱۳۳۰ رستی و خود در زبانی و با ایر در آن قارسیا قرضت الزدر اردای در آن در ده

من إلى اللها أي ربع إنها لتراز علم بلك اللي عار العيلة الإلك أو العالم في بنا الراور الأوراسية منه بناه الالالم أفر المراز الإلكانية المكارية ينبيها مراكات المناد الكيارة إلى المكارية المكارة المكارة المكارة المكارة المكارة المكارة المكارة المكارة المكارة الالكارة الالكارة الكيارة الالكارة الالكارة الالكارة الكيارة الكيارة

هذا وازير بنا قانز بيتي مرسط بزيين براها مزار مم التروال فإناشي يرهني ادامه دمين واريد الذي

والمرازمة إنفردان استناك

د طری سایز هل و تا بر خربستانیه ایران او آنه مرسر

وقيا ودينه ريشور راران فاعتبك

عالا المنت برواني والأن إبد يشيران

يتخاهم فين هيريسر عيد

ه طبق وغیر البیدی می وجه ۱۹۸۹ هند مین در خیله به خوار خواهدی درقه روز این در این خی امیاد باد در ۱۹۹۵

د وهندر مرم الاهاب

هی بعد صدیمتر رستایت فه نیز براشد. ب متر رستند (با بد عتر رختنه جراما رست رستا کانج جرانا خط حجا با

بھی ہونے کے نہیں کہنا تھا یہ تیز ہیں ہ سے بائیس بھٹین کے قورماہ جو رقانو خ ایک بر طرف کے خاطات رمن ادام خوا بھٹر مرفق

40.00

تربيدون هزارهيا فالتدفئة والمد

26

ا دوند ارتباری طاقتهای ۱۹۰۳ خانا در دو زاینوی داد که منز زاج را تها شها که این زار دو تهای داد خانستر در مطا تمای ادروای در ساز ایر سه دار اینه در

محشا يبر فرار فياع يبنينون

حشرنا وبالروبان لريبته وترتبطنين بالرابين

# نه مورسې وی و رسم در دم. دموراند دم در ده د ده.

د بزو در مجمر رفيد فا اند پين د ۾ بني دنفو براي طائم قو ب

در بهر وشار جود و برخاند دارد خواد ها در بهر در شار ادر در بازداد ادر خواه ادر آوی در دور استر نمین دو به ست از زیاد در در نمی وجود ساختی انداز بود و لاز برب در در نمی وجود ساختی انداز بود و لاز برب به از در در نمین از در در در در در در در نمین رود دور طرح در در در در در در در در نمین اند

رو د در دی به موردی این می موردی از ارون کوار دید او این در دی و این استری انتخ می در این این در دیدا در دیدا در افتا امردا از دید در حقیده ۱۳۹۷ راستان در در در امردا این دید در حقیده ۱۳۹۷ راستان در دارد در در در

ر کرون میشونی راز میراهار و بسی در کاری در کاری

هداری دوده رفتار عنوایی ۲۰۰۱ براز ایر شد ۲۰۰۱ محرفتری (در ۲۰۰۱ مستور شبایی ۲۰۰۱ محرفات در این در شده می ۲۰۰۱ تنهای در شده داده برفت در ۲۰۰۱ تا بدر ۲۰۰۱ رفتای در ۲۰۰۱ برده ۲۰۰۰ برد ۲۰۰۱

ها برا از برا بثانی ویل را می ونید ر وب وسی در یاب ویل را دی و وزید در هم را دی ویل والد به در از دی و در هم را دی ویلا و دید سال از ایل و در در دی ویلا و دید سال از ایل و در

# يحايسة فعيلاً، وبيال عالا تعلق عليها

ميا هيا خيرا، آگاه ميد و استرد خشا در چه نهر اداخل صديدًا، ادر خرار اداخل و ستع رد ادر إذا ادر اطار در ار براد راد استان مي دادي اصدر مخرد است رادل اداخل ادر مي در خرد رداد از خراوان استاد اطال اداخل ادر مي فتق توعمونه طاره يوني وعباري فالدية لحقائر المروانات وترافي مدعدواني شنور ومراض التهران التهاشات بالحربوس والمرفقا بيواء الماه

Same of the state of

القدورية فالإمران عدماه Section in course the best wife and

What had been a fourth of a con-

المراجع مرجد بمحمد مرجدته

احد فيه بيغ متازمين في عند التي يد نهد. و هذا هذا ولد ولد م قام راد إنداد فيد بداري. . ولا هديدة ، برياز موا الر

ده جود در اوی ادر دیده روید در پرود بدور در در حدد است بدن رید برد نبید. برد عدد در در ۱۰ خار اطراد اگر، حدود ما بدور اکار بعد بردر بدور ادارت از این او اینکه

ها باسه به در از بر مدر طرطر بحرو برو. در خا ۲ نمز خدد عدید، طرح اندر ادر:

واسال المنطع الاصلية فته فقوال منه وارديا بها بعلنم معدد أو التعليم، أمني مالله بالمساولة في موافق موافرة مع الدارة اللهاب و الدارة الله

ج الاین که کو را شب کار کا نیاز ایام الرخل بد است. مدا سبار سر

بنا خاتین با درد و ماد طایعتر ایر این میب افزانست با خاد در زیبه ایر طلبیراد باکتر ای بهانستا

وادر ارتفاظ شهدن ادخر دال بنید نم پسر امیر واب طری هد آدیده به بست از بیشتا وی داو اطار رفت طرید به از در شکر می شمید بر از رفتاد و با درت با در شهر شش

ميوشيون كرفوه ووطابدناط

اید به ۱۳۰۰ می سد ر جاز الفتود را و الفتود ر الرس الرس الدی ۱۳۰۱ می طرف شای و الدین به الراز می الدی الاستان از روسید الدین به الدین به این الدین الدین به الدین

التواقعة (100 مرات التواقعة (100 م التواقعة (100 مرات التواقعة (100 م

ا بر مازم ام دریان را از در مازم ام دریان را از از اها در امید را از اطاره در دریان را در در امید میرد را از اطاره در دریان در از بردر در این

عدد عيش فيد والمدادية

ر حال در حاله ادا خاص کرد کنا در مخترفت کرد ادا کر میان شده برای ۱۸ ادار کا به بردو در کرد است را در دارد در درد

شته بند عار داست را بن ه. اثر دار جوم ها، در ادر ادابت بر مهر استر میزی متب ت است کی رفاد را با در مهر استینه

ي الكلامية إن في أرجم الكوالات.

قاد به خاده و تراهبه بدا اليو ريهات يعلق ادي تر القياب (۱۳۸۱ تر الزام در ميل و غيث غال أم سند قد را مازس (اير ازار الوا من اغلب در غيام به اين سيال غال بدار حو دري الميان بالميان ألي ردافت الدي والميار

### 4547,000000000

رشد نے کالیہ اگل مداوریا پیر فید . فار اور جات اقبار شام ہو لیے رواز جا یہ اکیا جات کا فارکل ہو اور ان کو رواز دونی شا 1 میز اکام خواج ہر اور اکور اور اور خواج نو کا فیصر کا اگر یہ کے ان کا فید راطل والا اور خان فات یہ فار ہر کو انڈون نے مور والا

البراحان والدايد فرطار البراها ومدر

المشارق والمان بلينا

rain na mara

يم الله مراقب بريد في الأدبية 1000. الله وقال بدا قبيل ما كامل الرائب عن المثل الذي الله أن يديو الرائب مراكبيل الما الا المثل في اراحتم الدان حمل عبيل أو الأدبي عن المراكبة عاد الداريها في أن و المثل الذات

ب پاهرا می مدور بها در این در باشور شده به کاری در آی در شور شد آی در از آی به کاری در آی در شور شد آی به دالوی با کاری در رو در دید شورد در شود شد.

راه اداره می در این از می استان این این از این این از این این از این از این این این از این از این از این از این ا

- inju

د قهر ها بود. در د هاد قار بود

اور نے 10 ہنے مکتبر ہارات صارتان

آمریا در نبل ۱۹۷۱ میر فیده در انتیزی بر در اسمیه ۱۹۷۵ داد. ماه پیماز در پیم رز پاری ما در طبر انتهار ۱۵۰ ماه اسا در سر اسمیها تا پیمار دانج طبر اداری در مام در اداد در اس در می از این در انتها برخود را انتها در انتها به در انتها در در انتها به در انتها در در انتها به در انتها به در انتها به در انتها در انتها به در انتها در ا

بالا بحريز في طالي رواشين ساحه فيت في ١٩٠٨ بريش آخر مدرايين خدم يحريف بالا الاراد الدرايين والاراد التوا

بدا قديد الله از عم يومونون بالدارة المواد الله منا عبدة المراد فيميد الله

يان از امين هذه منا ميان اين ميي الله در مني القام من الرام بمؤال الأن الله در النه الذا اللها، و أن المادة

نور چو هد سهي دره سوره خد اند زامون ي نقو در مدرد. ده دو مع ده واد او شر نفر اند و مس باد در

ر معرفيه، وقد في تشريط استأثر بيش بلا متر. الموادة الإراد الإسار الذي الا فقية ، ما إليا الر الأور استار بيس مقال بالذي الاسم المهاديات (10) والذائمة في الموادة (12) مسلم الرائد

والمتداوخ والواقيد بايدة house of code against the

ر دو ما با عدد و دوسب عدار عما به والرارات موارمور بردرات فالاعتد AND AND ADDRESS OF A RESIDENCE.

والمستاند ووقواها

والكها سطار مؤالرهم الازاريتين ر

بقد بدئر فالبد الان البدئية و بحرب والا المحد والترافق المن الرافق بعد أن بليد ع المح المحد المحدد المحدد المحدد الما عام أي بحر عد ومعارضاته في الرافق عن من الرافق و الإنجاز

~ > >

٣- يتها و طول الله وليا

#### 6.40

الرفة يز خو (۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ باريم ماه و بودي بدائر والرفي مردس سودي ۱۹۰۰ - ۱۹۵۰ - دادي باد ماه د ماد در دمه ماد ناداد در ساد ماد

رة. الدن نور شاعلان ير فرب عادي ي

دا در توسطیری بوادی هی خوادر نمی در میشودی در نموید میده های نموندی و در نموید

ه خان از حجت یا چنا برنیا آباد آمیل ایر از دختر در در فورخته، نسبته آمیل دریا در در در در فورخته فاید شد: را فرد بور فات باید از در از از

فاید شده با طرب بین شب مثنا تر بعر ق بشار دم میدن بداهندی حار سیری باهید، زباد بیشار فاید مرد در زباد فاین، میشاسید

90 صود و از باط 60 شید شد. با فار باد از و در از در ۱۱ د فارو تو از در طالب

۱۱ ، وای تراکی و باید نوبه جائی ادارهای انتخاب و بنی بنیو بنیو در بر وجی ادارهای این درمت دارد در در بر نیز از

الومي العالمية الم مسجد الإمث من فريد نفرا في الواجعة عاد فريد خاري من يقيد الشادار نفيز له العدائل براست بالوجه بعن الراشد في الشام الورائية السايمين إذا الراضي الراشي الراشية الراشية في الإسام الراشية الأمر الراشية الراشية الراشية الأمراض المائة الأمراض المائة الأمراض المائة الأمراض المائة الأمراض المائة الأمراض ال

# رية والشائي مرة القعية الماغ

راه در پرکورش می است در اما کید ۱۰۰۰ نهای طرح افزاد ۱۰۰۰ در فوست بر آن به امراه پرمز و نیمه عکل ۱۰۰۸ در که بر نام ان ۱۱ تورکز و نامه در دود

(10% و در دار کم تر ماهد) در در در دو در در در در در دارد دارد در

زیدهه در درستند در از چود شدن

ر د بیار کار کیب کر بر آخ که بازیا". بر د بیار کار کیب کر بر آخ که بازیا". برد دور کار کیب در برای کار داریا

300

Land Street

in.

جعافيم بتاعيشتين غرر وليو

درد والدرد شروباء بعنواد والارقواد في الد الدر والديد والدين الدينة الدرات الدرات والدين بردا و دراج الدينة والدينة المارة من الدرات الدارة الدرات ا

#### 7

ليند فقيد دون ۱۳۰۰ بالله ۱۳۰۰ به ورز برس الحوالي خديد استر بر خرز الالهامات ۱۳۰۱ بالموالي في مقولها به ۱۳۰۱ به الموالي خطبه ۱۳۰۱ به الموالي في الموالي الموالية ۱۳۰۱ به الموالي في الموالية المعالى الموالية المو

داد پند نید باد او در سید و در شور پیرمید پات مید پرته در دادمید دی به لوغ قامل در بار

and a site to the annual manufactured a property is

معدد عارزه ما وعيار لي لطارك والراهي

ر چې محموم مردود ... وه و د. د وار غیر دی ۱۹ د دو دا دید. نوز د د هیې هم ۸۰۱

ستار طرفق زانه و رود راهید اند در عرضها در بر کار خانهٔ دار رند افتار در در م

راه در بند باد دا در رسد دافورد جری در هم. ر مجرحی بی ما لیمه در نم رفق در ریاد نکار مید بند ده این فضه در بری بش . . . در رسید کا شده براد را از بری در فصر آن میترمی رفز سنده في ويوم وينداد فان

بالمشرعم بالشاطع تجريبس وا

# Assistance .

SE SHEET SHEET WAS A STORY after read 21 rate is \$2 do not not \$1.00 in

sie in heid auch der Til sie in sie der

المرافق في المراجعة المساورة الم

All this could be

رالاين معرسية برياسة زير التور A Janes Service

والمعاملين ببوها

#### 20.00

بلن طرح المدان الدواحة ، المجان المدان الدواحة المدان الدواحة الدواحة الدواحة الدواحة الدواحة المدان الدواحة الدواحة

## والمشتق وأفراق في إذا والمستخ للباء

نبه از از شان خاص دنیا ۱۰۰ بشان د حیره ۱۹۹۹ در فرنغی بر آن در انتظار (آب بند، باغد ال

رود لقود خید و این است چی هم. به رویون و شده دید ۱۸ در در خور و مید بیران می ۱۹ در مولی و شدید شرود اس ۱۹۰۰ ۱۳ در مید و در استوان و شدید ۱۸۱۵ در شد از بازد رود در خور این از این ۱۸۱۸ در کرد را ۱۸۱۸ در کرد ت لاف ته نافز من او الفرق من رود بالله

مداسرة لرغة ومرط بحرارة يتشر

بتارتین چندیدستام فیظاریم. دیدنور ندم مزارید

هند هنوان مر مواريد بوطاها الاندبال از موارد اندار دادان همید شطیه راه از زام را تواد کارد میآنات مید راهیز شید

ر الواد المراسية كان أمية، والمراسية. التطورة عرد الأحد الميامية الإياد المراد إذ

ة طريق. وين الإوراعة قرائد إنها فين م الرشاي

ن احت الوكومة، فكان في بها دريانا. مند اللغ الآثار الخديد بنا كم الآيا الأراجا لغر ١٩٧٨ والوكومة فعي البار ١٥٠ در في

لقی ۱۳۰۰ برزان فارد و قبعی دیاب ۱۳۰۰ بر فرو مقم بر افساب شدا بر شتم ازدی در دیاب در این فیلید در نیمه دیری در این شد به بزدیا فیلید در شده دادید در با بر زمی در از داشت

هند مدم و دادند دی در پرد پر ای دی. زمه ویده در شای در آنها در دی زر زیارهین نبته دیری در در زدن رای دیگر در شای د

، مید به در به دی میردی دید و ای شاند ۱۳. برخید ن میری ۱۳۸۵، درخیریتار نقاد در تصدیری

دو.۱۹۸۳ در کیرونا پر نظام در کیند جرین رهم فاق در کرد ناد و درود به الرود خام الرود خام دند ایند الاستان فی بر بند این خام الرود خا دار درود خار در درود به درود کار درود خام

با بدوره داری ۱۳ روز در جهار خرار دمی کار

در پیچ در جه و میدو سرد و سم. در در پیچ در در مدن دسته بدودن داتر شیخ

24.0

الزيدا شودوي في حوف ايد ۱۰۰۰ . ريده دا: البرة أو غم أمنا براشده براشيه براشياناً برافتي البراد خاد مجار شدير معروز بدا واي أو الشار حكة تشيار أر مجارس، كتا أراضي تخذ براضي

دا دونادند بادین زانی دانیا در سید دادین این دید ایرداده در مدانند استان دید

کا پر تنبید ر مدرخر قدی زیر به در به داخت بیت از خرار می طبیع کا در دلا کا معا داد خاندی از خره طب بهار ۱۹۰۹ خوسد ۱۹۰۸ بود سال بر خار امید کا در خاندی شد يون بو و د ميل څه سيد کر خ دمو په در خو در غيز خو د لسيمن عالا د بي د در باد د پلا هيد د غر د خود فوي هند داد د د داد چه

از فلک د در زموان در بردی رفاند شما کاری فاکن حاصا شره در دری بد شد د فن ۱۳ دری مدر ۱۳۰۰

رایکه خاز ز ساز برای دید در زماد ریز ما در امین داده ما مادازاد ۱۰ د بنیم در توراز ار هاید الا

ه . شهر در تور کی هید الا اینه (شراط کام و شرک و توجه و بر براین و جوانون که «کهان در»

من بخوص وقد التي ويه حيث كار ارت ارتقر دي الاستراق از في الاستراق كدار مازاند والري الكدار ارتباط الاستراق ا وادر إلفاء ارتباط الراق الدين وادرا

دو فارخو دوی مصنوری میشود. رادی قال دول راده دو فارد دول درود دادی دول دول دول ما تامید در این پیشا دادی در صورت راد در تامید در دول دریا ار دو شید پارخه انتیاز نام خان راشموره در این دادهای انتیاز از ایت در انتیاز در شید بار ازاد، داران بنشا در در

در این خال بخش در خی عاد نیدرا در شان در تیده سرد درد نیدریا بدرز از رسال به انقد با میدادان راز در باز میتاد بدر از تیداد با در هر به دری در هند بود

ر او در دوند در پرداد دار در ۱۰ درو در هند برد ۱ د ها در هند رید رشد زنید رست ۱۵ د ۱ در در داد ادارات داد

مرون وزار زند و المراسد و مراسد مرتان مرتان

الرحائز الرائية في طاعمي التراحة . بدر رب الراحي في طاع 1990 ، فان الكاملية را معافريدي فان الكاملية الرائية في الراجع في كام والتلاف ، بديد الراحة ، والله والله شاخلاً بزار به ودرخا مراجرد اعلى وشاحران تهذم رة برايد رمايا خار

ر المثل (10 ملك معران للبند طبق من شيدي في ي. مر أنور من لكور يشير ، مروف

Actual as as as travel for London and as the

د را شده. بادر را میچ شي ۱۲ زیر به صبقه در پر بنو

در الشارات في الدي الرائم في الشواد في الدوم الما القار القار الما في المارة في الشواد في الدوم الما القار القار المارة في المارة في المواد في الدوم

الاراغي خالف ميث بما والي يورغ سيلاه تتركز في براسايه لايف واليه و ع ما داد الداد الداد الداد

الراهد وقرائيا فتوجون بريب فالأهب a da tua wilda wilda ta kiri Ji wie

ضائدهم فالموارقة بترم

ي داني طي دا داد د د د د د اداد د د داند

لدكتيا موطالة والتابي والمناية

ز چې د کردر خپ بر دری. د در د دری دری دری

الله المنظر عبية طيب وعلم يدير الطابوني بن الارتجاع الله الأصور عبي الرغية الرحاني الارتجاع الرحانية الله العلم الله الرحانية الرحانية المناسبة الأحداث الأرتباط الأ المناسبة المناسبة المناسبة الأحداث المناسبة الأحداث المناسبة المناس

ينه اور وطوران حيد شديده رقم بديدن . ينه حرف سرد اداري و ادر در وقتي وقتي يعهد اداري او در اداري القبل الشار وادار وقد ندر و معام رفتان واراقيق حرف احيات وقد در بادد اداري و موسوده من الاساد وقد بداري ماه حرار الاساد ويا الاساد وقد بداري مرة حال!".

anis in in the

The state of the s

به اداخت خطایش آمین به دربیدی و دربیش آ ۱۰ دربیدی ترجیایی آبر بیش ادا بازنید به هانی بر دربی باد انهای بیش و دربیدی بین بازی زماند و شوی رکش رکش و نیز دربید

خي رفعه وقصول وقتل وقتب وقتب وجو دني. و خامل خياة فياد ترب تردي بر خارج (con ) أن يار (con )

در احداد والدور و مشاره الدور و الدور الدور و الدور و

على ودونياغ هذبه ولمان جنود استان يرجز نواشايه ولمراز ترميات خيا

رز بن توادیم باقران تر ام م اگار اهم. این براهمید آن جها تنظر بن امریع افتر د عزارتم با افزان به طریع، عقیانمید، به باز واش فرواهی بران بن احتراء برا افز

ينه ومري به در در بويه حدد را تهم نبث د خواه

ر تي پيناد لينه عن ۱۳۰ ، بينوه پيناد خو ۱۳ کاري در قر، ريند از ليان راو فيله ۱۳ در در در در در دار ۱۳۶۱ ، در در

ر را دی را دی این انتخابی در ما باشد. از بهتر و را جاد بر بر دا اما در در در ماد. باد اش راه ایند در دارید شرای در در داد ایا شاه را

رای اینشانیز استیاد طوائز مین ایدانهٔ فاها با و افزوز اسمیتی اما میانی و او امان امعیان ۱۹ افزاد و امریان امان ۱۹۸۹ میز این حام ۱۹۸۹ می این در در ارای اماره ایران را برگاری ۱۹۸۶ می خرائية والجرائين والأمرائيس والزارا فيس and a separation of the saw

لأبية فأهادة متاكب فارداني يتوسكرن

زود (مان) ي خارج ۱۹۶۸ مو متد و عالم

عام م المدور سالة مر عالم مراوي

فيه فران في فيه شاره (۱۹۰۸ مر کيو نتي و عام موي براز شاره (۱۹۰۸ مر فيز لمان و امران ۱۳۰۱ کار پامي و (۱۹۰۸ مر فيز لمان مو وارز امران مراز نمور ماکارد در به امان و امران مو وارز در در مان امران مان امان امان

دار الدسور بروسر كار شاه پر در دو به در از در بها شاه دار پر در دو به در از در بها شاه دار پر داده ده در به در در

رقي، در لي مي شرحيا، ها خد هر مياييس، فتر ير كيد الايباد هي خداكره رئي إشار هاريام ند بيل هي

و خادات کے اللہ طارقان نے بیان کا ا کان رفین رفاق رفیا کے والٹ رفیل بیار خادل در ہر ہوا تھ

## and the second second

ر المحاول المحاول في المحاول ا المحاول المحاو ر اکترا تر اثر خرد بنگ بزائر خم تر اشن درد کار کار دار از افرو بندا شید. معاد فدد ما فعید آد شد با مدانات

الي لير فيداً بين سول ما قو عو اسؤة عبر. و أن شرو بسم فنفورت و سرنا بالأواطعية. الشرارف، والأواطعية أنها هر جاد ما درك. و الام راقم.

ۇۋىرىڭ. 1-ئۇرىرىتەردۇنىكىرىيەق 1-دەندىكىدىدىدىدىدىدىد

تراميشات بتراي ماي بير ترامي ميتارمخ الزد مميتارتين ميشد در اداد

الزند تشكير الرياق في طبيعة في ادارات ادارات الكفاء ولي فيز 1990 والدوارات واليو النهام وإنجاد في فيز والي اللتي مواقعة الرياد أم المارات الكورتية "أراق مراضعة الرياد أمام أنا فكريتية" إلا مراضعة

دي مراصد 5 الله مكونتنا" (قا براضايا ايران الياس دوعان مايد.

ı

رس میں میں اور فرز افتین بسیر بر سند واسلی بیناہ پر سے راسی بعثم پر شرح طف بدرہ راسی بھر راس بائر راجو ہا بشر بر می ادی ادار ساقیہ

در داروی تر تقدیر قایم در باز را دی خا درک در تعدی تا فاد حکی بندا باشد در تعدید درک که حقی از فرق بندر در میده رفته در نفره بر ادمی بیده در انتخاب معادر دردی گیر بند در دردی در بغیر فروسی که در

يند در دوده و مير مرحي دي. حد دوده در چيپر عائز ادويي اد دار در هو داديا ديد در امد دي

بعيد هي آخرد ويشاهل ۱۸۰ يعدن دي ساحيد دار پيدستردي پيدود ز پاهنرد در خده داري در سان باد اسار ديد

 فاستر مناصر از نزاه الهاب الهاب داده . هذا الله بالله الهامنة باز من از حد الهاب معامر الله بالله عن الم عله محالاً ! وقد الله تقام نو المدين طبيق ، البنوي على .

به د خون میت و بدق اسمی درج دید. ۱۳۰۰ ۱۵ د در خون برق ۱ کورد و در درود

بدو مع خود بو ۱ مود و بو بر دور نامه تشهر شو (۱۰۰۰ شاه تر وق بر ش اثباه شروه بر الانبر شه

المناسق واليان في الرواه في الامراطيط مراه (۱۹۵۸) . در ا الار داده الامراط ال

اوندهای ۱۹۸۹ د فار نند د فاز د غزا<sup>ی</sup>.

ه مراسق موردرده. در ادر درد بر ه بردادادادادادها استوری می درد میشود استوانی درماز دروستان فالدادات واستراتها بالأوا الاتيال وا

والراضي في مؤلف بيناه المعولي فتني

فرو بد بند و

ك خفاشران فزاله بارات دويه شي

، دو بر دیاره در داده در دود و بر دادی. اساسه دود در دود دود

رائع عامر انتواعي، حديثها إلى ديده الله. وي معامر عدد أبر فيما دوماً، وقو ماكي ومالي

237.51.7.7.55

و مهتر در د شده بهتر دید دید در داری دارن شاه در در یا دریا

ميد ميد چه پور چې الره څښو و خه فيدي ۱۹۵۰ ايما در فير

لی سے قابل کے سات کی سات کی سو کی ۔ سات کے بھی ور سات قابل کا سات کی جات کی کا اور لینڈ مراکل ور قابل میں قاب کر ان ادارہ ور مواد عال ما ارتاد المبار یک اور انہاد می مداد اعظا

على ما يما قبية بك برائها فر صاد اطا ما بقلة يعلز براعتم، قد طرحون في قامير، 1997 طروع بي واحد يدر الايراد والاعتما يداعيم براقم أدوج إدران فيها أنك

۳۰ رژیز تر ها تروق در در در در ۱۱ او د آدو د

م مدرستا جها نتها او اسال خود. در انتخاب هاد زختر فرخسل ۱۹۰۹ بر فرز تطری هم را تبدهای دل عرضتر زخرم بر تزار زن بر طاید بر خط دورد افغان عدل ترجمه در داده در داده

اد مراح و الدخاصية في المبيد التي رفيد 20 رفاع في المستقد المبيد الم حراج في المبيد هذا حرار الدار و محجوز عوا مجاور و المراكب المبيد المبادر المبيد و المستقد المبيد و المبيد المبادر المبيد و المبيد ا

الاها بنا انتر ماهيم بر کړې رين بن د دا څاه نفات بصار د کا بخه

شرخة دفيات يتعيل بريلا بينه. والأفر وشقا فينامي وي ريبون ريون من

بالدي منظ المحافي مع الميووريون من المرا مرحمة الرقايا الأرام الراب إبدالها الرام ذات المحافز والحج والزار تربي ومرابعا عنها

ە قىزلانا دەنىيە يىلىنې يېدىن خەنىنىدىن شىرىر شىرەردەرىي رىزى

یات اماز در موس فایل با بیمان در اماز نشریات برای باشاب فاقع احدید، واد شار بر مرس در زمیر ایساسی، تالی مر مکمل باور، برم افا ما فادید می فاهن AND TO SERVICE OF COMPANY AND ADDRESS.

فرا را ورزية فراد بقي في ١٩٠ عدد sebiles o de la secretaria

بردترا راضيه زريم برعران العورثين بتراديم وطاقا مط

وسيتهم تشرشا

وتوجيع وشو

بريتر والوسولية بدوار ألوفتون

ادرها در دان و حسل ۱۹۹۱ در فرو نمش بر دادر و کناه اصرال حکر پردیش شد در دید حکا خار اصرال کردر بیش بردار خاطفید خان با در جد اطراق در ایر انتراز خاطف در ادرای با در جد اطراق در ایر انتراز در خان انتراز در ادرای

به فریزها معنیتران عدا دفریزان وروپر طار ورسا دادروپرسه ازدندرسور ر

سی دین ۱۳۰۰ بنگ مطارح نیز رخت ۱۹۹۸ در تهدار رخته در تند، فار خاد در بهدار نودگر باد دادهٔ کردهٔ رخته کهرید

بناء داده خرین در جاهد خورید بنگ ایر از برد شد در فتره ۱۰۰ برد برد در دی. برد فتاه شام بند از انجا در فیچ ای برد اید رف رد برد ایر انجا در انجاب بزیر ما بیشار آن ۱۰۰ ک

ه ها یش ۱۱۵۰ برمیز را خدا بر نب در از پیماز ۱۱یز ۱۱۵۰ میل د رضا از ۱۱یز میز ۱۲۵۰ بنتر بر ۱۱۰۰ بر راز را ۱۸ ۱۲ ماغ امیت راها براز از اور رات اوا انتقار ۱۵۰ ۱۹۱۵ در منا ای ۱۹۵۹ اور راما ۱۹۷ واروخ مندوه ۱۹۱۵ د. بدر مسئل نمال

اد و خاطف بر البح لر الله والثاني وشاخ عاد قرق حيد الله (۱۹۹۰)

ن په په توند ي شمو در اي تم مشي دريب شاه د کما ده

راه افا دو بر چاتی کې ت. خد اد د الیکنان اندی در موی دی در د دی.

د در در ما در دره ده. در در در ما در دره ده.

رفز مدای مدار و خربه (۱۹۹۰ در کرد از رام کار زرامی طرق بامیدار شامای ۱۹۸ مادا از رامین ۱۰

وهن . واود از بار الفقوار طرد الار بر عبد الفار

روم پر ع صور و صود در سید صار بادهای در دید در ۱۹۱۹ با کار کید در در در صور در کار درد باده باد درد

یت جنرہ مار فتر انہ و مواجع بد سوال کی جود حدد معاد عدلت فدد کا طاب کا در

90

شمّ مز افراب سالیه . :

called a self-called start of the state ولى وقوق وخزو الاخترال الافد

فليا يواز وتجاز ليواجر فوا فالهاا والم

بيزاء عراصها والالوار حرازق ميؤه

به فوق هر ده علاهن مزيمها در اند من مندر بندر مروم بعر انبذه این به نيد هده اند

د خامد د در پولو کا سفور م ر هر قاد الاهدار ر ساول د غر در د ادار فاعل در رهید

نوه واشع، باد بهر باد پشته پر او صبح عمد من استان طب و پر به باده ۱۳ با نقع ام عمره باده اما و مرحمه ام مقه روا بعرا شکل شکه ای ما از نقو ماده امن ماد ۱۹ به تا تم ۱۶۷

ه النبود به بازا و هاوان در اندون به ازدند معید خش ادافاد از دنیا بازیان حق در دند دخت همه آذاد مورش ۲ بغ دند درا ادبیات مغ

الفهاد الذال حاور بش لا يرق هند مرايا الشيرة مرة مع بطالية الدائل والذا مراكز من في الدائل التي التي وإذا الإدائل في درب الإدامة عد المواضوعية ، وإذا ويه دائلة شعرة الراسطة الشعرة إذا يشتر بدائل من فيوارش

AND CONTRACTOR OF THE PARTY OF

A DECEMBER AND ADDRESS OF

Annales de la come

الويدن من ١٩٨٥ م كوست و عرب بالقران

40

اسط در برور افع طوطی اسل ۱۹۹۵ مرده افده است امریطی اول در ۱۹۵۵ مرده از بازدین امریط امریطی امریطی در ادر امریکی بردی مرفی امریطی امریطی امریکی از رابطان افتاد امریطی امریطی امریکی امریکی داده امریکی مد درد داد داد داد در جا ای داد رقاع بد داد داد را داد با درای بر در در در در در در در در در داد با در درد در در در در در در رو در درود داد در درد احدم مو". در در در داد در داد در درد احدم مو".

و استان المراومي المان الروائزا". و المؤورة الراسان من الروائزا".

ورندار بر ۱۸۰۰ بدهاد افداد شده شد

د در در دود در بهر است. ر سر د.

عليه وترويت مريض يرضي و مصد عو استقر به فيماني مد و پرويد ترايد بولا عور صورت م به و الدائز مير في مد من من ميا شاخ سه 174

ان و الان نور پر بعد ش من سواستے ۱۳۹۰ اُن فر اللہ اور الاباق بات الا وقو اللہ الار اللہ بات الار اللہ بنا دار اللہ بنا در

جو الخارخ مرافقات والان فيقا والانتخار لعن يبينا بر مرافع بعال والنصوة بينا مرافقات الأخر ليعين في

د. وطرون نادر می شیر شهره باده ۱۰۰ ما ۱۰۰ و دو شدند تو در در در امر امد

اه مدّه داندي تجوز تر الأوافدية ان 10 المبارد التوراض 10 السرامتية a the Areks or a late set.

Contribution and a second about

هو و هر کافور مید بند تا را زیر \* دا دیدهم نیز میری

والي به الاستوانات الريادة المرود والأولى والمرافقة الا درس براحية المطل ولا يوالي المروض المروض المرافقة المرود والما الطال والمراضقة الرياض الرافقة أن الرافقة الرافقة الرافة الرافقة القارض المساعدة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة

نافاؤ و خبار مر نماز ایگاه میان در اسا بر ما مطالحه او امایه در این میانی بر فروسه آن مر باید بردانی بردا این با بیان بردار طرح این امایه میان بردار از این حبر این امایه است است و مایه این بردار از این خبار این امایه است است و میان است بردار است مرا شده با از این امایه میان بردار این امایه میان است است است است است این این این امایه این این این امایه ا

در مرسور کار مرسور می هن در بر مرسور کار مرسور مرسور در در در مرسور

٦,

بي في بيان و اللي مكان و الراب بر در و حب راز است براه الله الله ها 100 و دو يكان على والدر علاء حاجل الارد الدام علامة به خود فعالاً

شاهر بوجود فديدا". پرديس مقديدة و موروسي بالاسيان

بن جرز بق وقد خرفو به طارق خربط ربان خربط اليور وقال مع فقل مدية قصيه بدا المديا وي خال مدين به المدين المان ساله بقال وي خال مدين منيا السوم بقال الرابط خربا إلى وقل موزيان طالب وقال عديا فعيد بدأ ان مناه خديد زيبن من قالت الالياء المرمود

التولي المدا في التوانية المداركية المداركية

روا داور احد و ده دی د داشین برجه کامل برجه از بریاض ۱۳۰۰ در میربردی ۱۳۰۱ کامل این انجهای ۱۳۰۱ در داشی در در ۱۳۰۱ در در شور شده ۱۳۰۱ در در داد داور در

SELECTION AND RESIDENCE Carlot St. State (New York St. New York)

00.00

Air The mit Guiva

خسات لزير فرين بالدارش منده وبرزيجات طرايبرش ف

د میچه در طوره پور ب 2 ها شما پایمو رسو بر از افزه او بیاه اماره شه افکال بر ۱۰۰۰ بدار از بینه تشبق او اینان وران ویژه ایش نب بر افاداد

الراقع المراقع المراق

فارز م معرابات بريد طاويان رائي يوما ميكيد (۱۲۰ قالوم رائيس (اين ۱۲۰ ميز نيد

بالرجي في الرجي الاصطلابية عام فيا علاقات عنواسم ما الاستان بالاختطان والمراجع والمراجع

هوا خد جمر نی بر سروحی با

هد حضت واخترق بعام الم شبق بجاء

۵۰ بیرو در بند و سودوه کنار بیزه ۵۱ گیج رو دیر سانزند. رو

علیہ اسابہ به هی استرادی بینی پروٹور مدر اوجه در اوسیا درجہ مو اور و بن ارب فار کیا در طار از تدخیط در اور و چھ

ب الكراني من التانيات ( ( ) ما ( ) ما ( ) ( ) ما ( )

رامیونی ختیه ۱۹۵۱ بین ۱۹۰۰ ها، مکانتیکی بر ماکل ختین خاد بیاد از نیز مقیدی مکانتیک ماکنده در کتابا در کتاران در نتیاد در رومید در کتاب در در نتیان و درودا

مد در خرب و دود. دارگنم خرب ر مده خرا ورمه زنند د دا با چه وند.

به مورد رسو ۱۸۸۰ مورد رس. ب

بتا مرحات مولان بيرم برايد

الله النفوز (( 10 مع خراء بقارات) في: ، الا إلى . المعارات المام خراء بقارات الا الله المام خراء الا إلى .

والمبد يتستهد ونيسا يتساهر

### يدار ۾ در سر بلايل پيروند لارنز ا

شده بای پخت ۱۵ افز در انتیاب بای بخر فرق ایر ز در تر نمری: بای کند فرز شنید شور از بایان در ادر تاب

## 2 - 8 - 2 3 to 3 to - 4

و مدین این میرد این میرد این مدین این میرد در دو در می این میرد در این میرد این این از این میرد این میرد در این میرد ای

and the six of the first محرفتي وفي

جزار مرفرند بنزرت راغيرمي

ده طرع شهر دی در بید در دید داده در داده دود کار کی باش ۱۰۰۰ می بیشن دار در ۱۳۲۰ شد شار شراعی ۱۳۰۰ بود و در شاهر

د چې اصوب تر خود اور درهن خون اميان و څا

ای مراهم به این بر تیدار از خدافردی جدر ایام به این بر زیار مین به اغیار حرار ۱۹۹۰ بخو و برودی م به امریکی خداوی بخوری به برد به امریکی خداوی بخوری به برد

بالدَّانِ مَعْ مُا مِنْنَا اللَّهِ فِي النَّهِ يَهِا، عَلَىٰ فِي النَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ النَّامَانَاتُهُ ، عَيْدًا مِنْهِ إِنَّا عَلِيهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ ع

نت پیند سید بنید و دوست ب سرد شیده برخواستی باده سیاد نو پرواصع شیده بر آن شیده خانه درما (از رو پواد د اول آن شیده باسام باشی باز باق در بس بر آن آن مید شود و شد بخوا

۱ ماهراز نموانی راجایی به پس بر مرافق دی افرو شد. انجهای از ایروزشین از ایر دم ۱۹۰۱ - نمر شدهای از رکناس بعد ناشد د ۱۹۰۱ - نمیر شدهای بازد ناشد د ۱۳۰۱ - نمیری د ۱۳۱۱ - براه اینان تازیخ ناش ۱۲ - داد هي پر صورت راييد خير را دی. دي پر دورو

های پیدا در دو اتفاق دورد. در این این در دورد اتفاق دورد ۱۳ دورود در دورد اتفاق دورد

کر مشاوشما بنشایش نی مدخان دور یا پیرنا در ایر بهای ۱۹۱ کا کان می با خوالان بندید دان صبی کان امیر

## A Chair Con-

عادية الرفاح بحرار بحراب والأخاط الا

ر فسید. به زیر به ازای شد اشید. بازیک فیطری را نمید کاردی باز این طاقت نتا، دی در این در ما از هنتی رست بناهی و خامی اردین داده اشته پیدوست دید ۱ دید ماها مر آن این از این از ماهی در شار در این در در اجام در این اما را های در داد در اجام در این اما شار در در در ماهی در این در سید دار افزار شام در در مدید دار

الدیاه مید ک بطا پشتر پرکید فی در به بدر مجه خرابی به بعد حد به دید

الوم نفرة في تنظير ضيفة بالمحد وجود روي قد خاطر تبديد قال مناسقوق من توقد وتنوه و المائح من في ترسيع الارتفاق والزيد القرن في احد المائد والروي مع حرون من والمراز عامل حال منذ والروية على يتلا

د طرقا در شدر سکر سرد و کند بینگه در دندی حالات داشته در دادر سند بر این این اطرفا دادر است از در در واور از و بداد دادر این اطرفا را در دادر استون این دادر این این از در دادر استون این در دادر این در دادر استون این در دادر در دادر دادر دادر استون

وينونون بالناد

فتخاط برعراض بغب بمجد بكوه

مزارا مدرود تقويما طراراه فهد بالمادات

يو يومز زعيق

ماؤرا خاندادان ونتاسل برسوید فسیسیا اولی شامتع رازند، برطا بر آرانبادانان او به جب وداراتان و شده

۱۹۰۱ هم در این جها چی جا به بیدارد برا در این در داردی کندی در نفر بیداد بید سه خود ۱۳ جهاد در برای ساز دیدر ساقی در بشی رفته این در با های های مهید بید باز در چی در بیداری ۱۳ در در فرقی در بهدای

# de racella cui lis 🗷 les de little

الا فراق الله القيار فرايد الإنهاء على دريد المراق در حجاب الا فقاد في إنها الا طوال الإنزار الا المؤران دريد على حال يقرو حدوث الا الا ال حجاء الا الازار الإن جار الا على الراد دراة على الم علم الاناز القيام الانزار الإنزاز الانزار الان ودائل بالبيث منابط بين ه ( 2 كابا و با رياد امن و اطرار الم البادة والماليات من الباد الامن و عن اداف و عن عبد بهذا معن

ان کیار طرق هره این ۱۹۳۹ رو فهد استو ۱۹۱۵ رو ۱۹۳۹ فاد که یکار تولید م رو ترفته فاقی فران دول رو این روان ه

وه تحان مروز برجه التي تراثره وفراهان خيروش (دائلور در درد درد درد دردارش دردارش

کار اور چی کی کار کار کار کار کار کار کار نیمینا خر کی کارتر مال صدید کی کارد کے لا کاری نام عام

منا مج با در غیاج دید ۸ د برد. شرح سید در آن شاش چه هم ۲۰۰۰

ها، کاستان می کا طار توید بر به در به در دو فهن مکن از فعاد بر اگریز ها، هر دو نظیر ا فتاد فار در دادهها داشتان می دهای وداشتر فتار فارد بر در داد به و بادو فتار در فارد داده در داشتان و فتار داد بادود دادهای

خار طبي من الارداد والمناسق المناسقة المناسقة المناسقة المناسقة المناسقة المناسقة المناسقة المناسقة المناسقة ا والمناسقة المناسقة المناسق را الرف و عاصر ، ورها المها بوري وي وي ري و دادا الحديد الرف الارسال و التي الرفاق ( الحديد المار الدي به القرار الله ( المار الوليد الارسال و الرفاق المار المار المار المار المار المار المار ( المار الوليد المار ال

بالطالبتين والهراج

قاملن جناد وقع هو العادرة السنة...

التوراز بونية

به قد في وار واله شد رواداشت بشر هم طي دان واز واله وال ادر ال سيد راهم لد طوره الوارد و است را دانيا هفته روازي هي القد بال والوارد ال المن الفله المدينة طيخ بدر الراج الاولاد فيزوا والسايد الراء والد بنط برنام الاولاد فيزوا في بدائع بلك

4.12

الوسائرنز دید ۱۳۰۰ سر فید بر امیش یہ پر پیروس ۱۳۰۰ دی خلت بورز نم ، شک در زی دینوں در شتم بر سید در تاج فادی آنے دید دیدہ ،

والمراولان الخرار الواباة

يتعبد بن عدمنا هم هيد و مراكة عوس

المتهام والراها نبة

ونشا الرشر خزاها دو واجه فرد به وروزرفه در وادوشتر وادولات دروا غیر اور دروازرف و ادولات در دروا درواند وزاعد دروازرف و ادولات درواند وزاعد دروازرف و دروازرف ادولات به ومرواز از دروازد دروازد دروازد

اده فطاری: cm بزار شار خیس

لافته ماستنيد التؤومينون

الراهان بالبادي فنز باراغته سباات

stances of a disease of

الد الدين في الله المارس في الدينة ا

را المائز مد بالدار بالا الدين إليه الشيا الموافع المائز (190 من الدار م بحق پر نسبه بلاد خدم بحق طا الثالات ال و من بحق بلاد جدد البتا الميلا المجاد م نمه إلك ميله إلا الترافق حميلة المبارد من بحق بر نمية المبلدة إلى طبية بمثلة عاملة إن ما لك بكوري ها المبارد

نان نهاد بدائم نفط مل مرجد دریانه مو اللاشتر از مردیانه مو امرمه الاستان شد معاد اینداد اید انا مو امرم رفاسها استان ایند انسان اینده

د بد کا در نیم بقیما تحق بین فاعل پید رکار نمید در کا تین به اگا امیاز بیند کاری آن با به درد د کر در فرو برد رما کارکیانتا که کار دورد به نیز آذاد یا داخ بر بهران نموندگر .

نا. بالانتهام ومراسد و موسع براس اد معتار دود من استاد المراسط برانها

دو و جود سې مي د صور په خو در ويه. امي د عاد خپلار مام در امدا در سې فاد هه. و بيد د دوه.

دوناو 1 النامية موجعة والمعروفة المعرومة ا

اليه عن 10 كار بيا الأول ما صالح المع ما 1941 يه المن في جوين الثاني طال من الديد ين هذا است. إذا يتو يندو بني

فاعظ زرخم جهرالارمعومهو راييد رحية فاحرية كيفارات برايسي بر

ت په داد تندي درد در مورد درد. په څخه د تنځ پر مور مورستو ر درو

الله بالله التقارز من بي الوسيدين وه. الله بالله الله الرامن في الرامن الله الله الله الله الله الله

عاولية. عاولية مقالة بالعوام مع السرواني وم

رانشان جا کان تر میم ناسری بر روح محقد و فو در نامخید بنان زیل از بعی بر نامی در نزده

Per Period Contraction of the Co

هده در مرو رهو، ما دره عين عن و شام و تو در از هې. ها، در دره رهو، او اعش ودرو را در

ک می مود اصوره و اطلق جدری و ایم امر ادر امار اسا ادمام میودد روم داد روم داد امماع دد در در وجار کو ادمانها در اور در زید اشامات

المقال الاراضان سترين ووي معونو

NAME OF TAXABLE PARTY.

ميلة بعد اله واقت الابراد او استيد والوراد ال معلة ذي والديمية قوم القليد وإسرا لعرب والقبرا معيد والفرد بالرياضية بقراء والدور الأواكاء الترقي بذكار بها والما وسنة

# . . . . .

۳۵۰۰۰۰ ما بدانید این بازخر پر نید توزات فاد به بدانید این براخر پر توران در نید ر فاد باشد باد این بدانی مطار تر نید بر بازی بیشتر اینا اظهار در ۱۳۰۰ بر بیشتر اینا

بو مهد احداد و شاه الدين ما البدو و مشاهم العدل و اير استي مها از مه م دو خط علم.

حور طرد کا مشاطلات به در دریایی

تجريب والهازار حسايب أودوشان

بالا أن أيضا حرّ من كوّ الأولى بدينة التي عن كالب من رام منظ مشاركات برسط ورقد رام المر المشاركات المشاركات المشاركات المشاركات باللاز عند الاطراق المالية والمؤلف المشاركات المؤلف المشاركات أن المشارك المالية عن المالية المؤلف المشاركات المؤلف المشاركات المؤلفات المشاركات المؤلفات المشاركات المؤلفات المناطقة المشاركات المؤلفات المؤلفات المؤلفات المؤلفات المشاركات المؤلفات المؤلفات المؤلفات المشاركات المؤلفات

ی در ۱۹۱۰ که بدخار دادول شهر شریع موسر د د کار خاد او در اید در داد کنند ی داد د ارشد عمر ای در این د ارشد عمر ای در این د این را در این این این را در در وی وی وی در

۱۱ ترسون موتر ۱۳۵۰ بر فیده فیمونر میں اطرح ۱۳۸۱ بیشتر بنون طور باد وال در 195 فرنگوش ۱۳۸

## د خون د خواد کر خان ایاده خط هنال کر دی بیما مین بیشان باشد

ران در موروع مین کیرنیوانس تابیوانس مقامه دن افغان

## Assault

بر به از این این او خومی دید ۱۳۵۱ ک این از هم او کاپ کاپ کار دی او ومر البون او که و او این او کار دار این ایس

## Authorio:

A Long of supplementation Season America communication of the design of the second Acceptance and the last

سالفة لزلجوالة لتراثق مرجاتيون

الألال فتأفستو وعواجه بدعو والر

به سار در در ادر در ادر بد. ۱۱ در زیر در آبر زیرهٔ شده ساز در ادر بزد، پنسری در ارهی

برويةونو. مرانية بار

الرسادالي فليام الإصفي وبياءه رير

ليه او الأموال الرئية الدائمة الذات الذات خط الله الذات الدائمة والرائية الذات كر معارض والدارات والدائم الدائمة الدا

4444

خارا مران (دائر شائن و یا مناصب رب ۱۹ نیشا ضید بک و داماد اینا خود

مید مید در در مادیونیو. بخمر در ایر نیم میڈی این در میدوس

411

جنا اور داداد در مم رتب پهر بهندن د نيمر او دادير بلميليز مند راند در پس ادر نيمرد خد افاه در اي اسد الله بير اي رزيتر parameter and a subject

ر الدوليون و السعادي الدوليون و الدوليون الدوليون و الدوليون و الدوليون و المسابقة الدوليون الدوليون

والشور كوافأ كالاقالية والمراد

وی و میازیده است. در خیله در سام ۱۹۸۵ در مغ پر تهدات

الثانیة آورا برساه طیا، مثل با در از این اشانهٔ فیزه و به انسی، مثل ایرین در واژه ی شند بخش، این ایژه ای از باژه در بین به ها داد اد بر اثار در بین به ها بیز بشانه در بشان میز زادی دین در ای اشانه در طرح بیشی

مامو را شهر البلق، من في الك الفائد من شهر بن السنب، وملكي الدائد # كال المسائد water a fall dia rapida basis. النشر نور لشرونية و

مه پند خارد زاد اینا طلب مشد رید 3 بنا ادریک ب د وابری کرد رید شا زیس شین ها، در ایز بتین ۱۰ کار ایس شین دارد بعد در تبدیر شد در در داده

- ومشي انواز خوام در انداز مورو کې در 4 کا - ومکار معارز غار خوان در اي انداد م

۰. وکړ مور نور ښو د ل لند ... ۱۰ د څار ما زادې از نک ده و د ښ. د د څار ها زادې از نک ده و د ښ. د د د ه

سره ها ده ادره بخد زاند ن روز رین ۱۹۳۹ و ایمان در طرح ادره فقار کی دک ۲۰

فلد ولا لا يسمو آمري بخلاف پريدي پرستا نيش او دو کار کا در اراد نو در مغرب او پي به برق در کرح داد بعد ادامه او في اين در در دار اراد کا است باشد باد از از استان و داد مود از کا ستا

به داخیاً و طاع پر در درد در ترف والدی اشهایت از از ایند بر وی مورز کی درق با از از در ایند در شد. در از رفایت داد با در از با درد دیدا درایت عاقبه مشار الراشان و الراشان الد في حرار الدر داران مراز الموادر الد

رده در زمر فعن میل فرمز من سر بر بخ در فتحه غر دیگا به در فن هایج رفایت از نیم فتید از نیز در فتری فات

رات الدول مند صحيد از شهر خاص الدول الدول

ر این از تصور آنگا در بیته. میدانید دو این ساینه بخر

و ما در د فر شویش باد است راز باد با در قاری داد راد برخ دار در در در قار دمن دخیل

دن (درمغ خدر برود بر هدر معز معین مرین بط از بردامته امدی ایت استواج در اند را این در در معدر بر بطر از اید ادر عط این عام بردر وقد بر مداده با افد و خداشته در نان که در چه خام دارید، ها فلا تمین فسط کرد تنمیان خیر واقعیان خرج افراد و افراد که کار کار در افزار در افراد و افراد

استهان متر وقاست میزد اشام الاستهان التوان التر التوانیان فرد الرداد التوانیان التوانیان الرداد الاستهان الترانیان التوانیان الترانیان الترانیان الترانیان الترانیان الترانیان التوانیان

The fact that the second

هٔ آی، تعین فرزی، رفاعته زاند ر م، خاد ای در تو تنجا عند در در درون مده در د مشاه در در دردد رفاد رفادین رامهٔ جزمتی مطالع داد رفاد و در

اقان می بواند بر فرواد رواز از جوان را دی در باد رواز شرخ شر در بود در دی در باد رواز شرخ شر در بد در در در در بوان در در در داد در در در داد داد در در در بوان در در در داد در در

ری برخ فرنوروز و دید زند مرود بر ما فی ها او اداره بدر نحا طب بوره منط بدار اسد نحاز مارانسری، راد اداری افن در مرافق صیف بر روابر اداری بدا

ها، بيد بيناد بي فيأ تر ويهم بر خود از وي را الميد راد ايم آخر الرائد رياد الدارات و حريا بي طار فو خيد الميار ( ايمان ،

سيده و صداحه اليو . ورغم أنه ورحوسيو فارد وارد الروز ورغم الدور ورخوسيو الروز الروز الروز بدور وسيد الدور الروز الروز الروز الروز الروز والدور الدور الروز الروز

a car men and his

ة الدينية ميل الزائل سائلتوا إر بناة المرديان و مداعية ميران وزيادا الماريية وقالم بمزعير وبيب دنيتات

Substitution and the

Ar-i

روانلېمىرىنې دىنې روم لېلىد بەدىد. دارىن

باقی و خیش باقر اسید از خوانی دید شنوی این ۱۹۰۰ با مخرم را شده از نام آم نشق از اراف باشد

ر مجر در مده در نام فرستر در واد بده ایر استریک وجود مقر در شد در به در وحدت بیدا صده

وميتان نياد فيد. مد ته زن رو ورايت رو في برايز ان . راي داد رايز در ايال.

۵۰ بیپر در بها در بهاد فراند در در خاطر در در این نمین نما شد در بی کار بر بی کار بها در مراسم شد در بی کار بر بی کار بها در مراسم

شد بادمه دارد با بنواها پر هناده در بنزیا شی ایدر امی راشیا شاد روانه خید دار

74

الا باز والاستار مطالبه ۱۳۸۸ شرور برید. ادرود با ادار ۱۳۵۵ فی بر الدوستار طبیعی ۱۳۸۸ شرور بر

رهار الموساع هيدي به طوري المعود في مديدي المراجعة المراجعة المعاددة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة

ك والكنث للعمال منابق شريات ما الا مراد من الما الله الله الله الله الله

SABLED AND SOLO لوافن الرائز الرفاقية والرائزة فينارية

الله عي وأنو تعويد والمايلية الله المارات

reduction of all discountries الداجير وأنو لنبريت سنديكوا فبلا لطاء هلأ Andreas Anna Anna Anna An mest du assa

All or Diving half recording to the

والمراش عبريت بمارعوا لرديبها يؤرد

الداحد أقر كبريت بالكال متديهم كواج

بينها ويجزان تغييب بنيد لوز يتفريد فتراأ

الداجي والوائس بيد بالتبال مشاكرتيات سرما وراواز فعوا بها شق فسحت بعيد

الداج وأنز للريب منابع إطباط والأرواط

فارض بالرشريب وندي بتوكفا عيا

المراحدة والمراكز الربائف والمراحون

يعربون والمراجع والمراجعة والمراجعة

ها، و مناسبه دیون چیام خبوام م دینو د ادار فرانی به بهای در ۱۹۸۶

فاحا بالوشرية وتتواجه بالأون sa casa da da casa da de

التند علا عار د بن يقا فرد باب يبزعك

لأح بأيشر بمحتدية لردهري الله الدفاض طبية إفردهم ساعد بإداهم

لاعدال ليالي وتجوو

الأج بأوقر ليريد بتدوار بوهدات لا الله عنه الله والدرائية والأبلاد والراولا بالمراشه بالب بزان نود طرح شرح متبدر

الله في وقو شريب بنديقة أنه بيان وي:

الانت ایراندال را به عارا دا چی وقع شیریت منداین فاری دارینا در راکز فیرا زیرز عی مدد رست

ر وه ده رخو شد بهر عن شده بهر رؤ ده را دخر د ده از دران باز و درست داد اجریه دار با سال و انداد افز بسیر برای بر

داد باستان واشیاه افریسیوی برایی با واقعادی محل بنگیری از بخرد بنا کید افری داد با در دادری

ى بىدىدۇن با مەلىيە ئۇملەنتۇردىنىدۇن تىزۇمىرە قاشلار تەركىلامەن

را دید و هم دورد دار این از از در از را داردو دار دور دام قرم هم ماه را دور و دور روس دید و دام و در روس در از روس پیمسر داش و در دارد در از در از روس 0.126.42.00.00.00.00.00.00.00.00

بالهجة المتلايلة والتراقع في المرمن سن ا

رية. روية بر در طرطح فير فيميان دده الديرة ي رويد عنده بداح يراعز والمرازق الكه رايد عند راعان ما حداد نشار در عد

به افرائع چریا ۱۵ میا در نامیشد او در به رخ ای دادها بهرس آدر او با یک ت و قام دار آداد با نیز کار پر دمیا با مید.

و پُرِتْ از مِرِيْ فَأَبِ مَقِياً. مِنْ قَامَتُو فَانِ فَعَقِيا فِي طَيْحَة (849 مِرِيَّة رِحْدَ مَدِ يَكُوْ مَدُ

ر بعد مد رسان ما المراجعة الم

٠,

ي بحالاً في السلم أنه ود لم بالن الحالية بساطة ا مراً: الذي من أن من رقباً أنا الأجها في أ<sup>نا</sup>

، سبت رو میدارید - زیر د تو صورات

ترما بر قب می بازندا هره به بنید می می ر فرق او خود ماکند به بازند چر به مورد سم های باکند و کارترس ای با امان ایدانش شد به این به این بازند بازن باز و برا می برای برای ر امان به در بازند بازند بازند بازند بازد بازد های بید برای میکن امان بازند بازد بازد این بازد این این بازد این

رده الاصل مثل الاستون م التصور في رد ردك الاستون مثل أو يا مثل على الاشتراد الله الاستون على الاستون على الاشتراد الله الاستون الاستون

طر م المرحر المردانة عراقي الله عوض المرحد المرحد المرحد المردانة المرحد المرح

Mikilan Limiter Land With the last of the last the last the last Marine Marine San Company March and the second state of the second state of بمحمد بالرغيد وبالمصورات والثقا يبيد وتوسن وترسي وبالمعتم

### عبدوني ارياطرن و ضمر مدر والموادد در در

در واردو در رمز ۱۳۰۸ که مطالبه ستاند ره بادره در رمز ستان کانت از بادر درن کانتهٔ از شد در سن در از کان در دارد از کاران در می ساخدی برد

رافرسان والقرائي هو فيها عندها في فيرد نماه (مدام خر غير اير قال الله مكا مكاون با بنب يندو و بقي (العال إنقا با فارائغ المائق

ر بیتا ترون که میگری پر به بدخان پیامهٔ ماریق مادمو میگاهی شدند وچها می مادم مرکز را تیا مریکا تادان

### 340

من فرب شاه التديينية منا، به رئيز فتر لود التك رفعتر الخدار الأوان، ومنأو فليد، وتنفؤ وقدر رماؤ له، ومرافئ الدركة، وكف الأحرار بلغ الفاؤ ميذا رفانة جنا، يعيز الدار يقو فيق رئال

الطاء المعادر من الأعدر رابعة فلعاد بأنه الداء الله في المراجعة المؤلفة المؤلفة المؤلفة المؤلفة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة Calleton de audito con la constitución con

### -

ا درسال ليهاي هيئه ۱۹۰۳، ۱۹۰۳ يې ۱۹۵۰. ليه از زواني همد دوه يې ۱۹۶۰ در لويې a de la chairmanna a

4413463444

September 2015

مرور ويقر بسابق ونهر طب ولطر فيد بالمناف بالجيزان بالشرانات بالهيزانات بالم ويؤرون ويديد ساهايز يرومونة

the market of the State of

الله على حب يه فيلًا فين يتسلُّ الله يكون لها.

## پښتو ميد و مې پلز مين وهر ومد يومد پلامه يونه ميد ميد

الزيد از طار او جهدها ای طرد (۱۳۰۰ س. امع قبوج کردی در جد کالا او تا درداد عاد کال باشند (میان این دولا از استان با

مع سب میں میں رسور نیز شد بعر سب میں میں رسور نیز شد

بإقتاع بمصيرة فتسرك فيرور سم

در از کیارد ادافت و در او استان القران مین و در ادافت استان القران مین و در ادافت استان القران مین و در ادافت می در ادافت استان این می در ادافت استان می در داشت در در داشت در در داشت داشت داشت در داشت در د

فالترجة بجرفتن بنيزقا وفهرطية an index or other parties of the نعرا فيود يشتور فيجان ورنيا التر تورثها وارس أوا سرة فير فيل ينقاط بؤري برحارات يالد AND THE PROPERTY OF A PROPERTY أبا فرود الإنجال باسترد والني مر فساء ريونا الاستحاطى والرجاريم أعشارتها وتدر فود واقوا فر خی ریوانسید وجوا فترد، وقوا فاختله راعيون هاويذويرون abulana wateria carole

والمتزاع فتأطيعها وقراب والأرا

الزب التقول في طبق النام (١٠٠٥)

U, THE CALL STORY OF THE PARTY.

المح فارض يحابين ومضاضات

- un real property of the

ALC LABOR DE SERVICE SERVE DE SE

لود شد الدار الدار الدان ما الدان الداند. ب ۱۱۰ رفتها: الدانم ۱۱۰ در اشراع و الداند. ۱۱۰ رد ۱۱۰ رفت الدان ۱۳۱۱ رو ۱۳۱۰ رفتها: شرع ما الدان ۱۳۱۲ رو ۱۲۰ رفتها: ۱۳۱۲ رو دارد رفته الدانم الدانم شاهد الدانم ال

Control of City Services

ا يوالانيد

ويتم فقيسه والواقب

د ر ری در صد صرد پیر به را هم در برد باز

ر بودس. از در اسایر سن فیزینها ۱۱ ولایمو رز

ي قبر دي وڙه شيند ود کو راصي حد بله ود ار حي وي اميد بيت بديمد ر به خيد سينه رو بيدان ۾ سوان رو

دو خيد وزهار در وا

هر ساهبر و یان واید و برس در سراهر ۱۳۰۸ برای و آری و ارای و این می داند ۱۳۹۱ فیرون و آری در شده این داند ۱۳۹۱ فیرون و آری در شده این داند Only County of the County of the County

فالديد كالمؤال مؤار فأعرب إلى الليمار

سأعداد إبنا فهاراتها فيترب المح

بسار هرينزار هاند شراطه الر

ر شمر (الله مو مشار بعثار مثل بدريا الر ساد الرواح ما الاولام المام المام المراد مل مثاره بالأمر عاليا راد الدر معمل الاراد كراد برغ الله إنه مراد بال

> ه خود افراز پدلو متره تیز بندن دلو احداد در دو او در ایر لداد

ول احت از وجالا توالي لفظ خياه الواسم في صفاعت ( 100 بر لا

ده ادامه ادوره میشودان از این ا به ادامهٔ او بداید به این در زرتر به باز امیدهٔ اقلی هر ۱۹۱۳ به بدر کری ساید افتاد ۱۹۱۹ برد، بد میتاز افزار او ر دا اگر اید بازار ناد اید سفتی طبیعه ۱۹۱۳ دا اگر امیدار بازاد سفتی طاید از داراند ر

والله الإخبال ما حرص في مناس ملك بيرية رين 14 ب الدائم في الرائم في الإنهاد وليان بالدائم 14 برائمة القريم كريد

distriction of playing

بمزعه وخطره بجابر الدبيط

وقع شربید و ۵ ادیم اور شدادید از انهم ماه شرخه انهم وای در اسان دودن شبین بادره دستان شاو شاوایی واندرد میذند

دند، جائز غربہ فتا ہم ہم ہے فاقر از قرب ہم لاہی فتد ہم ہیں ہے۔

خراه کری امین تیزیون بیر وابدی فاتم ساعد نو سرود بیز بر تو ده داناند ماکنیده و اینا نی درای چی از

عادر باقديم وي البناخ روفانيد بقر فعيمز رضون م الطورية ربع

شود لمتيا توبيل تورياس بارد بهر خاه در قيد مدر ديوان رفتانو ديدالليان 1 شاهند ميش در ادر كتا بينت ، س

الما الرحم الرائيم في المنا في الارادة على الجوار الما الأرادة الرائيم في المنا فيك (1905 على الجوار و خا الأرادة الرائم المنا المناسب إلى الرائم إلى ا الأراد و الأواد المناز التجيه برائر شعر بكا برائر ر از خاطر کا افغان کیا در داشته افغان در از خاطر کا افغان کیا در داشته افغان

## in the

برس و بيو ومن سول دويت و نيو دو اد. بال ويماد دورة مذال طاق و القام ١٩٨٧ . ام خوا تقراق وا لاد

# والزواملية

رفت بنايا من تقديد بيل فق است داد ان بالمراز در بالمدرد من فيون الاستراز خود من فيد القدر ما مراز در الاستراز در مراز رياد مسئل الرئية الميرس ۱۳۶۰ ماذ القانول ميل بالاسترازات الميرس ۱۳۶۰ ماذ القانول ميل رياد مرازات المرازات ومناز المديد الاستراز منها رياد مرازات المرازات المواد الماد المواد الماد المواد الماد المواد المواد الماد الماد المواد الماد المواد الماد الماد الماد المواد الماد الماد

نور سیدان عبر دی طای ۱۹۰۰ با ۱۹۰۰ کا باهان عبدان الات ادا جاد حن از ادات ما ماه بازنید در شد غیر و در اد و ادیا در خورید، در این شوشتی در بیاره ها چار فیکشتید بازز او وخری بروشت در دانا فیک شدید بازز او وخری بروشتم

لله مستحق ما برشد أي سيد وارشخ في شر الله أو برا والي والديد الراح و بشر إدارة الراحة القارة في حق برايد أي على مرية الراحة القارة في حالا برايد برسط يا شر من الشهاد الراحة الراحة برايد في هذا إلى عدد الراحة بعدارة الإراكة حددان أو قاران خاصية م A STATE OF THE PARTY OF THE PARTY.

cation, or usual statement

ومالتهوم لرقر بورمر لبير

ولتن كرنوز فجال لينولر نييم رنيون ال

ب جرم دورد ما بدره دفت درد ر بیر میزد میز با فرد اختر در فرد مداد درد به بید باشا

مار دو را چه های ۱۰ تا ۲۰۰۰ بند از افتار در اسان فنی طریق رو دنی در این کال در میشندی شخ!!

پا در ادل دو میشاههای (۱۳۰۰) کال در آدای ماها و بیند را اینیا و کا در از این اداشت

۱۵ م وزایم ادافید بنای خط دار از مرا مای بنیت و ودار خاندر آن مرا افاد معاون در طبعه در باز د منامها، آواد خانون در از در

المات بلاد معاجيدة الإن حال التراز الر رحمه بران خير الكراحي البديات بلادر مق الأخيرة المنت القاد عبد بلا تحال اليها من فار الفند الديار بيرة ، كريها مقر بها \*\* - تحالف الله منت

ن تعرفید نظر مایند بر تعرفید به ایند اگر خو تصور تر قدید قدید شرایی به زید محد فیرس اور بشده به هر نوز بارد میگر ر

سد چه مو در وردند و داده. خوب از عمر دري و هسته ديد ۱۳۰۰ مز داري خودمي يې ۱۳۰۰ مود درد ۱۳۰۱ درد شد در درد زند در سته درد ۱۳۰۰ کرد شو

ره مدیرز فیساس شو آن قبل عثره بزنم داشتید در طور بردس اشتهای کنیش پست اثر بهای عادی اشتیاب شور رکانی راهبایی ادا ۲ دید ههر ری

AND SECOND SECON

وها بدادو م

لرسانيون مستعاري ١٩٥٨.

4

متوج لرفقانه طرنفة

خدراً أنسال من آخر 3 ينظر له إيمار بين الهامار به يتأليب يقد هان آخر أو لو يون بقارة المعاقب بالهواب وقامين بالشعاب والطويان بالقواب بالأعين بالمراجب للمنا والرار بالمياة الإين وكمار بالميار make and endoughly a state. Please

وراد مطلق برا در خراج به والحالف المساور والمساور المرافق المساور الم

بشب استان در مشهور به در في فاهم . بود در معه المهاري در مشهو طلبق بالا دولت الر ما داورو ما در شدر بالقرار به الأم اردي فقها در الفراري ميد مسهد دولا شدن ما الماد براد الرائي يك دافلار فيجود الأند يرو من المهاري أي نها رموم ركت أسم تصديد على خير ما إيكار الكرار

Main as alt mestace description

0000000 لأستحاقت بيداعا تنواع طراها شكا

فالمجروفاتين ووللوالسامية

بالوصملة لولك يتتوخره بيرجم

And the later of the later.

نڌ وينون. ڪاڻو تر آمڌ ۾ بنتياب ڪا پا پ مر سنڌ پر تندق مر طا ۾ الفوي مر بارار زخان ه

أن د دور ريت شي

دل برغب بلام نشنبه طن طق نشار رسم بدخا میا بند مج

فور فط دو بر صور تر دونا دفا. دها د همت اداد با مادو نظار تحدد.

الاسلام والمين الدائية من طرية الكال المينة. علا يازي مرجان والميم من طرية المرم والميز (19 هـ الدائية الإنزائية بي الميني والميز المينية والميزائية) والدائية والمينية من طرية ما يان الميناة والمينة من الميناة والمينة من الميناة الدائية والمينة من الميناة الميناة الدائية الدائية الميناة المين

به نفیه فیب هده هم عدر بخرات غیر از بخر فیز در ادار دک ها

های بهر به بیش از پیش هور در ادار شند کاد باز دانان د سز در دارد. نومه شای او برای به. بازی در در خرنا نو شدل ماغ شده. الله وأدني وجار بالله عيدما الد أ

۱۳۰۰ فضرت في الشيب (۱۳۰۰ باید) (۱۳۰۰ باید) ۱۳۰۰ با در در خوبه (۱۳۹۰ بر فور در نشو ۱۳۰۰ بر اداری دریان (۱۳۹۰ بر فور در نشو ۱۳۰۰ بر از اداری دریان (۱۳۰۰ بر اید) ۱۳۰۰ نشون فرز (۱۳۰۰ بر اید)

الرئاء المستحد و ما و الرئاء بلك المتنا الرئاء المستدانة الما وي في الاراز و وي الراز الميان الرئاء الرئاء و الرئاء المثار الما المثار المثار الرئاء المثار المثار المثارة على المثارة المثار

د في شيا الليبات بالارد الد ( ( ( ( ( ( ) ) التشييل في ( ( ) أن الحرّ في الأكثر بالسلود )

ا الله يوفق المال إلى والأسطول التجار الم والموافق الم المناصلة المال المرافق التجار المجار المناصلة الإنسان المالة والشرار المالة ا

رای کید داد درجه در هم رشیره ۱۹۹۸ ساز در در مداد زمید در در افتاح ارشیر نمواه از

و مختر نيان پرافتو لاغوندي وي. تروا مرخورد وفام نيوزه علاقتر ويت نشتر پير

وم لمين طالك يولون نظالي بين

بالآن الرحر إشاره مع ما بريشد منا مثل حدد حقيق ضرب شيلاد ولا آن زما فنيلا حدد الله خارجية ولا ما أن طريقاد بين من الا الرحد الراحية من ما علم المدا

annument survey and deal

هده مورون کال برای برین

هند چها وليده ايمو در هو ليد بعون فيون دن ومانور فرة تعبد تر دو يو وله ۲ تيون

معوفون خصور دومغ برزم رادر فاز فدار بحث مزده مدًا الترد

اهار هود او باستان بدو بدو دون. 19 - وزايق من آمر او مالود كان

۷ درزو در کر چهردی به کری خور پر پس کر اید کردند کار در

الرائع من الرائعة الرئيسة والرئيس الله المناطقة والمناطقة المناطقة المناطق

1000

یافہ ہر حید الے برت بات پار مع کال کا عبدا ایجاد

## Aban a di sana di sana di sa

2012

المراسة الرفق في السنانة 10,000 في 1990 من المستخدمة ال

خا خدرونر ببادر فين طرازين

لما ۱۹۹ م. ۱۹۱ م زوام م نظافی

بقاصون فلاعد خلافا بالرميد

ad at tax and sed management is an

A برخم نیاد نی و و نیاد عود مخانثة ألد ويودان لي معرض حيد والميود ملكال عال سيل عن يزال حر ١٩٥٥ والاقتراد والمراهد والمراهد والمراهد والمراهد فقد فالا البراة والقرام فنحوا مراس

Articular.

ور در او در خور در او روستان در خور و درد. پیرون در در خورد

وی شدن ما دینه پر آنیه سال در شدر شد. دا در ادعید شر و در اثر

20,100

الدين في من التجار التي مني ميد بد. علا حكور د عام الميذ علياً، بو ليها إمار بكر، بها، الترد في من التجار الله حكم أراب ال من الدر الله كان در الدراب

berte

الرحاد والترافيدين الادار برطيد الر الرحال والميدونية الادارة الرحاد الذا الرحاد الذا الرحاد رحال الاستدار والمياد الماركين من الماركين من يدولونها والماركين والأمياد الركزة الاداركين الركزة الماركين الركزة الماركين الركزة الماركين الما

اق معنى بكرد وبلا يا نقالو الرافز وقائز امري ما حدة دينية برية از الرابع وذات الدائر بيال بالارتجال دين حد

ید. برزافیز پر زمانی برخینه ۱۳۳۳ وا: پیکو، واقع ش ش ۲۲۰۰ وا: کو.

ر الدولة من المدارة المن الدولة الدو

ريو ده ره او صوتي ها صرحه الارت الاستقاط وامنا مشدر او يغر ما يي به العالية

راه عبار نے بیت ما می طلع در سم سلوط: حیث راه فات بار چه سرت عل دهی برا عبول بر چه فاتر خو باق او در او در طوح لیز بنای برز میرونی چه خوبردن بدادن به باز طوح کا ایران باز امن بهاند در قصی وه های مدیروست به هج در به این خراه فران میزی وادرست میزاند در در میزان این امان ما در رسوایی این همین یک ب ۱۹۹۱ در در امان های در میزاند میک کانا در ام میراند میش روزد

> د شد سنا در امن جدار اید طب جربا". اد شار جند جدار در بادار بر در در در

رقان برقان ميلاني خاص برقان من شري خور الم مالا بري في الا خاص المال المنافق المال المال

، هم صاور میه ربی امن کرد ماز قسمید رفاد یکرد کارد رفاد از فاد فارتفی: ۱۶ تمان به او فلسم یدی و آورد چاری خان میزید نمیان و آل تدایر در مشکر پوری خان برای دو صفور از میوسر میزید و زورد پستر از در مهران می خان مدخ را می دادرد می خواد از آل تها ماخ میان دیگر در میران در میران

لوخر نب ادم طاعي خطار ادم جيم ديمة ليز ان مو الكيو ادع خاصا المادات

مر در ور مراه در ویش ساز پیر در و در در در در ویش ساز پیر در در در

حالمه فياعزه يربر والجملطان والمراضية واعترطوني ويراسب 10 at 1 a 100 bits a tab bit 10 at 10

بالاحتادي وحبالا إرجاع وسرهون

وروور ورازير براديمه

فالجرين فالهاورش متوراني وكرد راشد

distributed installation ALM SERVICE STREET and the second second

sample of the state of the second

مُعَدُّ يُعِدُّ فِي فَوْنَ وَقُورِ فِي الْفِرِافِ والأستموحة بياسية يهزيق

and view

CONTRACTOR SALES

CALLER CASTON ON ALARM CO.A. ده خه مناها برایش فی و رهنام

در در است و داده در است می میان از است این است در است در

پید و مر ه در میواندو میواندود به مد رو د غیر در اشتان به ریز دراه است. در جا د افزاد و باید در در ایک راهیان

لي (1904 بالاحراق من المسادية بالرائد المرافق المراف

لله وسارع داور برومون سامرتها و

فذفور بالقباء بنوف عادته ويرسر لمريح يرمرش

ويراعرونوابدك الوسرحاويزون and distribute and distribute

A STREET STREET دادار فران البران المراجع وبه ۱۳۰۸ م البران المراجع ما المرافقة علم الأخراج و

without of the bulb walls.

منا منا به المراحة بها العراجة من الا مراحة المراحة ا

ده المراقع في الميانات التي المراقع و مراقع المراقع ا

nad a series of the fee

الا الله ميدنية في الشيس البرزينية

A SECTION ASSESSED.









نه شخ میا صفر خارد در میزدد در فضت با ترفا این امام در میآود در میبار زمید با این بای بند رفای که تایا و ما فدر میبه ید درمای در فرام امیمها در میبه در آل امام د در درمای در فرام امیمها در میبه در آل امام د

د بر محل غل او آوج باد خر الآل. اعتد من الفر القر الآل بعثر الآل النفذ دو ما به تقر النفة الآل الو الآل به مثلة والإنساق ع الر

م در در در او در سیوه خده پیدانداز در طب که پید زیم دارد در در در در بر نبید

به وی موسطیت به دیو مید ۱ درسالهٔ چهٔ چه یک جرو ۱۵ مرید در به طرف فقت این چار برد داده این ایش

ة البلط قالد الله والرابيل الذاء الله عارات مبداتها الله والرابيل

داکار کی اور بازدی مادیدید خر اگا: ازدیل هیر چه شهاد ۱۹۹۰ و از بری کی ها: چه باز مرتبی ها با برای پرید کار در در ها: کار نمای در پهر چه بود کار داده داداد کار در پهر چه بود کار داده داداد کار در پهر چه بود

خه اید از این زند که بنده سد بربراز به بند اخر مردد در این پ باده در این کتب این و خز میچی بینی دو. در فرد انبیار در خشر اکبری ۱۳۵۰ در ساو می

.

Bess, Justinian Land Calababase cardania

farle o saro caba canta dula

## بالما فتوار فتبوع ميها ووري فالمحمدين عرضاهم

4.46

الانتخام المترطين

الله كا القادلي وي با القادر منواة إضافاً الرسط الدي منزديز عليد في سيد القين (المد الدين في منز المنزدي وسيد القادي (المد القرادي في المنزدي المنزوجية الدين المنزدي مرسم إليف المناشر إذا را تم المنزل الاستدام في إلا الدين

مه برای دارد دارد دارد دارد در درد د استر بدا ه ه تر بد از لیک باشد این به ایداری نزد از خوری یم . . . بد داد درد در در درد ه ه داد درد در در درد د

لر کړ څېړه نده هر طبي ره ټولا ت. رڼه از خر سال دري رز ليه ۱۹ پر ده کلگ يو کا خار ده په حو ا

ور بها بادین ده شدها کند کا فضایط این خواد زندری ده خاک خانه را به حد پر شاد رط شود زار کادر شد را مشدل ما طبوی رم در ده خدود رکه بحی را نبایات را کل ما بعید در A MARK TRANSPORT AND THE PARTY OF

بالتبارة مثارة ببارات الهريس كأرباد و

وبوار فهدهن

الاستراباة وشورونا لأبراء الاراؤان

ر کاری کے کیے ورکز نہیں کرکے ہے۔ سامت کا سا خاند میڈیکل کا کا ایک مختری او میں

زان شاور طاهمی در ۱۳۰۰ بعد ۱۳۰۰ برد ۱۳۰ در تیمون در شنب ۱۳۰۰ بطلب ۱۳۰۳ با نفیت در شدق قامهٔ نفیت (۱۳۰۳ برد بیان و شرقه این ۱۳۰۱ در قوم در که اواراد نام فتن در نما در خور در آن فقهٔ افایان د

نام فلتي ترميل و فق موالي فلفية الأولية ... هذا وها يشا مثل خياة المواطع وازيان وتفسيقها، الأصام ألك منها على الاصار 1 الربة المعها والأموال الإ

ر من موجود دارد مور وقد و بازد م ر من بالا مو دار من مرا مرا دران من رکار فتر در و ندر باید و از پر ندرا، رکا بند بن اور دا در نتید در دیت در بر شر بندل بدن

الرفيد در ميد جي پر في هي اين. و ميا، واميد

راز شان خبل البناء \* رابز جائز نبوء ال

رنم بطور نبود ال آون ادار بنام برخود از بنج بحد بناء هر

# Law Communication and and

خجوريشرش وو AND RESIDENCE

فالماه وتاليا تليان الميتوات ريز

# ا باواد کی

NAMES AND DESCRIPTION

ARTERIOR STATEMENT

الرافة كالرائي فالكراني فرايه فرفاها با عرارت ولافرنت تاتات السود

LA COMPANIES OF CO.

continuous and brack of a

الوسانية والميراق فتحارض المحارضية

لاحداث فأطور ليبار بفروركي مت الاجول من الإنجاز الأراد من الأحداد الا

University of a base do about to be

Albert April April Service and an of the

روا من معمود کردوں کاردوں من من کے اسم اگرونی 1 رمی 3 دما دو اپنے اور افقاد

مه شبة هيري ۾ نب يه طي په بند امي مهر يون م خواني، دو مڪارة در پر ۾ پر تر ۱ بيشاره امي

## ١- يورو في

نیاد بیش به به خوا و هم شرای حض نید اگر که گرگی که است به در سر است شد بیشت به داخل در خرای بر ایل استون به بیشت و بر بید که بیش در در این است را دید شو در بید که بیش به دار کر بیشت که در شد دو در بازد بر کار بیشت که بیشت بازد بیشت بازد این در سیخ است به نید بیشت بازد بیشت بازد بیشت با در سیخ است به شرای است را در بیشتر بیشت بدار میشا که سیز در این این کار سیخ داد کرد کرد در بیشتر بیشت بازد کار کار این است بازد کار سیخ از کار کید کرد کرد کرد کرد کار سیخ کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد کار سیخ کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد کار سیخ کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد سیخ کرد کرد کرد کرد کرد کرد کار سیخ کرد کرد کرد کرد کرد کرد سیخ کرد کرد کرد کرد کرد سیخ کرد کرد

مع جاء 5 مد قد خاط الدخل کا اور اور اور اور اور الدخل قد با المهرد القرار الدران الدخل الدران بدخل المهرد الدخل الدخل الدران مدار الران رای را بدنا در از ا

## ونبذ

افرده بزاي مام و فلسيه ۱۹۱۵ ، ۱۳۱۵ الترب ما از نادر امادر الدر و حا الاوجه الداري عكي ي، خاناته الفتل الزايد او داد او يو وكي د 140.0

And to the state Stock المترجة وجرانا

ير خ صمره زنم ۱۵ پانتهار تر حشره ۱ ۱۳۶

40.000

للانو مدالة المرافي المالة 40 الما 12 14 15

with the same and the same and the

أنوه از فرو (۱۳۳۱ م فرو فيط بر نيش ول فالمجاديث كالين والراموار الدم فالأمل ويادوك

سور بواطیقی خیشہ بوائز بدان خوطم کار میں دیئے باہ وادھی خور میرہ بازا کار رکلو رز مارہ رہم پر فضا

نظر مید می که فاتل و نیژه در اتاب را محر قال ای معرد در نب بر ایدان در فات بود قال مغربی در ایدان در ایدان در

الدائد و بندا في برخ الفتارين الذي المناوين تو يقوم الله في طرح من الفيل الآن وقد مراطقا في ما يزار القاصل مراصين ما يجار مدائل في عر و طها الرحية مناطق المنافذة

از وروم جا ۾ دون 🖚

١٥. فر ﴿ فَلَنَا وَلا مِنْدُ

الروميورين (بياني سنا ها تين) فرطانج

Johnson Street de Literati

نصاحها"، دو دي لا فرنوني مجمه حياة ولا يد مدن منز معيها"، بدي لها يز خيمه براز مان اي معينها"، رمنع له مناز ي همينها".

علاء عوز دل الأمن في طبيرت من الرحانات لك طالب في ضو اللوا السوالية، عال في الرحانات با سوارتك علاقات إلى طلب روي (1978 في الإ الا ماكانات الله المنافقة ال

وه البرق تبر غير واحد اد يتم تشو شكون . و الافيار بلا على على الدين شاري كار يترف دارية حرفال وواقيال وصلا على عام الا كان هذا المراجع المراقي في الما يتما على وتتحاص عند والماد الرح في الاراق على الانتخاص المراقبة على المراقبة . حالات القرار إليه في الإن المراقبة على المراقبة .

الا دخيره الذي ترجلها هيز بدون الله به الله وميلة الرئيل إن نبد وجود والمباح الله الله البراة إن أراق إمراد الله الإلاات الله بها الاي الله الله في مليز الله والكامة ، في تجوير بالله بها

ه طوالونو دند ۱۰۰۰ ا مل صنع د المناشق ۱۰۰۰ و مستو در شاه دند ۱۰۰۰ مناس

THE MARKET MARKET AND ASSESSMENT

صيد عند و من الرحة دي ريّد طه، رمخ يد منز هن الأرضة عنا". \*\*\*

د رسون غیر بر ده دهند بین هی داد. رفز رد داده غیر داده ۱۸۸۸ که دهند شد



the second thinks a single a sail

٥٠ مرضوع ماير فلميشن والأول فالشوائي المداد والمياب

control bound somewhat a set of المنافضاتة رجاش بالزواج شير

المكالم المنافرة المالية المنافرة المناواتين.

ه د العاد الفادا بر المداميسية. ميز و رافق و

م فيلا فليا يديع رابين لا يبيد عم نيم ل

، سخ طای چه جوی از خانی ۲ نرو بر دی. در در انگ ، سره بر روید نخ رنگر ها در و ۱۰ انتر در در دارد کار در در

نع بالانتخاص التي وينتج من الدفيقة والموسل لريونها أو مينها الكليا في الانتخاص الطارع

مع مور القر بالام شد يمجه لا يعيّه لا مردف مع مال عيدا شيمه الرسي لا عبة عبد ما يسان شروع فرسية

مریح نے سے۔ 20 باز در بالد شہر رشد ، وندہ بل نے ہے۔ 19 ہم جو سرخ میٹ رشل کا در نج بالد شار بھارات کر زامط آل ہماریئر این یہ 1 کارز سا امریکی در چنا انہا ہے رامجی 1 کارڈ سا

بدارات در زماد که مخاصر این به ۱۳ کار کا استیار در چاکیت دی رساس ۱۳ کیل پخو میده که این در زمان شدید کنید رستید باشد استین در زمان کار در حار شاک رستان کنید

ليبين و زبان القواد من شاعل وها الله. والكان و أن ا يماة الأن بر علا ما اير غايد الآن أ أ فريش اير فرم بين ها فرا به عل سن الوراغية الا منع بر قام و علا اله علم ا و غراف الرغيس

## مان موسول المستحد الأبل عنه رفيديو في الانواد يونا ما بالمؤ صاباً أمنياً، وفق التي شدي أو أن شكار يشار. بد

و ما در بهم فقر بند. رفاع فا فره و در در ها بدار دنیا، اربود سره اداری در در در ها در در تحدد درد ارب همه خوام در ادارید نام در خارج به

ما فقاد کرتر نبرد شدر رشور بری پردی این و مادر رفتا شخصا در پردی و پردیا دور از پردا فد یافتری دفتان و بردی افاد ترد و چرد و چرد و افاد خرد این بردی فاد در مداخل بردند مرد فرد در اسال رفتار اید این بردی استران در مد فادر بشد او در فرد رفت این در دو به باخ

خينځونا د ما وم ۱۳ پر تروغړ در هې. د خي از اد انټرن کا پا د د او کار روم. په زمان اکار د انټار د انځا د انځو ي. سيد ( ادر الله هم ۱۰ رايد دوام بالد واريداده بالد بايد هم مثل مايد ادارد الد جهود يالد بايد بد والمداد بر واحاج به الله به اللك الد الادام الم الله بايد به

سد در عرض به التي د داختي ديدي داد داشتي رخته براد بيد و فران رفاط هادر حدد د د د د ها در دارد د هدد آن که داد د د د

براد بها ۱۱ از زرده های جرده دربرزی دراد برازی باشد از افاد دارد برزده از برزی از آنهای جدید شدند. از حدید برزی سایستان در باشد در شراع رسید از ایدیگر مشا

در عم خور رسیده در پاید سر دند. رفته رفتا کالا سیز پاید یا د طر رفت در دند.

ب دلا دور بدل ارجل شهر نر ها هج. داداد در اداد بدر ادار جوار شهر اداد هج. دادار دادار درد در دادار دا

101	الميز الان المريشة المساور فيسور إفدا
	البحداثان التوسق والمادس بما المحابة
	المينات المار الميار الماران المعود في المود الإيمار والذات
14	
	- Anna
185	the product of
	صراحت سرر فردج شرفوس وعد
OI	
	make people for holes 1000 count
	manage and participation of the contract of th
	البحد الخمر السال المراراتان والوسق
	240.00

